

پشگفتار :

- خواننده گرامی ، نظر بر این بود که این کتاب در وهله اول کلاً به زبان ترکی بچاپ برسد، اما بعداً نظر خود را تغییر داده و چاپ آن را با توضیحات فارسی ضروری دانستم ، چراکه متاسفانه هموطنانمان از یادگیری زبان ترکی و مادری خود محروم و بی بهره اند ، اکثر کسانی که با سوادند جبراً تنها به نوشتن و خواندن زبان فارسی آشنائی دارند. ...

در رابطه با مطلب مذکور به شعری از ابولقاسم حسین زاده « آتا سوزو» توجه کنید :

آرمیت کالدیر یئمک اولمور هر سوزو آچیب دئمک اولمور ...

آنلایانا بیرجه میلچک سازدیر، آنلامایانا زورنا- قوالدا آزدیر ...

- با وجودی که مدت زیادی از چاپ اول و دوم این کتاب می گذرد ، متاسفانه بخاطر گرفتاریهای مختلف کار و زندگی ، هنوز موفق به آماده کردن جلد دوم و جلد ترکی آن نشده ام.

- بعد از چاپ اول همین کتاب ، عده ای از خوانندگان محترم ، بوسیله تلفن و یا نامه چاپ آن را تبریک گفته و بعضی از آنان نیز بعد از تعریف و تشویق ، نظرات انتقادی خود را که عمدتاً به فشرده و نا روشن بودن مطالب آن [بویژه در بخش اول کتاب و همانا به در هم و برهم بودن بخشهای مختلف آن بوده است] بیان کرده اند. در این رابطه خوشحال کننده ترین تشویق و تمجید را مرحوم آقای دکتر مینائی و مرحوم آقای دکتر زهتابی نوشته اند . نامه آقای دکتر زهتابی علاوه بر تشویق نظرات اصلاحی و انتقادی نیز داشته است . (نامه وی در آخر کتاب در صفحه ۲۰۸ درج شده است.)

علاوه بر آن در این چاپ حروف صدا دار با خط عربی تغییر داده شده و حروف صدا دار انتخابی سمینار تهران در نظر گرفته شده است ، ولی متاسفانه برنامه کامپیوتری بعضی از علائم ویژه آن را بدرستی نوشته است .

- مطالبی که در این چاپ ، در صفحات اینترنتی ملاحظه می شوند، از لحاظ محتوی همانند چاپ اول و دوم همین کتاب می باشند. ولی برای آسان کردن جستن مطالب آن در صفحه اینترنتی و همانا با در نظر داشت راهنمائی ها ، پیشنهادات و انتقادات خواننده گان عزیز ، مطالب آن تا حدود زیادی به پس و پیش کشیده شده و در مواردی توضیحات کوتاهی نیز به آنها افزوده شده است .

در این چاپ ، در بخش اول در رابطه با الفباء و نحوه به کارگیری آنها در ترکیب کلمه صحبت می شود و بدنبال آن به صرف افعال ساده در زمان حال ، در زمان آینده نزدیک و با فعل مصدری در زمان حال و همانا در رابطه با اصول نفی آنها توضیحاتی داده شده و برای ضمائر شخصی صرف می شود ؛ در ادامه مطلب حالت های تصریفی اسم ، ضمیر و... و همانا فرم گذشته (مترادف با فعل ساد در زبان فارسی) فعل در فرم های مختلف صرف می شود. در ادامه مسائل دستوری اشاره ای نیز به جمله سازی شده و بدنبال آن در رابطه با کلمه صفتی ، ربطی ، قیدی و... ، در فرم های مختلف و بکارگیری آنها در ترکیب جمله توضیحاتی داده می شود. در بخش بعدی ، به ساختن افعال مختلف ترکیبی ، مرکب و به صرف آنها پرداخته می شود.

توجه : - چاپ تکمیلی این کتاب با توضیحات و مثالهایی که در مواردی اشعاری نیز از شعرای آذربایجان همراه دارند (در حدود هفتصد صفحه) آماده چاپ می شود.

- مطالب آن نیز در همین صفحه اینترنتی در اختیار هموطنان عزیز قرار خواهد گرفت .

- لطفاً ، نظرات انتقادی و اصلاحی خود را به آدرس الکترونیکی [به فرم « PDF »]

ارسال دارید.

Ali.Mohammadi@t-online.de

فهرست مطالب :

عنوان	شماره صفحه	عنوان	شماره صفحه
پیشگفتار :	۱ -	فعل آینده نزدیک :	۲۷
فهرست مطالب	۳ -	مفاهیم دیگر فعل آینده نزدیک :	۲۹
مقدمه :	۶ -	فعل امری :	۳۰
الفبای لاتین و عربی :	۷ -	تغییر حرف ریشه فعل :	۳۳
اطلاعات متفرقه ... :	۸ -	فعل مصدری زمان حال :	۳۴
نحوه صرف الفبای ترکی :	۹ -	طریقه نفی کلمه :	۳۵
حروف بی صدای ضعیف :	۱۲ -	نفی فعل ... « ایمک » :	۳۵
حروف بی صدای قوی :	۱۳ -	حالت نفی فعل مصدری در زمان حال :	۳۷
کلمه :	۱۴ -	کلمه نفی « مز » :	۳۶
طریقه هجی کلمه :	۱۵ -	پسوندهای نفی « می ، مو » :	۳۶
اسم :	۱۶ -	نفی فعل زمان حال :	۳۷
مصدر :	۱۶ -	کلمه نفی « یوخ » :	۴۰
فعل :	۱۷ -	نفی فعل آینده نزدیک :	۴۰
علائم جمع :	۱۸ -	نفی فعل امری :	۴۱
ضمیر شخصی :	۱۹ -	حروف اضافی (کلمه) نفی « سیز » :	۴۲
ضمایر اشاره ای :	۱۹ -	فرم سوالی و بکارگیری	۴۳
نحوه صرف فعل « ایمک » :	۲۰ -	نفی سوالی فعل :	۴۳
حرف تکمیلی « ی » :	۲۲ -	نفی سؤالی با فعل ایمک	۴۴
اشکال صرف افعال :	۲۳ -	نفی سوالی فرمهای مختلف :	۴۵
صرف فعل در زمان حال :	۲۵	کلمه سوالی فرم قدیمی :	۴۹

عنوان	شماره صفحه	عنوان	شماره صفحه
اسم مصدری :	۵۰	فعل ماضی :	۷۷
اسم فاعلی :	۵۲	نفی ماضی :	۷۹
صرف دوگانه کلمات :	۵۳	جمله سازی :	۸۳
حالت‌های تصریفی اسم .. :	۵۴	صفت و بکارگیری آن در جمله :	۸۳
حالت‌های تصریفی ضمائر شخصی .. :	۵۵	کلمه ربطی و .. ۸۸	
حالت‌های تصریفی ضمائر اشاره ای :	۵۷	« جا ، جہ ، جا » علامت مخصوص زبان :	۹۸
حالت‌های تصریفی چند کلمه استفهامی :	۵۸	کلمات قیدی ... در جمله :	۱۰۰
ضمائر اشاره ای با اضافی ملکی :	۵۹	حروف اضافی « لی » :	۱۰۵
ضمیر ملکی « iv » بجای « in » :	۶۱	اعداد و انواع مختلف آن :	۱۰۸
ضمیر انعکاسی :	۶۳	قید سوالی :	۱۱۲
ضمیر انعکاسی و حالت‌های تصریفی آن :	۶۳	کلمه سوالی « نه » :	۱۱۳
کلمه سؤالی و ضمائر انعکاسی :	۶۵	کلمات مختلف و بکارگیری آن :	۱۱۶
نفی کلمه سؤالی .. ضمیر انعکاسی :	۶۷	حذف حرف صدادار از چند کلمه :	۱۲۰
شکل سوالی کلمات يك هجائی :	۶۷	حالت گذشته استمراری و .. :	۱۲۱
حذف کردن یکی از ضمائر ملکی :	۶۸	نفی گذشته استمراری و .. :	۱۲۳
ضمیر اشاره ای و اضافه ملکی :	۶۹	فعل آینده نزدیک در گذشته :	۱۲۶
کلمه سوالی « نه » .. وار ، یوخ :	۷۱	نفی فعل آینده نزدیک :	۱۲۸
کلمه سوالی « نه ره » و :	۷۳	گذشته استمراری مصدری :	۱۳۰
اسم سازی بوسیله اضافه ملکی :	۷۴	نفی گذشته استمراری مصدری :	۱۳۱
کلمات تعلقات ملکی :	۷۶	ماضی نقلی و فرماهای مختلف :	۱۳۳

عنوان	شماره صفحه	عنوان	شماره صفحه
فعل آینده و فرمهای مختلف :	۱۳۴	فعل امری مجهولی :	۱۷۳
فعلی فعل آینده و...:	۱۳۵	فعل مجهولی مصدری :	۱۷۶
صرف فعل آینده در گذشته :	۱۳۷	فعل مجهول کمکی :	۱۷۸
کلمه سازی بوسیله پسوند :	۱۳۹	فعل مجهول التزامی :	۱۷۹
فعل فاعلیت صفتی و فرمهای :	۱۴۱	فعل مجهول کمکی با اولماق :	۱۸۰
گذشته فعل فاعلیت صفتی :	۱۴۳	فعل آرزوئی و فرمهای مختلف :	۱۸۶
صرف فعل صفتی.. « اولماق» و	-	گذشته فعل آرزوئی :	۱۸۹
فرمهای مختلف آن :	۱۴۴	فعل آرزوئی کمکی :	۱۹۰
کلمه سازی بوسیله فعل فاعلیت:	۱۴۷	جمله آرزوئی غیر واقعی :	۱۹۱
فعل کمکی و بکارگیری فرمهای	-	فعل امری آرزوئی و فرمهای آن :	۱۹۳
مختلف آن :	۱۴۹	فعل امری آرزوئی و فرم قدیمی:	۱۹۵
کلمه سازی .. با فعل کمکی:	۱۵۳	فعل شرطی و فرمهای مختلف آن :	۱۹۷
کلمه ساز تشبیهی با فعل کمکی:	۱۵۴	فعل شرطی واقعی :	۲۰۰
کلمه سازی با مصدر دو گانه :	۱۵۶	جمله شك و تردید :	۲۰۲
فعل التزامی و فرمهای مختلف :	۱۵۹	کلمه التزامی گرك...:	۲۰۳
جمله بندی التزامی با فعل اولماق:	۱۶۲	جدول مقایسه افعال مختلف :	۲۰۵
کلمه سازی با فعل التزامی :	۱۶۳	عملکرد کلمه « اگر » :	۲۰۶
کلمات التزامی مختلف در جمله :	۱۶۷	نظر تشویقی و انتقادی دکتر زهتابی -	-
فعل مجهولی و فرمهای مختلف:	۱۷۰	در رابطه با چاپ اول این کتاب :	۲۰۸
استثناء در فعل مجهولی :	۱۷۲		

مقدمه:

- در این کتاب همراه خط عربی از خط لاتین نیز استفاده شده است زیرا الفبای عربی که الفبای ترکی نیز از آن گرفته شده، نه تنها برای توضیح و صرف افعال زبان ترکی نارسا بوده بلکه مشکلاتی نیز برای نوشتن و خواندن صحیح و آموزش سریع آن بیار آورد است، چرا که بعضی از حروف الفبای عربی و بویژه حروف صدادار آن با حروف الفبای ترکی هماهنگی ندارند. مثلاً برای فهماندن حرف «ا» ، آن را در اول کلمه به شکل ا ، ا ، ا ، ا ، در وسط کلمه به شکل «ه» و یا به شکل ه همزه و در آخر کلمه به شکل ه ، ه می‌نویسند و همچنین حروف o, u, ü, ö را به شکل او ، اؤ ، ؤ ، و ، او ، ئو ، عو ، أ ، و... مورد استفاده قرار می‌دهند که هیچ کدام آنها با اصوات حروف ترکی هماهنگی کامل ندارند.

- در زبان ترکی آذربایجان نه (۹) حرف صدادار موجود است که آنها نزدیک به چهل درصد ساختمان و ترکیب این زبان را تشکیل می‌دهند.

- زبان ترکی علاوه بر حروف صدادار حروف دیگری هم دارد که زبان عربی آن را ندارد، (مثل: ژ، پ، گ، چ) و زبان عربی نیز حروفی دارد که مورد استفاده ترک زبانها نمی‌تواند قرار گیرد. مثال: بجای ز، ذ، ض، ظ، [یک Z ز] قرار می‌گیرد.

- بنظر می‌رسد استفاده از خط لاتین همراه با خط عربی میتواند کمک زیادی به آموزش سریع و نوشتن صحیح زبان ترکی باشد.

- در این کتاب ترجمه لغت به لغت بعضی از جملات ترکی به زبان فارسی مفهوم واقعی آنها را نمی‌رساند بنا بر این از جملات و واژه‌هایی استفاده می‌شود که مفهوم مترادف با آنها را بیان می‌کنند.

- برای بعضی از واژه‌های دستوری که از لحاظ مضمون تفاوت‌هایی با واژه‌های فارسی دارند توضیحاتی در آغاز مطلب ذکر شده داده می‌شود. مثال:

مصدر ، فعل ، فعل آینده نزدیک و ماضی و...

الفبای لاتین و عربی :

الفبای لاتین این ویژگی را دارد که با کمی تغییر شکل در بعضی حروف هماهنگی کاملی با زبان ترکی پیدا میکند. هماهنگی الفبای لاتین با زبان ترکی اجازه میدهد تا تمامی مشکلاتی را که خط عربی (عمدتاً بخاطر عدم هماهنگی حروف صدادار) برای نوشتن و خواندن زبان ترکی بیار می‌آورد، از بین برده و آموزش و صرف افعال آن را بسیار آسان سازد.

- در نوشتن کلمات ترکی با خط عربی، نا همگونی هائی موجود و اجتناب ناپذیر است، ولی در کنار خط عربی همان کلمات با خط لاتین نیز درج می‌شوند و بدین شکل کوشش می‌شود که کمبودها حتی‌الامکان رفع گردد.

الفبای ترکی با خط عربی و لاتین به شکل زیر می‌باشند :

s S س،ص،ث	q Q ق،گ	g G گ	a A آ،ع
ş Ş ش	l L ل	ğ Ğ غ	b B ب
t T ت	m M م	h H هـ ح	c C ج
u U عو،ئو،او	n N ن	x X خ	ç Ç چ
ü Ü عو،ئو،او	o O اؤ،أ	ı I ای	d D د
v V و	ö Ö اُو	i İ ای،ئی	e E اِئ،ِء
y Y ی،ی	p P پ	j J ژ	ə Ə هـ،هـ
z Z ظ،ض،ذ،ز	r R ر	k K ك	f F ف

توجه : - الفبای مذکور، امروزه در جمهوری آذربایجان رسمی بوده و تدریس می‌شود.

- حروف صدادار با خط عربی، حروف انتخابی سمینار تهران (در تاریخ ۲۷-۲۶ خرداد ۱۳۷۹

هجری هجری شمسی) می‌باشد. (متأسفانه برنامه کامپیوتری همه آنها را بدرستی نمی‌نویسد).

اطلاعات متفرقه در رابطه با زبان ترکی آذربایجان :

زبان ترکی که زبان مادری بیش از يك سوم جمعیت ایران است یکی از با قاعده ترین زبانهای زنده جامعه انسانی می باشد ، بطوری که در آن تنها يك فعل بی قاعده و چند عدد استثنا وجود دارد :

(۱) در زبان ترکی يك فعل بی قاعده وجود دارد که آن ریشه مصدر « ایمک » (بودن) است.

(به صرف فعل « ایمک » در صفحه ۲۰ توجه شود.)

(۲) در صرف افعال در زبان ترکی، ریشه افعال تغییر ناپذیر می باشد. ولی پنج فعل موجود است که آنها را به دو شکل صرف می کنند که در یکی از این دو صرف ریشه آنها را تغییر می دهند.

(به نحوه بکار گیری افعال مذکور در صفحه ۳۳ توجه کنید.)

(۳) در محاوره در صرف اضافه ملکی برای دوم شخص مفرد بجای « in » يك « iv » (v)

بجای « سنین خالانین اوغلو » به شکل « سنین خالاوین اوغلی » (خالاوین) بکار می برند که « v » (iv) اضافی با اصول زبان ترکی هماهنگی ندارد و آن را در همه جا نمی توان بکار برد.

(ادامه مبحث مربوطه در صفحه ۶۱ می باشد.)

(۴) در زبان ترکی چند کلمه وجود دارد که در صرف از آنها يك حرف صدادار حذف

می شود. مثال : « بۇرون burun » یعنی « بینی » که در صرف بجای « بۇرونوم burunum » (بینی من) به شکل « بۇرنوم burnum » گفته و نوشته می شود.

(نحوه بکار گیری کلمات مذکور در آخر صفحه ۱۲۰ می باشد.)

(۵) فعل « یئمک yemək » (خوردن) و « دئمک demək » (گفتن) در صرف مجهولی حروف « yi » اضافی بخود می گیرد .

(صرف مجهولی دو فعل مذکور در صفحه ۱۷۲ می باشد.)

(۶) در زبان ترکی تشدید وجود ندارد. ولی کلمات عربی که در آن نفوذ کرده اند ، به شکل زیرین نوشته و تلفظ میشوند. مثال :

« اما » - اما نوشته شده و آم - ما گفته میشود. « الله » - الله نوشته شده و آل لاه و یا آلا

گفته میشود. حل کردن :

« حل ائتمک » نوشته و « həlletmək حل لئتمک » تلفظ میشود. حس کردن :
 « حس ائتمک » نوشته و « hissetmək حیس سئتمک » گفته می‌شود.

در زبان ترکی دو حرف هم‌نوع تنها در چند کلمه (کلمه ساده) به دنبال هم آمده که به شکل زیر می‌باشد :

bəlli	(واضح یا روشن)	بَل لی
əlli	(پنجاه)	آل لی
doqquz	(نه)	دوققوز
səkkiz	(هشت)	سککیز
yassı	(پهن)	یاس سی
yeddi	(هفت)	یغددی

۷) « ن » تنوین (ْ) را به شکل زیر بکار می‌برند . مثال :
 « احتمالاً » نوشته و احتمالن ehtimalən گفته می‌شود و یا کلمه « حتما »
 به شکل « حتمن » hətmən تلفظ می‌شود.

نحوه صرف الضمای ترکی :

حروف ترکی را میتوان به سه بخش تقسیم کرد .

۱) حروف صدادار

۲) حروف بی صدای ضعیف (بی ثبات)

۳) حروف بی صدای قوی (با ثبات)

الف (حروف صدادار ،

در زبان ترکی آذربایجان نه (۹) حرف صدادار وجود دارد که به دو گروه مختلف تقسیم

می شوند .

(a) گروهی که نرم و یا صدایشان بم شنیده شده و آهنگ پائینی دارند . این حروف چهار عدد هستند :

آ a ، الف ساکن ا ، ع ا و اُ o ، او او u

(مثال: آل al ، بگير . ایشیق işıq ، روشن . اول ol ، بشو . اوج uç ، پیر)

(« ا » به شکل الف و یا به شکل « ای » ساکن تلفظ می شود.)

(حرف « a » با خط عربی در اول کلمه به شکل « آ » و در وسط و آخر کلمه به شکل

« ل » نوشته می شود. حرف « ا » مثل الف ساکن (ا) تلفظ شده و با خط عربی در اول و

وسط کلمه به شکل « ی » و در آخر کلمه به شکل « ی » نوشته می شود.

(b) گروهی که صدایشان تیز و یا نازک و بعبارتی آهنگ بالائی دارند .

این حروف پنج عدد هستند :

ا ع ا ، e ، ای i ، او (ئو) ü ، او (ئو) ö

(مثال : گل gəl ، بیا . ائشیت eşit بشنو . ایشله işlə ، کارکن . گول güll ، بخند .

اؤپ öp ، بیوس . کئد ged (گئت get) ، برو .)

« ا » (ا ، ع) با خط عربی در اول کلمه به شکل « آ » و یا « ع » و در وسط کلمه

به شکل [ع] و در آخر کلمه به شکل « ه » نوشته می شود. (« ا » به شکل « ای » و یا

به شکل « یی » تلفظ می شود .)

در صرف کلمات ، حرف صدادار پسوند باید با آخرین حرف صدادار ریشه فعل هماهنگ

باشد. این هماهنگی به دو شکل (کوچک و بزرگ) صورت می گیرد :

(۱) در هماهنگی کوچک کلمات در صرف ، حرف a , ə ، بخود می گیرند . بعبارتی اگر

آخرین حرف صدادار ریشه فعل به آهنگ بالائی « ü , ö , i , e , ə » ختم شود ، پسوند آن

با حرف « ə » بکار می رود . برای مثال به صرف فعل زیر توجه کنید :

من می آیم - گلرم gələrəm (در آینده نزدیک) ، می خندم - گوله رم gülərəm ،

انجام می‌دهم - ائدرم edərəm

اگر آخرین حرف صدادار ریشه فعل به آهنگ پائینی (a, l, o, u) ختم شود، در صرف، حرف صدادار پسوند تبدیل به «a» می‌گردد. مثال: (جمع بستن کلمات) آدمها - Adamlar ، خانمها - Qadınlar ، علفها - Otlar ، گوسفندها - Qoyunlar (فرم چنین حالتی به این شکل : a, l, o, u = a می‌باشد.)

۲) در هماهنگی بزرگ، پسوندها به چهار شکل «i, l, ü, u» صرف می‌شوند:

- اگر آخرین حرف صدادار کلمه ای به حرف «ə, e, i» ختم شود، پسوند آن در صرف حرف «i» بخود می‌گیرد. (مثال: می‌آید گلیر gəlir ، گلدیر ، ایچیر : ə, e, i = i)

- اگر آخرین حرف صدادار کلمه ای به حرف «l, a» ختم شود، پسوند آن حرف «l» (الف ساکن) بخود می‌گیرد. (مثال: می‌گیرد - آلیر alır ، قیلیر : a, l = l)

- اگر آخرین حرف صدادار ریشه فعل به حرف «o, u» ختم شود پسوند آن در صرف حرف «u» بخود می‌گیرد: (مثال: اولور olur ، قورور : o, u = u)

- اگر آخرین حرف صدادار کلمه ای به حرف «ü, ö» ختم شود پسوند آن حرف «ü» بخود می‌گیرد. (مثال: گولور gülür ، می‌خندد) ü, ö = ü

(در جاهای مختلف این کتاب به مثال فوق اشاره خواهد شد.)

ب) حروف بی‌صدای ضعیف (بی‌ثبات) :

حروفی هستند که صدای آنها واضح و ثابت نبوده و در مواردی بویژه در بعضی اشعار و در کتب قدیمی تغییر صدا می‌دهند.

حروف مذکور ۸ عدد بوده و بدین قرارند :

چ ç ، ف f ، ح h ، ک k
پ p ، س s ، ش ş ، ت t

از حروف مذکور پنج حرف در هنگام صرف با قرار گرفتن در بین دو حرف صدادار تغییر

y	ی	تبدیل به	k	ك	صدای می دهند. یعنی :
ğ	غ	تبدیل به	q	ق	
c	ج	تبدیل به	ç	چ	
b	ب	تبدیل به	p	پ	
d	د	تبدیل به	t	ت	می گردد.

علاوه بر آن اگر آخرین حرف کلمه ای به یکی از حروف بی صدای ضعیف ختم شود و پشت سر آن نیز حرف « د » صرف شود ، « د » تبدیل به « ت » می شود. مثال : « گلمک gəlmək » (آمدن) که « گلمکده gəlməkdə » تبدیل به « گلمکته gəlməktə » می گردد. همچنین (« ت t » تبدیل به « د d » می شود. مثال : [پیراکن - پیراکنم] داغیت - داغیدیم می شود. (چهار - چهار من) دورت - دوردوم و ...

توجه : کلماتی که دارای یک بند (یک هجی) هستند از قانون مذکور پیروی نکرده و

تغییر صدا نمی دهند . مثال :

at	آت	atim	اتیم	(گوشت - گوشت من)
ip	ایپ	ipim	ایپیم	(طناب - طناب من)

قاعده مذکور امروزه در ترکی استانبولی رسماً صرف می شود. ولی در آذربایجان (بجز در دو مورد یعنی در رابطه با حرف « ك » و « ق ») به تغییر صدای حروف مذکور اهمیت نمی دهند و آنها را به شکل اصلی خود صرف می کنند و در مواردی هم هر کس به دلخواه خود حروف مذکور را تغییر داده و بکار می برد. دو حرف (ك k و ق q) با اصول فوق صرف می شوند. در این کتاب نیز به تغییر صدای این دو حرف (ك و ق) اهمیت داده شده و آنها با اصول فوق بکار برده می شوند. به مثالهای زیر که حروف « ك k » و « ق q » در صرف بین دو حرف صدادار قرار گرفته و تغییر صدا می دهند توجه کنید:

- yemək - یعمه ییم yeməyim (غذا - غذای من)

در صرف مذکور حرف « ك k » تبدیل به « ی y » شده است .

– اوشاق uşaq – اوشاغیم uşağım (بچه ، فرزند من)

در صرف مذکور حرف « q » تبدیل به « ğ » شده است .

– به مثالهای دیگر که در صرف حرف « ق q » تبدیل به « غ ğ » و حرف « ك k » تبدیل

به « ی y » می شود ، به جدول زیر توجه کنید :

اوخوماق oxumaq (خواندن)	–	اوخوماغیم oxumağım (خواندن من)
گولمک gülmək (خندیدن)	–	گول مه ییم gülməyim (خندیدن من)
اغلماق aqlamaq (گریه کردن)	–	اغلماغیم aqlamağım (گریه کردن من)
ایتمک itmək (گم شدن)	–	ایتمه ییم itməyim (گم شدن من)
دینمک dinmək (حرف زدن)	–	دینمه ییم dinməyim (حرف زدن من)
دئمک demək (گفتن)	–	دئمه ییم deməyim (گفتن من)

– امروزه در صرف الفبای ترکی آذربایجان همیشه و بدون استثنا باید تغییر صدای حروف

« ك » و « ق » را در نظر داشت ، زیرا بآنها در همه جا برخورد می کنیم .

– کلماتی که از زبانهای دیگر وارد زبان ترکی شده با قانون مذکور صرف نمی شوند . مثال :

(کلمه عربی) خالق ، خالقیم [خالق ، خالقیم] (کلمه فارسی) بابک ، بابکیم

(کلمه ترکی : به بك ، به به ییم)

ث) حروف بی صدای قوی (با ثبات) ،

حروفی هستند که تغییر صدا نمی دهند و به عبارتی شکل استثنائی بخود نمی گیرند . فقط حرف

« ر » در مواردی به شکل قوی (مثل گلیر [rr]) و یا ضعیف مثل :

بیردنه bir dənə [یک دانه] که « بیر bir » به شکل « بی bi » (بدون ر) [بی ده نه]

شنیده و تلفظ می شود .

کلمه :

کلمه از حروف مختلف ساخته می‌شود. در ساختمان کلمه ساده ترکی ، حروف صدادار کلمه را یکی از دو گروه آن که با آهنگ بالائی (i , ö , ü , ə , e) و یا با آهنگ پائینی (a , ı , o , u) می‌باشد ، تشکیل می‌دهد. مثال :

یاشار Yaşar ، رفتن (getmək) gedmək ، تۇران Turan ، گلمک gəlmək (آمدن) ، گولمک gülmək (خندیدن)

اما کلماتی که از زبانهای دیگر وارد زبان ترکی شده است اکثراً به شکل اصلی خود ظاهر شده ، ولی پسوندهای آنها با قانون زبان ترکی ساخته و بکار گرفته می‌شود. مثل : رنگر (رنگها) . خالقار (خلقها)

- کلمات به انواع مختلف تقسیم میشوند :

- کلمه ساده : یاشار Yaşar ، حسین Hüseyin ، تۇران Turan

- کلمه ترکیبی با پسوند : حسین ده Hüseyndə (در [پیش] حسین) ،

گولنده güləndə (موقع خندیدن). [حروف صدادار کلمه ترکیبی با هم هماهنگ هستند.]

- کلمه مرکب بوسیله چند اسم و یا چند کلمه ساخته می‌شود :

محمد علی Məhəmmədəli ، گول باغی gülbağı (باغ گل) .

- در جمله بندی ، کلمات هر يك برای خود نام مشخصی دارند :

اسم : حسن Həsən ، باغ bağ ، محمد علی Məhəmmədəli

فعل : گول (بخند) gül ، گلیرم gəlirəm (می‌آیم) ، گت get (برو)

صفت : گۆزل gözəl (زیبا) ، (یاخشی yaxşı) (خوب)

قید : ایندی indi (الان) ، بۇرا bura (اینجا) ، صباح sabah (فردا)

ضمیر : مən (بن) bən ، سن sən (تو) ، اونلار onlar (آنها ، ایشان)

کلمات ربطی : هم həm ، دا da ، داهی dahı (باز) و کلمات تشبیهی ،

کلمات پسوندی ، کلمات اضافی ، حروف اضافی و.. نیز بکار گرفته خواهند شد.

طریقه هجی کلمه :

در هجی کردن کلمات ترکی نباید دو حرف صدادار و یا بی صدا در کنار هم (دریک بند) قرار گیرد . مثال : ساعت ، سا_عات sa-at .

آمدن ، گَل_مَك gəl-mək ، خواندن ، او_خو_ماق o-xu-maq

افعال و کلماتی که پسوندها و کلمات دیگری با آنها ترکیب می یابند ، در هجی از هم جدا می شوند . مثال : « تو می آیی » یعنی « گلیرسن » که هجی کردن آن چنین است : gəl - ir - sən (گل - ایر - سن) . کلمه دیگری را مثل « درباغها » در نظر بگیریم که چنین هجی میشود: باغ - لار - دا (bağ - lar - da) . در صرف و یا در بیان کلمه ای که به روی یکی از حروف صدادار آن تکیه می شود ، آن حرف خود يك هجی (بخش) به حساب می آید . برای مثال کلمه « اوشاق uşaq » (بچه) را که به حرف اولی (u) آن تکیه می شود در نظر بگیریم که بدین شکل هجی می کنیم: u - şaq (او - شاق) ، ولی اگر به روی حرف « u » آن تکیه نکرده و به جای « u - şaq » به شکل « uş - aq » هجی کنیم ، کلمه کاملاً غلط تلفظ شده و اصلاً فهمیده نمی شود . هجی کلمه آنا ana (مادر) نیز به همین شکل است . اگر « مادر » را به شکل « آ - نا a na » هجی کنیم درست است . ولی اگر به شکل « آن - آ an a » هجی کنیم ، کاملاً غلط می باشد .

به مثالهای زیر نیز توجه کنید :

کتاب - کیتاب - کی - تاب ki-tab

به کتاب - کیتابا - کی - تا - با ki-ta-ba

حسن - حَسَن - حه - سن Hə-sən

دیدن - گۆرمک - گۆر - مک gör-mək

- معمولاً در محاوره به بخش آخر اسامی شهرها و دهات تکیه می شود و آن را به شکل

کشیده بیان می کنند . مثال : تهران tehra n ، تبریز təbr i z

باکی bak ı ، ایستانبول istab u l

اسم :

اسم کلمه ای است که برای نامیدن همه موجودات به کار برده می‌شود. در بکار بردن اسم در جمله باید به فرمهای مختلف آن توجه کرد، تا بتوان اعضای دیگر جمله را با آن همگون ساخت. اسم اشکال مختلفی دارد :

- اسم ساده اسمی است که تنها يك جزء دارد و با اسامی دیگر ترکیب نیافته است :

علی Əli ، باغ bağ ، آغاج ağac (ağaç)

- اسم مرکب اسمی است که از ترکیب دو یا چند جزء بدست می‌آید، ولی بر اسم فرد و یا چیز مفردی دلالت کند. مثال :

علی رضا Əlireza ، باداملیق badamlıq (بادامستان)

- اسامی که از سایر زبانها و بخصوص از زبان عربی گرفته شده و در زبان فارسی با

اصول زبان عربی جمع بسته می‌شوند، در دستور زبان ترکی همانند اسامی

ساده و مرکب با قانون خاص ترکی یعنی بوسیله « لر » و « لار » به سادگی جمع

بسته می‌شوند و نیازی به یادگیری و بکار بردن علائم جمع عربی در زبان

ترکی نیست. مثل : متفق لر müttəfiqlər [متفقین]

خالقلار xalqlar [خلقها] (اسم سازی در ص ۷۲)

مصدر :

مصدر کلمه ای است که از دو قسمت تشکیل می‌شود. به بخش اول آن ریشه فعل و به

قسمت آخری آن پسوند مصدری می‌گویند .

علامت مصدر در زبان ترکی « mək » و « maq » می‌باشد . حرف صدادار پسوند

مصدر وابسته به آخرین حرف صدادار ریشه فعل است ، در نتیجه پسوند مصدری به

شکل « مک mək » و « ماق maq » (هماهنگی کوچک) در می‌آید . افعالی که

آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ پائینی (a, l, o, u) باشد ، بخود پسوند مصدری

« ماق maq » می گیرند. مثال :

آلماق almaq (گرفتن) ، دۇرماق durmaq (ایستادن)
 اؤلماق olmaq (شدن) ، اینانماق inanmaq (باورکردن)
 افعالی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ بالائی (ə, e, i, ö, ü) باشد ، بخود
 پسوند مصدری « مک mək » می گیرند. مثال :

گلمک gəlmək (آمدن) ، یئمک yemək (خوردن)
 ایچمک içmək (نوشیدن) ، اؤپمک öpmək (بوسیدن)
 اوشومک üşümək (سرد شدن [یخ زدن] کسی از سرما)

- توجه : پسوند مصدرهائی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ پائینی باشد ، در محاوره

بجای پسوند « ماق maq » از پسوند « ماخ max » استفاده می کنند ، ولی این پسوند در

صرف درست بکار گرفته می شود ، یعنی « ماخ » به شکل « ماغیم » صرف می شود. مثال :

« آلماق almaq » (آماخ) را به شکل « آماغیم almağım » بکار می برند .

فعل :

فعل به کلمه ای گفته میشود که مشخصات زیر را داشته باشد .

- کار عملی شده را در زمانهای مختلف (گذشته ، حال ، آینده) بیان کند .

- مفرد و یا جمع بودن فاعل را ذکر کند .

- کاری را که بوسیله کسی انجام شده و یا به کسی یا چیزی اعمال میشود ، نشان دهد .

- شکل مثبت و منفی بودن عمل انجام شده را روشن کند .

- نحوه ربطی و شرطی بودن کار عملی شده را بیان کند .

شکلهای مختلف افعال ترکی بوسیله پسوندهای گوناگون ساخته می شوند. برای

آشنائی با صرف فرمهای افعال به بخشهای صرف فعل در این کتاب توجه کنید.

علائم جمع :

جمع بندی کلمات ترکی بوسیله دو پسوند « لار » ، « لر » [با هماهنگی کوچک] انجام می گیرد. افعالی که آخرین حرف صدادر آنها با آهنگ پائینی (a, l, o, u) است با پسوند « لار » جمع بسته می شوند. مثال :

فارسی	ترکی	جمع ترکی
آدم	adam	adam lar
انسان	insan	insan lar
نور	ışiq	ışiq lar
آتش	od	od lar
پول	pul	pul lar
نخود	noxud	noxud lar

- در جمع بستن کلمات بالا چهار حرف صدادر با آهنگ پائینی (a, l, o, u)

تبدیل به « a » (لار) می گردد.

- اگر آخرین حرف صدادر کلمه ای با آهنگ بالائی (ə, e, i, ö, ü) باشد ، جمع

بستن آن با پسوند « لر » انجام می گیرد. مثال :

فارسی	ترکی	جمع ترکی
گوشت	ət	ət lar
پاکت	paket	paket lar
طناب	ip	ip lar
حرف	söz	söz lar
گل	gül	gül lar

- همه حرف صدادر با آهنگ بالائی (ə, e, i, ö, ü) تبدیل به « ə » (لر) می گردد.

ضمیر شخصی (ضمیر شخصی مفصل) :

ضمیر شخصی به کلمه ای گفته میشود که جایگزین اسم در جمله باشد :

فارسی	ترکی	فارسی	ترکی
من	mən (بن)	ما	biz بیز
تو	sən سن	شما	siz سیز
او	o او اُ	ایشان ، آنها	onlar اونلار

– در رابطه با ضمائر به مطالب زیر توجه کنید :

(a) « اونلار » (« آنها » و « ایشان ») را در محاوره « اولار » نیز می گویند.

(b) در زبان ترکی ضمائر شخصی جمع را مجددا بدین شکل جمع می بندند :

بیزلر bizlər (ماها) ، سیزلر sizlər (شماها)

(c) « من » کلمه فارسی و « بن » کلمه ترکی و جمع آن « بیز » می باشد. زیرا که

جمع « بن bən » می شود « بیز biz » و

جمع « سن sən » می شود « سیز siz » و

جمع « او (اُ) o » می شود « اونلار onlar » ، به عبارتی اولین حرف

ضمائر شخصی (b, s, o) مفرد و جمع همشکل می باشد. ولی اولین حرف کلمه

« من mən » با کلمه « بیز » همشکل نبوده و « من » را نمی توان به شکل « میز »

جمع بست. « بن » امروزه در آذربایجان به شکل « من » صرف می شود. در این

کتاب نیز به شکل « من » بکار گرفته می شود .

ضمائر اشاره ای :

ضمیر اشاره ای کلمه ای است که بحای اسمی نهاده می شود که به آن اشاره شده و یا

نشان داده می شود :

ضمایر اشاره ای جمع	ضمایر اشاره ای مفرد
(بۇلار bular) bunlar	این : bu بۇ
(اۇلار olar) onlar	آن ، او : o اۇ
اورا oro	اینجا bura بۇرا

– ضمیر اشاره ای « شۇ şu » (این) در بعضی کتب و اشعار قدیمی مورد استفاده قرار گرفته است.

– « بۇلار » را در محاوره « بۇلار » نیز می گویند .

۱) نحوه صرف فعل « ایمک » :

در زبان ترکی ضمایر شخصی را بوسیله ریشه مصدر « ایمک » که تنها فعل بی قاعده این زبان است صرف می کنند .

فعل مذکور عملکردی همانند فعل « بودن » در زبان فارسی دارد که به همان معنی نیز بکار گرفته میشود. (خود مصدر « ایمک » به شکل « بودن » مورد استفاده قرار نمی گیرد ، بلکه صرف آن به شکل « هستم » ، « هستی » و .. بکار گرفته شده و برای ضمایر شخصی صرف می شود :

علامت صرفی	ترکی	فارسی
əm ام	mən əm منم	من هستم
sən سن	sən sən تو سن	تو هستی
dur دور	o dur او دور	او هست
ik ایک	biz ik بیزیک	ما هستیم
siniz سینیز	siz siniz سیز سینیز	شما هستید
dırlar دیرلار	onlar dırlar اونلاردیر(لار)	آنها هستند

– صرف فعل « ايمك » را « پسوند صرفی » و یا ضمیر متصل شخصی نیز می‌نامیم.
 – « من و ارام » و « منم » (موجود بودن ، هستی) در زبان فارسی معنی « من هستم » را می‌دهند .

من و ارام ، سن و ارسان ، او و اردیر ، بیز و اریق ، سیز و ارسینیز ، اؤنلار و اردیرلار .
 – اگر آخرین حرف صدادار کلمه ای با آهنگ بالائی (ə, e, i, ö, ü) باشد ، صرف فعل « ايمك » همشکل با ضمیر شخصی در می‌آید. مثال :

سَن سَن (تو هستی) . سَن منیم گولوم سَن (تو گل من هستی) .

– فعل مذکور در لهجه استانبولی به شکل sin, sin, sun صرف می‌شود که آن از همشکل بودن فعل با ضمیر شخصی جلوگیری می‌کند ، ولی در صرف آرزویی و .. با مشکل مواجه می‌شود.

۱-۲) کلمه ای که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی (ə, e, i, ö, ü) باشد ، به شکل زیر بوسیله فعل « ايمك » صرف می‌شود :

من پدر هستم . من دده یم (۱) mən dədəyəm

تو پدر هستی . سن دده سن sən dədəsən

او پدر است . او دده دیر o dədədir

ما پدر هستیم . بیز دده ییک biz dədəyik

شما پدر هستید . سیز دده سینیز siz dədəsiniz

آنها پدر هستند . اؤنلار دده دیرلر onlar dədədirler

– گول ، گولم ، گولسن ، گولدور ، گولوك ، گولسونوز ، گولدولر

– هر وقت (در صرف) دو حرف صدادار کنار هم قرار گیرد باید يك حرف تکمیلی (« ی » ، « y »)

بین آن نهاده شود . (حرف تکمیلی در صفحه) کلمه ای که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ [ə, e, i, ö, ü]

باشد صرف فعل ايمك به این شکل در می‌آید . مثال : əm ، سَن sən ، دیر dür , dir ، ايك ik ، سینیز

(dirlər , dürlər دیرلار ، siniz

۱-۲) کلمه ای که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی (a ، i ، o ، u) است

به شکل زیر صرف می شود. مثال :

کلمه ای که با حرف ا و a (آدام adam آدم) ختم می شود :

mən adamam	من آدم هستم .	من آدامام
sən adamsan	تو آدم هستی .	سن آدام سان
o adamdır	او آدم است .	او آدام دیر
biz adamıq	ما آدم هستیم .	بیز آدامیق
siz adamsınız	شما آدم هستید .	سیز آدامسینیز
onlar adamdırlar	آنها آدم هستند .	اونلار آدامدیرلار

۱-۳) کلمه ای که آخرین حرف صدادار آن به یکی از دو حرف u , o ختم می شود :

mən yorqunam	من خسته هستم .	من یورقونام
sən yorqunsan	تو خسته هستی .	سن یورقون سان
o yorqundur	او خسته است .	او یورقون دور
biz yorqunuq	ما خسته هستیم .	بیز یورقونوق
siz yorqunsunuz	شما خسته هستید .	سیز یورقونسونوز
onlar yorqundurlar	آنها خسته هستند .	اونلار یورقوندورلار

من قوچام، سن قوچسان، او قوچدور، بیز قوچوق، سیز قوچسونوز، اونلار قوچدولار.

توجه: افعال مذکور بکلمه فعل « ایملک » به شکل پسوند « ام ، سن ، دور ، اوق ، سونوز، دورلار »

صرف شده اند ، این پسوند را « صرف فعل » ایملک ، پسوند صرفی و یا ضمیر متصل شخصی نیز

نامیده می شود.

حرف تکمیلی « y »

هر وقت (در صرف) دو حرف صدادار در کنار هم قرار گیرد ، باید يك حرف تکمیلی (« ی » ، « y ») بین آن دو حرف نهاده شود . مثال :

mən Əliyə deyirəm . من علی‌یه دئییرم .
 mən ataya baxıram . من آتایا باخیرام .
 o Laləyə baxır (dir) . او لاله یه باخیر (دیر) .
 biz quzuya baxırıq . بیز قۇزویا باخیریق .
 onlar anaya baxırlar . اونلار آنایا باخیرلار .

توجه : حرف تکمیلی « ی » (y) ، بدون استثناء در همه جا باید بین دو حرف صدادار بکار رود . در غیر این صورت کلمه مذکور غلط بوده و فهمیده نمیشود.

۱) اشکال صرف افعال

در این کتاب افعال را به شکل زمان حال ، امری ، آینده نزدیک (مضارع) ، فاعلیت صفتی ، آینده ، کمکی ، التزامی و مجهولی همراه با پنج زمان مختلف گذشته به علاوه فعل آرزویی (دو نوع) ، امری آرزویی (دو نوع) و .. صرف می‌کنیم و در انتها نیز بخشی از فعل شرطی (واقعی و غیر واقعی) و .. را صرف می‌کنیم .

۱) نحوه صرف فعل در زمان حال

فعل در زمان حال ، بوسیله ریشه فعل و پسوند « ایر » (یر) همراه با ضمیر متصل شخصی ساخته می‌شود . حرف صدادار پسوند زمان حال وابسته به آخرین حرف صدادار ریشه فعل است که در نتیجه پسوند به شکل هماهنگی بزرگ صرف می‌شود . هماهنگی بزرگ به چهار گروه زیر تقسیم می‌شود :

کلمه ای که آخرین حرف صداداران آن به حروف

» a , i ختم شود بخود پسوند ir می گیرد. مثال : می گیرد , alır آلیر ،
 , e , i ختم شود بخود پسوند ir می گیرد. مثال : می آید ، gəlir گلیر ،
 , ö , ü ختم شود بخود پسوند ür می گیرد. مثال : می خندد ، gülür گولور ،
 o , u ختم شود بخود پسوند ur می گیرد . مثال : می خواند ، oxuyur اوخویور
 - فعلی که آخرین حرف صداداران آن به آهنگ بالائی (ü, ö, i, e, ə) ختم شود ، برای
 اول شخص مفرد به شکل زیر صرف می شود . مثال :

من گلیرم	mən gəlirəm	(می آیم)
من گئدیرم	mən gedirəm	(می روم)
من ائشیدیرم	mən eşidirəm	(می شنوم)
من گؤرورم	mən görürəm	(می بینم)
من گولورم	mən gülürəm	(می خندم)

(آخرین حرف صداداران افعال مذکور به حرف ə, e, i, ö, ü ختم می شوند.)

- فعلی که آخرین حرف صداداران آن به آهنگ پایینی (a, i, o, u) ختم شود ، برای اول
 شخص مفرد به شکل زیر صرف می شود. مثال :

من آلیرام	mən alıram	(من می گیرم)
من بی خیرام	mən yıxıram	(من [او را] به زمین می زنم)
من اولورام	mən oluram	(من می شوم)
من دؤرورام	mən dururam	(من می ایستم)
من اوخویورام	mən oxuyuram	(من می خوانم) با y تکمیلی

(آخرین حرف صداداران افعال مذکور به یکی از حروف a, i, o, u, u می باشد.)

۱-۱) صرف فعل در زمان حال

صرف افعال به زمان حال به چهار شکل مختلف زیر صورت می گیرد :

a) افعالی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ بالائی و به این سه حرف ə, e, i ختم شود ، به شکل زیر صرف می شوند . مثال :

من	گلیرم	mən gəlirəm	(من می آیم)
سن	گلیرسن	sən gəlirsən	(تو می آئی)
اؤ	گلیر (دیر)	o gəlir (dir)	(او می آید)
بیز	گلیریک	biz gəlirik	(ما می آئیم)
سیز	گلیر سینیز	siz gəlirsiniz	(شما می آید)
اؤنلار	گلیر (دیر) لر	onlar gəlir (dir) lər	(آنها می آیند)

توجه : در صرف افعال برای سوم شخص مفرد و جمع پسوند صرفی « dir » حذف می شود.

b) افعالی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ بالائی و با یکی از دو حرف ö, ü باشد ، به شکل زیر صرف می شوند :

من	گولورم	mən gülürəm	(من می خندم)
سن	گولورسن	sən gülürsən	(تو می خندی)
اؤ	گولور (دور)	o gülür (dür)	(او می خندد)

c) افعالی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ پائینی (با حروف a, ı) می باشد :

من	آلیرام	mən alıram	(من می گیرم یا می خرم)
سن	آلیرسان	sən alırsan	(تو می گیری)
اؤ	آلیر (دیر)	o alır (dır)	(او می گیرد)
بیز	آلیریق	biz alırıq	(ما می گیریم)
سیز	آلیر سینیز	siz alırsınız	(شما می گیرید)

اۇنلار آلیرلار (لار) (lar) onlar alırlar (آنها می گیرند)

من بی خیرام mən yıxıram (من [او را] به زمین می زنم)

سن بی خیرسان sən yıxırsan (تو [او را] به زمین می زنی)

(d) افعالی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ پایینی (با دو حرف o,u) باشد ، به شکل زیر صرف می شوند :

من اۇچورام mən uçuram (من پرواز می کنم)

سن اۇچورسان sən uçursan (تو پرواز می کنی)

اۇ اۇچور o uçur (او پرواز می کند)

من اۇلورام mən oluram (من می شوم)

سن اۇلورسان sən olursan (تو می شوی)

(۱-۳) فعلی که آخرین حرف آن به حرف صدادار (e , a , i , ı , ə , o , ö , u , ü) ختم شود ، در صرف يك « ی y » تکمیلی بخود می گیرد : (زمان حال)

من یئیرم mən yeyirəm (من می خورم)

سن یئیرسن sən yeyirsən (تو می خوری)

اۇ یئیر (دیر) o yeyir (dir) (او می خورد)

من دئییرم mən deyirəm (من میگویم)

سن دئییرسن sən deyirsən (تو میگوئی)

توجه : بعضی از افعالی که آخرین حرف آنها صدادار است (مثل : اۇخویورام [می خوانم] ، ایشله ییرم [کار می کنم] ، اوشویورم [مردم می شود]) در محاوره آخرین حرف صدادار آنها را همراه حرف تکمیلی (y) به نا درست حذف می کنند. مثال:

بجای اۇخویورام oxuyuram به شکل اۇخورام oxuram ، بجای ایشله ییرم (işləyirəm)

ایشلییرم (işlirəm) و بجای اوشویورم (üşüyürəm) اوشورم (üşürəm) بکار می برند.

فعل آینده نزدیک :

فعل آینده نزدیک بوسیله حروف اضافی (ar ər با هماهنگی کوچک) که به شکل پسوند به فعل پیوند می‌خورد و بدنبال آن ضمیر متصل شخصی نیز بکار می‌رود، ساخته می‌شود. همانند این فعل در زبان فارسی فعلی موجود نیست ولی آن را به شکل حال (مثل «تو برو من می‌آیم» در صورتی که «آمدن» هنوز شروع نشده است) بیان می‌کنند.

۱) صرف فعل آینده نزدیک :

فعلی که آخرین حرف صدادار آن به آهنگ بالائی (ə, e, i, ö, ü = ə) ختم شود، به شکل زیر صرف می‌شود. مثال :

mən gələrəm (گلرم) من گله رم

sən gələrsən سن گله رسن

o gələr (dir) او گله ر

biz gələrək بیز گله ریک

(gələrsiz) siz gələrsiniz سیز گله رسینیز

onlar gələr (dir) lər اونلار گله رلر

– افعالی که آخرین حرف صدادار ریشه آنها با یکی از پنج حرف صدادار با آهنگ بالائی

باشد، با خط عربی می‌توان آنها را به دو شکل زیر نوشت :

«گله رم»، «گلرم»، گنده رم، گندرم . ایچه رم، ایچرم .

گوره رم، گوررم، گوله رم، گولرم . و...

۲-۱) فعلی که آخرین حرف صدادار آن به آهنگ پائینی (a, ı, o, u = a) ختم شود، به

شکل زیر صرف می‌شود :

mən alaram من آلام

sən alarsan سن آلسان

o alar (dir) او آلا . .

biz	alarıq	بیز	آلاریق
(alarsız) siz	alarsınız	سیز	آلارسینیز
onlar	alar (dir)lar	اونلار	آلارلار

توجه : در صرف افعال می توان پسوند سوم شخص مفرد و جمع (صرف فعل ایملک

دیر ، دور) را حذف کرد. مثال : بجای « او آلا دیر » گفته می شود « او آلا ر »

- به تجزیه فعل « آلام » توجه کنید :

« آل . al » و ریشه فعل - ، « آر ar » علامت آینده نزدیک « آم am » صرف

فعل « ایملک » (بودن) و یا ضمیر متصل شخصی.

۱-۱) فعلی که آخرین حرف آن صدادار باشد ، باید بین فعل و علامت آینده نزدیک (ər) يك « یه = y » (تکمیلی) اضافه نمود . مثال : اوشویه رم üşüyərəm (سردم می شود) ، işləyəram (کار می کنم) ؛ ولی مردم در محاوره این اصول را رعایت نکرده و از بعضی افعال يك ə و y حذف می کنند و آنها را مانند işləram نیز صرف می کنند .

- افعالی که آخرین حرف آنها صدادار و با آهنگ پائینی می باشند :

mən	oxuyaram	من	اوخو یارام
sən	oxuyarsan	سن	اوخو یارسان
o	oxuyar	او	اوخو یار . .
biz	oxuyarıq	بیز	اوخویاریق
siz	oxuyarsınız	سیز	اوخویارسینیز
onlar	oxuyarlar	اونلار	اوخویارلار

۱-۲) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی باشد ، به شکل زیر

صرف می شود. (üşümək)

من اوشویه رم (اوشویرم) mən üşüyərəm

sən	üşüyersən	اوشویه رسن
o	üşüyər	اوشویه ر. . .
biz	üşüyərik	بیز اوشویه ریک
biz	üşüyərsiniz(siz)	سبز اوشویه رسینیز
onlar	üşüyərlər	اونلار اوشویه رلر

فعل آینده نزدیک و مفاهیم دیگر آن :

فعل آینده نزدیک علاوه بر بیان زمان آینده نزدیک مفاهیم دیگری نیز دارد :

(۱) این فعل می تواند در جمله به شکل عادت و خاصیت فعلی در آید :

من همیشه زیاد میخورم . = من همیشه چوخ یئیه رم . mən həmişə çox yeyərəm .

حسین سیگار می کشد . = حسین سیگارا چکر . Hüseyin siqara (siqaret) çəkər .

(۲) فعل آینده نزدیک در جمله به شکل بیان واقعیت در می آید :

هوایما در هوا پرواز می کند . = اۇچاق هاوادا اۇچار . uçaq (təyyarə) havada uçar .

(۳) فعل آینده نزدیک در جمله به شکل فعل خبری در می آید :

علی امروز می آید . = علی بۇگون گلر . Əli bu gün gələr .

من سال دیگرخانه میخرم . = من گلن ایل ائو آلارام . mən gələn il ev alaram .

فردا برف می بارد . = صاباح قار یاغار . sabah qar yağar .

(۴) فعل آینده نزدیک در جمله به شکل بیان توان و کارائی در می آید :

من این کار را به سرانجام میرسانم . = من بۇ ایشی بۇیا - باشا چاتارام .

mən bu işi boya - başa çataram .

من تورا می خندانم . = من سنی گولدوررم . mən səni güldürərəm .

(۵) فعل آینده نزدیک در جمله به شکل صفتی نیز بیان می شود :

o qız gülürüzdür . = او قیز گولر اوز دور .
 آب روان یخ نمی زند = آخار سۇ دۇنماز .
 axar su donmaz.

۶) فعل آینده نزدیک در جمله به شکل بیان علمی بکار می رود :

زمین هر روز یک مرتبه به دور خود می چرخد. = یئر گونده بیر دفعه اؤز دورسینه دۇلانار .
 yer gündə bir dəfə öz dövrəsinə dolanar .

نور خورشید به مدت ۸ دقیقه به زمین میرسد . = گونون ایشیغی (نورو) ۸ دقیقه یه جان
 (قدر) یئر چاتا .
 günün işığı 8 dəqiqiyə cən (qədər) yerə çatar .

۷) فعل آینده نزدیک به شکل امر و نهی نیز در می آید :

تو این کار را انجام می دهی . = سن بۇ ایشی گؤرر سن .
 sən bu işi görərsən .
 با وجودی که جمله مذکور « امری » یا « التزامی » و « آرزویی » نیست ، ولی مضمون هر سه آنها را بیان می کند .

۸) فعل آینده نزدیک به شکل حدس زدن نیز در می آید:

من فکر می کنم مسافت اینجا تا به آنجا یک کیلومتر باشد . من فکر ائدیرم بۇرادان اۇر ایاجان
 بیر کیلو متر اۇلار .
 bir mən fikr edirəm , buradan oraya can bir kilometr olar .
 mənim fikrimcə buradan oraya qədər [can] bir kilometr olar)

۹) فعل آینده نزدیک به شکل مورد پسند قرار گرفتن نیز در می آید :

من میوه دوست دارم = من میوه سئورم .
 mən meyvə sevərəm (istərəm) .

۱۰) این فعل به شکل تمنا و شک و تردید نیز در می آید :

انشالله این کار شدنی است (میشود) اینشالاہ بۇ ایش اۇلار .
 inşallah bu iş olar .
 بۇ ایش اۇنلار و بۇیا - باشا چاتار . (این کار [شدنی است] به سر انجام می رسد .)
 bu iş olar və boya -- başa çatar .

۱) فعل امری :

فعل امری ، پسوند اضافی ندارد ولی صرف آن برای ضمائر شخصی ، فرم ویژه ای بخود می گیرد ، که به شکل پسوند به ریشه فعل پیوند می خورد.
فعل امری برای دوم شخص مفرد هیچ پسوندی را بخود نگرفته و تنها به شکل ریشه فعل صرف می شود.

۱-۱) صرف فعل امری به شکل زیر می باشد :

من گلیم mən gəlīm ، بیز گله ك biz gələk
سن گل sən gəl ، سیز گلین siz gəlin
اؤنلار گلسین o gəlsin ، اؤنلار گلسین لr onlar gəlsinlər

۱-۲) افعالی که آخرین حرف صدادار ریشه آنها با آهنگ پائینی (a,i,o,u)

باشد ، به طریق زیر به شکل امری صرف می شوند :

به صرف کلمات « آماق ، سیخماق ، سۆیماق ، اۇچماق » توجه کنید.

ضمایر	ریشه فعل « آل »	ریشه فعل « سیخ »	ریشه فعل « قوی »	ریشه فعل « اۇچ »
من	alim آلیم	sixim سیخیم	soyum قویوم	uçum اۇچوم
سن	al آل	six سیخ	soy قوی	uç اۇچ
اؤ	alsin آلسین	sixsin سیخسین	soysun قویسون	uçsun اۇچسون
بیز	alaq آلاق	sixaq سیخاق	soyaq قویاق	uçaq اۇچاق
سیز	alın آلین	sixin سیخین	soyun قویون	uçun اۇچون
اؤنلار (اؤلار)	alsinlar آلسینلار	sixsinlar سیخ سینلار	soysunlar قوی سونلار	uçsunlar اۇچ سونلار

۱-۳) افعالی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ بالائی (a,e,i,ö,ü) است ،

به طریق زیر به شکل امری صرف می‌شوند :

ضمایر	ریشه فعل « ائشید »	ریشه فع « گئد »	ریشه فعل « گؤر »	ریشه فعل « گول »
من	ئشیدیم eşidim	گئدیم gedim	گؤروم görüm	گولوم gülüm
سن	ئشیت eşit	گئت get	گؤر gör	گول gül
اؤ	ئشیتسین eşitsin	گئدسین gedsin	گؤرسون görsün	گولسون gülsün
بیز	ئشیتک eşitək	گئدک gedək	گؤرک görək	گولک gülək
سیز	ئشیتین eşitin	گئدین gedin	گؤرون görün	گولون gülün
اؤنلار	ئشیتسینلر eşitsinlər	گئتسینلر getsinlər	گؤرسونلر görsünlər	گولسونلر gülün sünlər

توجه : فعل « ائشیت ، گئت » از افعالی هستند که به شکل « ائشید ، گئد » نیز نوشته می‌شوند.

۳-۱) صرف فعل امری برای ضمایر اول ، دوم و سوم شخص مفرد به شکل زیر

بکار گرفته می‌شوند :

آخرین حرف صدادار	اول شخص مفرد	دوم شخص مفرد	سوم شخص مفرد
مثل e,i,ə : گل	gəl im	gəl ...	gəl sin
ö,ü : گول	gül üm	gül ...	gül sün
a,ı : آل	al ım	al	al sın
o,u : اول	ol um	ol	ol sun

– صرف فعل امری برای ضمایر اول ، دوم و سوم شخص جمع به شکل زیر بکار

گرفته می‌شوند :

آخرین حرف	سوم شخص جمع	دوم شخص جمع	اول شخص جمع
صدادار افعال	اؤنلار	سيز	بيز
ə, e, i	gəl sinlər	gəl in	gəl ək
ö,ü	gül sünlər	gül ün	gül ək
a,ı	al sınlar	al ın	al aq
o,u	ol sunlar	ol un	ol aq

تغییر حرف ریشه فعل :

در زبان ترکی پنج فعل وجود دارد که آنها را به دو شکل مختلف صرف می کنند و در یکی از این دو صرف ریشه آنها را تغییر می دهند. در دو فعل (ye بخور، de بگو) حرف صدادار (e) به شکل «i» نیز بکار گرفته می شود. در سه فعل (برو get، انجام بده et، بشنو eşit) حرف بی صدای (t) به شکل «d» نیز مورد استفاده قرار می گیرد و بدین سان ریشه افعال مذکور تغییر داده می شود:

۱) «دی de» [بگو] «دئیم deyəm» [بگویم] که کلمه «دی deyəm» را به شکل «دئیم diyəm» نیز صرف می کنند.

۲) «بی ye» [بخور] «بییم yeyəm» [بخورم] که به شکل «بییم yiyəm» نیز بکار گرفته می شود. (یعنی در دو فعل مذکور حرف e تبدیل به i می گردد.)

۳) «گت get» (برو) که به شکل «گت ged» نیز مورد استفاده قرار می گیرد.

۴) «ای ed» (انجام بده) که به شکل «ات et» نیز بکار می رود.

۵) «ایشید eşid» (بشنو) که به شکل «ایشیت eşit» نیز صرف می شود. یعنی در هر دو فعل حرف «d» به شکل «t» نیز مورد استفاده قرار می گیرد و بدین سان ریشه افعال مذکور تغییر داده می شود.

فعل مصدری زمان حال

فعل مصدری در زبان ترکی به فعلی گفته می‌شود که به شکل مصدر ظاهر شده و در صرف پسوند « ده » و « دا » (də, da) اضافی بخود می‌گیرد و بخاطر قرار گرفتن حرف « ك » و « ق » (g , q) در جلو حرف ضعیف ، حروف پسوندی به « ته » و « تا » (tə , ta) مبدل می‌گردد. امروزه در آذربایجان به این تغییر صدا اهمیت نمی‌دهند و عمدتاً آنها را به شکل « ده » و « دا » بکار می‌برند. اما در موارد کمی نیز آنها را به شکل « ته » و « تا » بکار می‌گیرند . فعل مصدری به شکل زیر صرف می‌شود :

men gəlməkdəyəm	من گلمکده یم	=	من در حال آمدن هستم
sən gəlməkdəsən	سن گلمکده سن	=	تو در حال آمدن هستی
o gəlməkdədir	او گلمکده دیر	=	او در حال آمدن است
biz gəlməkdəyik	بیز گلمکده ییک	=	ما در حال آمدن هستیم
siz gəlməkdəsiniz (siz)	سیز گلمکده سینیز	=	شما در حال آمدن هستید
onlar gəlməkdədirlər	اونلار گلمکده دیرلر	=	آنها در حال آمدن هستند
mən gəlmək təyəm	این فعل در مواردی بوسیله پسوند « ته » ، « تا » به شکل گلمکته یم نیز صرف می‌شود .		

– فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی باشد به شکل زیر برای ضمائر شخصی صرف می‌شود:

من	آماقدايام	،	سن	آماقداسان	،	او	آماقدادير
بیز	آماقدايديق	،	سيز	آماقداسينيز	،	اونلار	آماقدايديلار

– تجزیه فعل مذکور به این شکل است :

۱) « من » ضمیر منفصل شخصی ، ۲) « گل » ریشه فعل ،

۳) « مك » پسوند مصدری ، ۴) « ته ، تا » پسوند « در زمان حال » برای فعل مصدری ، ۵) « یه »

حرف اضافی تکمیلی ، ۶) « ام » صرف فعل « ایمک » یا ضمیر متصل شخصی و یا پسوند صرفی .

طریقه نفی کلمه :

در زبان ترکی کلمات مختلف بوسیله کلمه « دئگیل » ، « یوخ » و حروف اضافی « مز ، ماز ، مه ، ما ، سیز ، سوز ، می ، مو و ... » به طرق نفی می شود :

۱) نفی فعل از مصدر « ایمک » (بودن) :

فعل « ایمک » بوسیله کلمه « دئگیل » نفی می شود. کلمه نفی را با خط عربی به شکل « دئگیل » نوشته اند ولی امروزه در محاوره به شکل « دِییل » (deyil) تلفظ می شود. در این کتاب نیز با خط عربی به شکل « دئگیل » و با خط لاتین به شکل « deyil » نوشته می شود در بیان ضمیر و پسوند صرفی قرار می گیرد :

فارسی	ترکی
من نیستم	من دئگیلم mən deyilem
تو نیستی	سن دئگیلسن sən deyilsən
او نیست	او دئگیل دیر o deyildir
ما نیستیم	بیز دئگیل یک biz deyilik
شما نیستید	سیز دئگیل سینیز siz deyilsiniz
آنها نیستند	اونلار دئگیل دیرلر onlar deyildirlər

- از اینکه آخرین حرف صدادار کلمه « دئگیل » (dəyi |) با آهنگ بالائی است در نتیجه صرف فعل

« ایمک » به شکل (em ، sən ، dir ، ik ، siniz ، dirlər) در می آید.

۱-۱) حالت نفی فعل مصدری در زمان حال:

فعل مصدری بوسیله کلمه « دئگیل » (دِییل) که ما قبل ضمیر متصل شخصی قرار گرفته و جدا از کلمه ما قبل خود نوشته می شود ، نفی میشود : (من در حال آمدن نیستم)

mən gəlməkdə deyiləm	گلمکده دئگیلم	من
sən gəlməkdə deyilsən	گلمکده دئگیل سن	سن
o gəlməkdə deyil (dir)	گلمکده دئگیل (دیر)	اؤ
biz gəlməkdə deyilik	گلمکده دئگیل یک	بیز
siz gəlməkdə deyilsiniz(siz)	گلمکده دئگیل سینیز	سیز
onlar gəlməkdə deyil (dir) lər	گلمکده دئگیل (دیر) لر	اونلار

۲) کلمه نفی «مز»، کلمه نفی سوم شخص مفرد می باشد که به فعل پیوند خورده و در موارد زیادی برای نفی افعال مختلف (با هماهنگی کوچک به شکل «مز» و «ماز») مورد استفاده قرار می گیرد. مثال :

اؤ گلمز ، اؤ گتمز ، اؤ ایچمز ، اؤ گورمز ، اؤ گولمز
اؤ آلماز ، اؤ قیلماز ، اؤ دویماز ، اؤ قورماز

۳) پسوند نفی « می ، مو » :

پسوند « می ، مو » در نفی فعل در زمان حال بکار گرفته می شود ، حرف صدادار آن با هماهنگی بزرگ به شکل « mi ، mü ، mı ، mu » بکار گرفته می شود .
پسوند نفی « می ، مو » به ریشه فعل پیوند خورده و سپس علامت زمان حال (ir) به شکل « mi,ir ، mü,ür ، mı,ır ، mu,ur » بکار گرفته می شود .

از اینکه آخرین حرف پسوند نفی و اولین علامت زمان حال حرف صدادار است ، در نتیجه به بین آنها حرف تکمیلی « y » اضافه می شود و به شکل miyir ، miyır ، edmiyirəm ، almıyırım : مثال : muyur, müyür در می آید.

– چنانکه ملاحظه می شود ، کلمات مذکور ترکیبی از « ریشه فعل » ، پسوند نفی ،

حرف تکمیلی ، علامت زمان و « ضمیر متصل شخصی » است که به کلمه دراز و طولی مبدل شده است. از این روست که در صرف فعل مذکور حرف « y » و حرف « i » را از آن حذف کرده و آنها را به شکل mir در آورده و بعنوان نفی فعل در زمان حال مورد استفاده قرار می دهند. مثال :

gəlmirəm نمی آیم ، edmirəm نمی کنم ، içmirəm نمی نوشم ،
almıram نمی گیرم ، olmuram نمی شوم ، durmuram نمی ایستم و ...

- افعال مخفف شده مذکور به شکل زیر برای ضمائر شخصی صرف می شوند :

۳-۱) نفی فعل در زمان حال

فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و بایکی از پنج (ə , e , i , ö , ü)

باشد ، به شکل زیر نفی می شود :

- فعلی که آخرین حرف صدادار ریشه آن با حرف « ə » می باشد :

biz gəlmirik	بیز گلمیریک	،	mən gəlmirəm	من گلمیرم
siz gəlmirsiniz	سیز گلمیرسینیز	،	sən gəlmirsən	سن گلمیرسن
onlar gəlmirlər	اونلار گلمیرلر	،	o gəlmir	او گلمیر

- فعلی که آخرین حرف صدادار ریشه آن با حرف « i » باشد ، به شکل زیر برای ضمائر

شخصی صرف می شود : içmirəm

mən içmirəm	من ایچمیرم	،	biz içmirik	بیز ایچمیریک
sən içmirsən	سن ایچمیرسن	،	siz içmirsiniz	سیز ایچمیرسینیز
o içmir	او ایچمیر	،	onlar içmirlər	اونلار ایچمیرلر

– فعلی که آخرین حرف صدادار ریشه آن با حرف « ü » می باشد :

من گولمورم mən gülmürəm ، بیز گولموروك biz gülmürük
سن گولمورسن sən gülmürsən ، سیز گولمورسونوز siz gülmürsünüz
اؤ گولمور o gülmür ، اؤنلار گولمورلر onlar gülmürlər

– فعلی که آخرین حرف صدادار ریشه آن با حرف « ü » می باشد : dönmürəm

من دؤنمورم mən dönmürəm ، بیز دؤنموروك
سن دؤنمورسن sən dönmürsən ، سیز دؤنمورسونوز
اؤ دؤنمور o dönmür ، اؤنلار دؤنمورلر

– فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با یکی از چهار (a,i,o,u) باشد،
به شکل زیر نفی می شود :

– فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف « a » می باشد :

من آلمیرام mən almıram ، بیز آلمیریق biz almırıq
سن آلمیرسان sən almırsan ، سیز آلمیرسینیز siz almırsınız
اؤ آلمیر o almır ، اؤنلار آلمیرلار onlar almırlar

– فعلی که آخرین حرف صدادار ریشه آن با آهنگ پائینی و با حرف « i » می باشد :

من ییخمیرام mən yıxmıram ، بیز ییخیریق
سن ییخمیرسان sən yıxmırsan ، سیز ییخیرسینیز
اؤ ییخمیر (دیر) o yıxmır(dır) ، اؤنلار ییخیلیلر

– فعلی که آخرین حرف صدادار ریشه آن با آهنگ پائینی و با حرف (u) می باشد :

من اؤخومورام oxumuram ، بیز اؤخوموروق oxumuruq

سن اؤخومورسان oxumursan ، سیز اؤخومورسونوز oxumursunuz
 اؤ اؤخومور oxumur ، اؤنلار اؤخومورلار oxumurlar

– فعلی که آخرین حرف صدادار ریشه آن با آهنگ پائینی و با حرف « o » می باشد :

من اؤلمورام mən olmuram ، بیز اؤلموروق
 سن اؤلمورسان sən olmursan ، سیز اؤلمورسونوز
 اؤ اؤلمور (دور) o olmur(dur) ، اؤنلار اؤلمورلار

– طریقه مخفف کردن فعل در زمان حال به شکل زیر می باشد. مثال :

حروف حذف شده	فعلی که امروزه صرف می شود	شکل اصلی فعل
ı y	mən almıram	mən almiyiram
ı y	mən sıxmıram	mən sıxmıyiram
u y	mən olmuram	mən olmuyuram
u y	mən oxumuram	mən oxumuyuram
i y	mən gəlmirəm	mən gəlmıyırəm
i y	mən getmiyırəm	mən getmiyırəm
i y	mən içmirəm	mən içmiyırəm
ü y	mən ölmürəm	mən ölmüyürəm
ü y	mən gülmürəm	mən gülmüyürəm

– در مواردی در بعضی کتب قدیمی نفی فعل زمان حال همچون لهجه استانبولی

(اؤخومویوروم oxumuyorum) نیز صرف شده است.

۴) کلمه نفی « یوخ » :

– کلمه با مفهوم « نیست » به شکل زیر برای ضمائر شخصی صرف می شود :

من نیستم ، من یوخام mən yoxam

تو نیستی ، سن یۇخسان sən yoxxan
 او نیست ، او یۇخدور o yoxxdur
 ما نیستیم ، بیز یۇخوق biz yoxxuq
 شما نیسنید ، سیز یۇخسونوز siz yoxxsunuz
 آنها نیستند ، اونلار یۇخدورلار onlar yoxxdurlar

– بۇرادا ایش یۇخدور . بیزیم پۇلوموز یۇخدور . بیزده پۇل یۇخدور .

۵) نفی فعل آینده نزدیک

نفی فعل آینده نزدیک می تواند بوسیله « مە mə » ، « ما ma » و « ماز ، مز məz, maz » انجام گیرد.

با توجه به اصول زبان ترکی ، فعل می بایستی بوسیله « مە mə » و « ما ma » نفی می شد . یعنی به شکل « من گلمه یه رآ م mən gəl mē yər əm » (من نمی آیم) در می آمد . چرا که « گل » ریشه ، « مە » کلمه نفی ، « یه » حرف تکمیلی ، « آر » علامت آینده نزدیک و « آم » صرف فعل ایمنک به ضمیر اول شخص مفرد می باشد ، ولی مردم آذربایجان فعل مذکور را فقط بوسیله « مە » و « ما » نفی نمی کنند ، بلکه بجای آن کلمه نفی « məz » را نیز بکار می برند . با این اصول که پسوند نفی « مە ، ما » را در رابطه با اول شخص مفرد و جمع بکار می رود و در صرف از آن دو حرف y و ə نیز حذف می کند . پسوند « مز ، ماز » را نیز در رابطه با سایر ضمایر شخصی بکار می گیرند . برای مثال به صرف افعال زیر توجه کنید :

– فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی باشد به شکل زیر صرف می شود :

من گلمه رم mən gəlmərəm ، بیز گلمه ریک biz gəlmərik
 سن گلمزسن sən gəlməzsən ، سیز گلمزسنیز siz gəlməzsiniz
 او گلمز . . . o gəlməz ، اونلار گلمزلر onlar gəlməzlər

۵-۱) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف « a » می باشد :

من آلمارام mən almaram ، بیز آلماریق biz almarıq
 سن آلمازسان sən almazsan ، سیز آلمازسینیز siz almazsınız
 او آلماز . . . o almaz ، اونلار آلمازلار onlar almazlar

۵-۲) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف « u » می باشد :

من اوخومارام mən oxumaram ، بیز اوخومااریق biz oxumarıq
 سن اوخومازسان san oxumazsan ، سیز اوخومازسینیز siz oxumazsınız
 او اوخوماز . . . o oxumaz ، اونلار اوخومازلار onlar oxumazlar

– کلمه نفی « مه » مقدم بر سایر پسوندها بوده و حتماً باید به ریشه فعل وصل شود.

۶) نفی فعل امری :

فعل امری بوسیله کلمه « mə » که به ریشه فعل پیوند می خورد نفی می شود .
 فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی (ə , e , i , ö , ü) است ، به
 شکل زیر (با هماهنگی کوچک) صرف می شود . مثال :

من گلمه ییم mən gəlm(əy)im ، بیز گلمه یك biz gəlməyək
 سن گلمه sən gəlmə ، سیز گلمه یین siz gəlməyin
 او گلمه سین o gəlməsin ، اونلار گلمه سینلر onlar gəlməsinlər

– در مواردی « من گلمه ییم » را به شکل من « گلمم gəlməm » و « بیز گلمه یك » را به شکل
 « بیز گلمی یك » تلفظ می کنند و به اصول زبان دقت نمی کنند.

– فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی ختم شود به شکل زیر صرف
 می شود . مثال : (« آلماق » [گرفتن])

من آلماییم mən alm(ay)ım ، بیز آلمایاق biz almayaq
 سن آما sən alma ، سیز آلمایین siz almayın
 او آلماسین o almasın ، اونلار آلماسینلار onlar almasınlar

۷) حروف اضافی (کلمه) نفی « سیز » SIZ (بدون)

حروف نفی « سیز SIZ » پسوند است که بتنهائی معنی ندارد ، اما اگر به کلمات دیگر پیوند بخورد ، معنی دار می شود . پسوند « سیز » در زبان فارسی یعنی « بدون » (مثل : بدون آب تشنه و ..) را بخود می گیرد.
 حرف صدادار پسوند « سیز » وابسته به آخرین حرف صدادار کلمه ما قبل خود می باشد و با هماهنگی بزرگ به شکل SIZ , siz , suz , süz در می آید و به شکل زیر بکار گرفته می شود . مثال :

پۇل سۇز : بدون پول ، اۇشاق سیز (بدون فرزند)
 اۇ اۇشاق سیز قالیدیر . o uşaksız qalıbdır (او بدون بچه مانده است)
 اۇ سۇنسوز قالیدیر . o sonsuz qalıbdır (اجاق او کور مانده است)
 اۇ قۇجالیب دیش سیز قالیبسان . sən qocalıb dişsiz qalıbsan

فرم سوالی و بکارگیری:

(۱) کلمات سوالی:

nə ، چه یا چه چیزی = نه kim که یا چه کسی = کیم

کدام = هانسی + هانگی hansı ، hangı

کدامین = هانگیسی hangısı ، هانسیسی hansısı

کجا ، کدام طرف = هایان hayan

کجا = نه یئر + نه ره nə yer ، nə rə

از چه = نه دن nədən (« نه دن » معنی از چه ساخته شده است را نیز می دهد.)

برای چه = نی یه + نه او چون nə üçün , niyə

چطور = نئجه nəçə

چطوری + چه جوری = نه جور nəcür

چگونه = ناسیل + نه جور nəcür , nasıl

برای کی + برای که = کیمه kimə

برای چه کسی = کیم او چون kim üçün (kimə)

چند = نئچه nəçə ،

چند تا + چند دانه ، نئچه دانه ، nəçə dənə ،

چه قدر = نه قدر nə qədər

توجه: - کلمه سوالی « نه ره » و « نه مه » زبان محلی ترکهای مناطق مرکزی ایران می باشد و

« نه ره » در ترکی استانبولی نیز صرف می شود .

- کلمه سوالی « هانگی » و « ناسیل » امروزه در آذربایجان صرف نمی شود ولی کم و

بیش در کتب قدیمی بکار رفته است. (هر دو کلمه در لهجه استانبولی مورد استفاده

قرار می گیرد.)

- کلمات سوالی به شکل زیر برای ضمائر شخصی صرف می شوند. مثال:

من کیمم؟ سن گیم سن؟ او کیمدیر؟
بیز کیمیک؟ سیز کیم سینیز؟ اونلار کیمدیرلر؟

۱-۱) فعل « ایمک » و صرف سؤالی آن به سوم شخص مفرد :

در بکارگیری کلمات به هماهنگی آخرین حرف صدادار آنها با حروف صدادار پسوندهای گوناگون توجه کنید :

- آیا او میگیرد = او آلیرمی؟
o alırmı ?
بلی ، او ، آلیر .
bəli , o , alır
- آیا او لاله است = او لاله می؟
o Laləmi ?
بلی ، او ، لاله دیر .
bəli , o , Lalədir
- آیا آن دست خط است = او یازی می
o yazımı ?
بلی ، او ، یازی دیر
bəli , o , yazıdır
- او کیست = او گیم دیر؟
o kimdir ?
او حسن دیر .
o Həsəndir
- آیا او در اینجاست = او بۇرادا دیرمی
o buradadırmı ?
بلی ، او ، بۇرادادیر .
bəli , o , buradadır
- آیا آن پول است = او پۇل مؤ؟
o pulmu ?
- آیا آن چشم است = او گۆزمو
o gözmü ?

۲) شکل سؤالی فعل از مصدر :

در زبان ترکی می توان بوسیله کلمه « می mi » جملات را به شکل سؤالی در آورد.
کلمه سؤالی « می mi » همانند « آیا » در زبان فارسی می باشد که امروزه آن را در ترکی آذربایجان در آخر جمله بکار می برند .

حرف صدادار کلمه سوالی « می mi » (i) وابسته به آخرین حرف صدادار کلمه ما قبل خود می باشد که در صرف با هماهنگی بزرگ به شکل « می mi » ، « می mi » ، « می mü » و « می mu » در می آید .

– کلمه سوالی به دو شکل در جمله بکار برده می شود :

(a) شکلی که کلمه سوالی « می mi » در آخر جمله قرار می گیرد .

(b) شکلی که کلمه سوالی « می mi » بین فعل و صرف ضمیر شخصی جا می گیرد .

۱-۲) شکل که پسوند سوالی با فعل « ایملک » :

علامت سوال که در آخر کلمه صرف می شود :

mənəmmi ?	منم می ؟	آیا من هستم ؟
sənsənmi ?	سن سن می ؟	آیا تو هستی ؟
odurmu ?	او دورمو (می) ؟	آیا اوست ؟
bizikmi ?	بیزیک می ؟	آیا ما هستیم ؟
sizsinizmi ?	سیزسینیز می ؟	آیا شما هستید ؟
onlardır(lar)mı ?	اونلاردیرلار می ؟	آیا آنها هستند ؟

۳-۲) صرف حالت سوالی فعل در زمان حال

فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی (ə, e, i, ö, ü) است به شکل زیر

صرف می شود . مثال :

mən gəlirəmmi ?	من گلیرم می ؟	=	آیا من می آیم
sən gəlirsənmi ?	سن گلیرسن می ؟	=	آیا تو می آیی
o gəlirmi ?	او گلیر می ؟	=	آیا او می آید
biz gəlirikmi ?	بیز گلیریک می ؟	=	آیا ما می آییم

siz gəlırsinizmi ? سیز گلیرسینیز می ؟ = آیا شما می آید
 onlar gəlirlərmi ? اۇنلار گلیر لر می ؟ = آیا آنها می آیند

۲-۳) حالت سوالی فعل آینده نزدیک :

mən alarammı ? من آلام می ؟ = آیا من می گیرم
 sən görərsənmi ? سن گۆررسن می ؟ = آیا تو می بینی
 o eşidərmi ? اۇ اشیتەر (اشیدر) می ؟ = آیا او می شنود
 biz ölərikmi ? بیز اۆله ریک می ؟ = آیا ما می میریم
 siz gülərsinizmi ? سیز گولرسینیز می ؟ = آیا شما می خندید
 onlar oxuyarlarmı ? اۇنلار اۇخویارلار می ؟ = آیا آنها می خوانند

۲-۴) حالت سوالی فعل آینده نزدیک که آخرین حرف صداداران با آهنگ بالائی

[ə, e, i, ö, ü] باشد ، به شکل زیر برای ضمائر شخصی صرف می شود :

(«گله رم» و یا «گلم»)

mən gələrammı ? من گله رم (گلم) می ؟
 sən gələrsənmi ? سن گله رسن می ؟
 o gələrmi ? اۇ گله رمی ؟
 biz gələrikmi ? بیز گله ریک می ؟
 siz gələrsinizmi ? سیز گله رسینیز می ؟
 onlar gələrlərmi ? اۇنلار گله رلرمی ؟

۲-۵) حالت سوالی فعل مصدری در زمان حال :

mən gəlməkdəyəmmi ? من گلمکده یم می
 sən gəlməkdəsənmi ? سن گلمکده سن می

o gəlməkdə (dir) mi ? اۇ گلمکده (دير) می

۲-۶) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی باشد ، به شکل زیر برای
ضمایر شخصی صرف می شود:

mən oxumarammi ? من اۇخومارام می؟

sən oxumazsanmi ? سن اۇخومازسان می؟

o oxumazmi ? اۇ اۇخوماز می

۳) نفی سؤالی :

۳-۱) حالت نفی سؤالی فعل آینده نزدیک :

فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی (ə, e, i, ö, ü) باشد ، در اصل می بایست
با کلمه نفی « مه » و « ما » (مثل : تو نمی آیی gəl m ə y ə r s ə n) صرف شود. ولی
به جای آن در رابطه اول شخص مفرد و جمع به شکل « gəlmərəm » و در دوم و سوم
شخص مفرد و جمع به شکل « məz » نفی می شود. مثال :

mən gəlmərəmmi ? من گلمرەم می ؟

sən gəlməzsənmi ? سن گلمزسن می ؟

o gəlməzmi ? اۇ گلمزمی ؟

biz gəlmərikmi ? بیز گلمریک می ؟

siz gəlməzsinizmi ? سیز گلمزسینیزمی ؟

onlar gəlməzlərmi ? اۇنلار گلمزلر می ؟

۳-۲) نفی سؤالی فعل در زمان حال :

mən gəlmirəmmi ? آیا من نمی آیم = من گلمیرم می

sən gəlmirsənmi ?	سن گلمیرسن می	=	آیا تو نمی آیی
o gəlmirmi ?	اؤ گلمیرمی	=	آیا او نمی آید
biz görmürükümü ?	بیز گۆرموروك مو	=	آیا ما نمی بینیم
siz oxumursunuzmu?	سیز اؤخومورسونوزمو	=	آیا شما نمی خوانید
onlar bilmirlərmi ?	اؤنلار بیلمیرلرمی	=	آیا آنها نمی دانند

۳-۳) حالت نفی سؤالی فعل مصدری در زمان حال :

mən gəlməkdə deyiləmmi ?	من گلمکده دئگیلم می	
sən gəlməkdə deyilsənmi ?	سن گلمکده دئگیل سن می	
o gəlməkdə deyil (dir) mi ?	اؤ گلمکده دئگیل (دیر) می	

۳-۴) نفی سؤالی فعل از مصدر « ایملک » به شکل زیر صورت می گیرد.

mən deyiləmmi ?	من دئگیلم می ؟	آیا من نیستم ؟
sən deyilsənmi ?	سن دئگیل سن می ؟	آیا تو نیستی ؟
o deyildirmi ?	اؤ دئگیل دیرمی ؟	آیا او نیست ؟
biz deyilikmi ?	بیز دئگیلیک می ؟	آیا ما نیسنیم ؟
siz deyilsinizmi ?	سیز دئگیل سینیز می ؟	آیا شما نیستید ؟
onlar deyil(dir)lərmi ?	اؤنلار دئگیل لر می ؟	آیا آنها نیستند ؟

۳-۵) نفی سؤالی فعل از مصدر « ایملک » بوسیله کلمه نفی « دئگیل » به شکل زیر

صورت می گیرد.

mən deyiləmmi ?	من دئگیلم می ؟	آیا من نیستم ؟
sən deyilsənmi ?	سن دئگیل سن می ؟	آیا تو نیستی ؟
o deyildirmi ?	اؤ دئگیل دیرمی ؟	آیا او نیست ؟

آیا ما نیسنیم ؟ بیز دئگیلیک می ؟ biz deyilikmi ?
 آیا شما نیستید ؟ سیز دئگیل سینیز می ؟ siz deyilsinizmi ?
 آیا آنها نیستند ؟ اونلار دئگیل لر می ؟ onlar deyil(dir)larmi ?
 مردم آذربایجان (در ایران) در محاوره از کلمه سؤالی « می mi » (آیا) استفاده نمی کنند و معمولاً جمله سوالی را کشیده و دراز بیان می کنند.

۴) کلمه سوالی و فرم قدیمی آن (شکل دوم سؤالی) :

۴-۱) شکلی که پسوند سوالی بین فعل و پسوند صرفی قرار می گیرد:

فعل سوالی کهنه شده تنها در مواردی در کتب قدیمی مورد استفاده قرار گرفته و امروزه اصلاً صرف نمی شود. در این فرم ، کلمه سؤالی (می) به آخر جمله برده نشده بلکه بین فعل و ضمیر شخصی (با صرف فعل « ایمک ») جا میگیرد. فعلی که آخرین حرف صدادر آن با آهنگ بالائی است به شکل زیر [برای زمان حال] صرف می شود :

من گلیرمی ام ؟ mən gəlirmiyəm ?
 سن گلیرمی سن ؟ sən gəlirmisən ?
 او گلیرمی ؟ o gəlirmi ?
 بیز گلیرمی یک ؟ biz gəlirmiyik ?
 سیز گلیرمی سینیز ؟ siz gəlirmisiniz ?
 اونلار گلیرمی لر ؟ onlar gəlirmilər ?

– به شعری از فضولی که نفی فعل سوالی را به شکل مذکور بکار برده توجه کنید :

ای فضولی داغ هجران ایله یانمیش کؤنلومو لاله زار آچسایدی ، سیر لاله زار ائتمزمیدیم

..... laləzar açsaydı , seyr laləzar etməzmidim

(امروزه فرم سوالی مذکور در لهجه ترکی استانبولی معمول گشته است .)

۲-۳) نفی سوالی فعل در زمان حال به شکل زیر می باشد :

من گلمیر می یم ؟ mən gəlmirmiyəm ، بیز گلمیر می ییک
 سن گلمیر می سن ؟ sən gəlmirmisən ، سیز گلمیر می سینیز
 او گلمیر می . . ؟ o gəlmirmi ، اونلار گلمیر می لر

– فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی می باشد :

من آیر می یام ؟ ، بیز آیر می ییق ، سن آیر می سان
 بیز آیر می ییق ، سیز آیر می سینیز ، اونلار آیر می لار

۳-۳) نفی سوالی با کلمه « دئگیل » به شکل زیر صرف می شود :

من دئگیل می یم mən deyilmiyəm
 سن دئگیل می سن sən deyilmisən
 او دئگیل می . . . o deyilmi

۴-۴) شکل سوالی قدیمی که در بعضی کتب قدیمی بکار رفته است :

من گلمکده دئگیل می یم ؟ mən gəlməkdə deyilmiyəm ?
 سن گلمکده دئگیل می سن ؟ sən gəlməkdə deyilmisən ?
 او گلمکده دئگیل می (دیر) o gəlməkdə deyilmi(dir)

– اسم مصدر ،

اسمی است که به آخر آن حروف « لیق » و « لیک » پیوند می خورد. از اینکه آخرین حرف

آنها شبیه مصدر (ق ، ك) است ، در نتیجه به آن اسم مصدری نامیده می شود. مثال :

آدام adam (آدم) - آداملیق adam lıq (انسانیت)

چمن $\mathring{c}\text{əmə}\text{n}$ (چمن) - چمن لیک $\mathring{c}\text{əmə}\text{n}$ lik (چمن زار) $\mathring{c}\text{imən}$
 حروف اضافی « لیق » به شکل پسوند به دنبال اسامی ساده پیوند خورده و اسم ترکیبی را
 با مفهوم جدیدی بوجود می آورد .

مفرد : چمن لیک $\mathring{c}\text{əmə}\text{n}$ lik - جمع : چمن لیک لر $\mathring{c}\text{əmə}\text{n}$ liklər
 باداملیق $\text{badam}\text{l}\text{ı}\text{q}$ (بادامزار) - جمع : باداملیق لار $\text{badam}\text{l}\text{ı}\text{q}\text{lar}$
 حرف صدادار پسوند « لیق $\text{l}\text{ı}\text{q}$ » وابسته به آخرین حرف صدادار کلمه ما قبل خود
 می باشد ، که در صرف به شکل « لیق $\text{l}\text{ı}\text{q}$ » ، « لیک lik » ، « لوق luq و $\text{l}\text{ük}$ »
 (هماهنگی بزرگ) در می آید . برای مثال به تبدیل اسامی ساده به اسامی مصدری در
 جدول زیر توجه کنید :

کلمات ساده	اسامی مصدری (ترکیبی)
آدم adam (آدم)	آدم لیق $\text{adam}\text{l}\text{ı}\text{q}$ (انسانیت)
آنا ana (مادر)	آنالیق $\text{anal}\text{ı}\text{q}$ (مادری)
آلما alma (سیب)	آلمالیق $\text{almal}\text{ı}\text{q}$ (سیب ستان)
خییار xıyar (خیار)	خییارلیق $\text{xıyar}\text{l}\text{ı}\text{q}$ (کشت زارخیار)
یونجا yonca (یونجه)	یونجالیق $\text{yoncal}\text{ı}\text{q}$ (یونجه زار)
ننه nənə (مادر)	ننه لیک $\text{nənəl}\text{ı}\text{q}$ (مادری)
چمن $\mathring{c}\text{əmə}\text{n}$ (چمن)	چمن لیک $\mathring{c}\text{əmə}\text{n}$ lik (چمنزار)
سففهç səfeh (بی عقل)	سففهç لیک $\text{səfeh}\text{l}\text{ı}\text{q}$ (بی عقلی)
آیدین aydın (روشن)	آیدینلیق $\text{aydınl}\text{ı}\text{q}$ (روشنائی)
ایشچی işçi (کارگر)	ایشچی لیک $\text{işçil}\text{ı}\text{q}$ (کارگری)
اوت ot (علف)	اوتلوق otluq (علفزار)
اؤن ön (پیش)	اؤنلوك önlük (پیش بند)

- اسامی مذکور بوسیله علامت « لر » و « لار » (چمن لر ، چمنلیکلر) جمع بسته می شود .

اسم فاعلی :

اسم فاعلی به اسمی گفته میشود که علاوه بر اسم ، فاعلیت آن را نیز بیان کند . اسم فاعلی در زبان ترکی بوسیله ریشه فعل و علامت ویژه « پسوند فاعلی » ساخته می شود . علامت مذکور « چی çı » می باشد که در بین دو حرف صدادار به شکل « جی ci » نیز صرف می شود . مثال :

فارسی - ترکی ، فارسی - اسم فاعلی ترکی

کار	-	ایش	iş	،	کارگر	-	ایشچی	işçi
آهن	-	دَمیر	dəmir	،	آهنگر	-	دَمیرچی	dəmirçi
نوشته	-	یازی	yazı	،	نویسنده	-	یازیچی (ci)	yazıçı
بیابان	-	چؤل	çöl	،	بیابانگرد	-	چؤل جو	çölçü
قایق	-	قایق	qayıq	،	قایق ران	-	قایقچی	qayıqçı
در	-	قاپی	qapı	،	دربان	-	قاپی جی	qapıcı
کشتی	-	گَمی	gəmi	،	کشتی ران	-	گَمیچی	gəmicı
راه	-	یؤل	yol	،	راه بان	-	یؤلچو	yolçu
سر	-	باش	baş	،	سردار	-	باشچی	başçı

اسم فاعلی در جمله به شکل زیر بکار گرفته میشود :

من کارگر هستم . من ایشچی یم *mən işçiyəm*

من ایشچی یم و بۇرادا ایشله بیرم . *mən işçiyəm və burada işləyirəm* .

من ایشچی اولاراق بۇرادا ایشله بیرم . *mən işçi olaraq burada işləyirəm* .

من دانشجو هستم . من شاگردم (اؤیرنجیم) . *mən şagirdəm (öyrənciyəm)*

من اؤیرنجی (اؤرنجی) اولاراق بیرایل دیرکی بۇرادا یاشاییرام (من شاگردم و بیر ایلدیرکی بۇرادا

یاشاییرام) . *mən şagird (öyrənci) olaraq, bir ildir ki burada yaşayıram* .

صرف دو گانه کلمات (در زمان حال)

در موارد کمی بعضی از کلمات ترکی را به دو شکل مختلف صرف می کنند. این افعال ،
 آنهایی هستند که آخرین حرف صدادار آنها با یکی از چهار حرف « o,u,ö,ü » ختم
 می شود . برای مثال کلمات زیر را در نظر گرفته و صرف می کنیم :

ترکی با خط عربی	ترکی با خط لاتین	فارسی
من تور کم	mən türkəm	من ترك هستم
من تور کوم	mən türküm	
من اوغولام	mən oğulam	من پسر هستم
من اوغولوم	mən oğulum	
من کورام	mən koram	من کوراوغلو هستم
من کوروم	mən korum	
من اوزورم	mən üzürəm	من شنا میکنم
من اوزوروم	mən üzürüm	
من دوشونوروم	mən düşünürüm	من می فهمم
من دوشونورم	mən düşünürəm	
من دویورم	mən döyürəm	من می زنم
من دویوروم	mən döyürüm	
من دورورام	mən dururam	من می ایستم
من دوروروم	mən dururum	
من یورقونام	mən yorqunam	من خسته هستم
من یورقونوم	mən yorqunum	

۱) حالت‌های تصریفی اسم :

- اسمی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با یکی از پنج حرف «ə, e, i, ö, ü» باشد، به شکل زیر در حالت‌های تصریفی صرف می‌شود :

اسم	درحالت « به »	درحالت « در »	در حالت « از »	در حالت « را »	با اضافی ملکی
حس	حسنه (e)	حسنده (de)	حسندن (dən)	حسنی (i)	حسین (in)
اٹل	اٹله (e)	اٹلده (de)	اٹلدن (dən)	اٹلی (i)	اٹلین (in)
خلیل	خلیله (e)	خلیلده (de)	خلیلدن (dən)	خلیلی (i)	خلیلین (in)
گؤل	گؤله (e)	گؤلده (de)	گؤلدن (dən)	گؤلؤ (ü)	گؤلون (ün)
گول	گوله (e)	گولده (de)	گولدن (dən)	گولو (ü)	گولون (ün)

- اسمی که آخر آن صدادار باشد، در دو حالت زیر به شکل زیر با حرف تکمیلی صرف می‌شود:

علی : علی یه ، علی نی (یی)

- اسامی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ پائینی و با یکی از چهار حرف « a, i, o, u » باشد، به شکل زیر در حالت‌های تصریفی صرف می‌شود :

اسم	درحالت « به »	در حالت « در »	در حالت « از »	درحالت « را »	با اضافی ملکی
یاشار	یاشارا (a)	یاشاردا (da)	یاشاردان (dan)	یاشاری (ا)	یاشارین (in)
قیزی	قیزا (a)	قیزدا (da)	قیزدان (dan)	قیزی (ا)	قیزین (in)
یؤل	یؤلا (a)	یؤلدا (da)	یؤلدان (dan)	یؤل و (ا)	یؤلون (un)
قؤم	قؤما (a)	قؤمدا (da)	قؤمدان (dan)	قؤم و (ا)	قؤمون (un)

- کلماتی که آخر آنها صدادار باشد، در دو حالت به شکل زیر یا يك حرف تکمیل صرف می‌شود:

دایی : دایی یا (ye) ، دایی نی (دایی یی)

۱-۱) حالت‌های تصریفی ضمائر شخصی به شکل زیر در بکار گرفته می‌شوند :

فارسی :	من	تو	او	ما	شما	آنها
ترکی :	من	سن	او	بیز	سیز	اۇنلار
	mən,bən)	sən	o	biz	siz	(onlar
حالت مفعول « به » :	منه = بنه	سنه	اۇنا	بیزه	سیزه	اۇنلار
	mənə	sənə	ona	bizə	sizə	(onlara
حالت مفعول با واسطه	منده	سنده	اۇندا	بیزده	سیزده	اۇنلاردا
با حرف اضافی « در » :	məndə	səndə	onda	bizdə	sizdə	onlarda
حالت مفعول با واسطه	مندن	سندن	اۇندان	بیزدن	سیزدن	اۇنلاردان
با حرف اضافی « از » :	məndən	səndən	ondan	bizdən	sizdən	onlardan
حالت مفعول	منی	سنی	اۇنو	بیزی	سیزی	اۇنلاری
بی واسطه « را » :	məni	səni	onu	bizi	sizi	onları
اضافه ملکی :	منیم	سنین	اۇنون	بیزیم	سیزین	اۇنلارین
	mənim	sənin	onun	bizim	sizin	onların

توجه : « اۇنلار » را در محاوره « اۇلار » نیز می‌گویند .

۱-۲) ضمائر شخصی جمع را مجدداً به شکل زیر جمع بسته و در حالت‌های تصریفی

بکار می‌گیرند . مثال : بیزلر (ماها) ، سیزلر (شماها)

- بیزلر bizlər ، بیزلره bizlərə ، بیزلرده bizlərdə ، بیزلردن bizlərdən ، بیزلری bizləri ، بیزلرین bizlərin
- سیزلر sizlər ، سیزلره sizlərə ، سیزلرده sizlərdə ، سیزلردن sizlərdən ، سیزلری sizləri ، سیزلرین sizlərin

۱-۳) حالت‌های تصریفی در جملات به شکل زیر بکار گرفته می‌شود :

- حالت مفعول با واسطه :

- o mənə deyir او منه دئییر. = او به من میگوید.
- mən ona söyləyirəm من اونا سؤیله ییرم. = من به او میگویم .
- o bizə gətirir او بیزه گتیریر. = او برای ما می آورد.

- حالت مفعول با واسطه با حرف اضافی در :

- kitab məndədir کیتاب منده دیر. = کتاب پیش من است.
- otlar çəməndədir (lər) . اوتلار چمن ده دیر(لر). = علفها در چمن است.
- mən buradayam من بۇرادا یام. = من در اینجا هستم .

- حالت مفعول با واسطه با حرف اضافی از :

- o kitabı məndən alır او کیتابی مندن آلیر. = او کتاب را از من میگیرد.
- o səndən qorxur او سندن قورخور. = او از تو می‌ترسد.
- o buradan gedir او بۇرادان گتدیر. = او از اینجا می‌رود.

- حالت مفعول بی واسطه :

- sən onu görürsən . سن اونو(اونی) گؤرورسن . = تو او را می بینی.
- o bizi sevir او بیزی سئویر . = او ما را دوست دارد.

- حالت اضافه (ضمیر) ملکی :

- sənin adın Yaşardır سنین آدین یاشار دیر . = اسم تو یاشار است.
- onun adı nədir ? او نون آدی نه دیر ؟ = اسم او چیست .
- mənim kitabım var منیم کیتاییم وار . = من کتاب دارم.
- sənin də kitabın varmı ? سنینده کیتایین وارمی ؟ = آیا توهم کتاب داری؟
- mənim bir qızım var . منیم بیر قیزییم وار. = من یک دختر دارم.
- sənin bir oğlun var سنین بیر اوغلون وار = تو یک پسر داری.

او هم يك برادر دارد. = اُونوندا بير قارداشی وار. onun da bir qardaşı var
 ما يك ماشين داريم. = بيزيم بير ماشينيميز وار bizim bir maşinımız var

۳-۱) حالت‌های تصریفی ضمائر اشاره ای:

از اینکه آخرین حرف کلمات « بُو » و « اُو » صدادار است در حالت تصریفی يك
 n اضافی بخود می‌گیرند. مثال :

o	اُو	o	بُو	حالت فاعلیت :
ona	اُونا	buna	بُونا	حالت مفعول با واسطه :
onda	اُوندا	bunda	بُوندا	حالت مفعول با واسطه با حرف اضافی در :
ondan	اُوندان	bundan	بُوندان	حالت اضافی با واسطه با حرف اضافی از :
onu	اُونو	bunu	بُونو	حالت مفعول بی‌واسطه :
(onı)	(اُونی)	(bunu)	(بُونی)	
onun	اُونون	bunun	بُونون	اضافه (ضمیر) ملکی :

۵-۱) ضمائر اشاره ای را می‌توان به شکل زیر جمع بسته و به حالت‌های مختلف تصریفی
 صرف کرد. مثال :

onlar	اُونلار	bunlar	بُونلار	حالت فاعلیت :
onlara	اُونلارا	bunlara	بُونلارا	حالت مفعول با واسطه :
onlarda	اُونلاردا	bunlarda	بُونلاردا	حالت مفعول با واسطه با حرف اضافی در:
onlardan	اُونلاردان	bunlardan	بُونلاردان	حالت مفعول با واسطه با حرف اضافی از:
onları	اُونلاری	bunları	بُونلاری	حالت مفعول بی‌واسطه :
onların	اُونلارین	bunların	بُونلارین	اضافه ملکی :

۱-۶) ضمائر اشاره ای و کلمات سوالی «کیم» :

(چه کسی) و «نه» (چه چیزی) بکار می گیرند :

bu kimdir	این کیست	=	بۇ کیم دیر؟
o kimdir	او که است (او کیست)	=	اۇ کیم دیر؟
bu nədir	این چه است (این چیست)	=	بۇ نه دیر؟
o bir kitabdır	آن یک کتاب است	=	اۇ بیر کیتابدیر
bu bir qızıdır	این یک دختر است	=	بۇ بیر قیزدیر

۱-۷) ضمائر اشاره ای و کلمه سوالی «کجا»

کلمه سوالی «کجا» در زبان ترکی معنی «هرا»، «نه یئر» را دارد. ضمائر اشاره ای (بۇ، اۇ) در جواب کلمه سوالی کجا؟ به شکل «بۇرا» و «اۇرا» ظاهر می شود.

حالت‌های تصریفی کلمه استفهامی «کجا» و جواب آن :

اسامی حالت‌های مختلف	سؤال	جواب
حالت فاعلیت :	کجا - نه یئر	nə yer اینجا - بۇرا bura
حالت مفعول با واسطه :	به کجا - نه یئرە	nə yerə به اینجا - بۇرایا buraya
حالت مفعول با واسطه با حرف اضافی در :	در کجا - نه یئرە	nə yerdə در اینجا - بۇرادا burada
حالت مفعول با واسطه با حرف اضافی از :	از کجا - نه یئردن	nə yerdən از اینجا - بۇرادان buradan
حالت مفعول بی واسطه :	کجا را - نه ییری	nə yeri اینجا را - بۇرایا burayı
اضافه ملکی :	مال کجا - نه یئرین	nə yerin مال اینجا - بۇرانین buranın

توجه: در حالت تصریفی، «بۇرا» (یعنی: بۇرایا، بۇرادا، بۇرادان و بۇرایا) را در محاوره مخفف کرده و

به شکل «بۇرا»، «بۇردا»، «بۇردان» و «بۇرانی» نیز صرف می کند. با وجودی که کلمات

مخفف شده مذکور در جمله درست فهمیده می شوند ولی از لحاظ اصول زبان ترکی مخفف کردن آنها نادرست می باشد.

سوال: کتاب در کجاست؟ کیتاب نه یژده دیر (نه رده دیر)؟ kitab nə yerdədir?

جواب: کتاب در اینجا است. کتاب بۇرادا دیر kitab buradadır (burdadır)

قلم در آنجا است. قلم اۇرادا دیر qələm oradadır (ordadır)

۸-۱) به حالت‌های تصریفی به کلمه استفهامی توجه کنید:

اسم حالت‌های تصریفی	چه کسی (چه)	چه (نه)	کدامین (هانسی)
حالت مفعول با واسطه « به »	کیمه kimə	نه یه nəyə	هانسی نا hansına
حالت مفعول با واسطه با حرف اضافی « در »	کیمده kimdə	نه ده nədə	هانسیندا hansında
حالت مفعول با واسطه با حرف اضافی « از »	کیمدن kimdən	نه دن nədən	هانسیندان hansından
حالت مفعول بی واسطه « را »	کیمی kimi	نه بی nəyi	هانسینی hansını
حالت اضافه ملکی	کیمین kimin	نه بین nəyin	هانسی نین hansının

۲) ضمائر اشاره ای با اضافی ملکی :

کلمات سؤالی « کیم kim » (چه کسی) و « نه nə » (چه چیزی) را به شکل زیر با ضمائر اشاره ای بکار می گیرند :

سوال : او کیست (او که است) = او کیم دیر ؟ o kimdir

این چه است = بۇ نه دیر ؟ bu nədir

جواب : این یک کتاب است = بۇ بیر کیتابدیر bu bir kitabdır

- با پیوند ضمائر اشاره ای و اضافه ملکی کلمات ترکیبی زیر ساخته می شود:

مال این = بۇنون bunun ، مال ایشان = (بۇلارین buların) بۇنلارین bunların
مال او = اۇنون onun ، مال آنها = (اولارین oların) اۇنلارین onların

۱-۱) کلمه ای که آخرین حرف آن صدادار باشد ، حالت تصریفی با حرف اضافی
« سی » بکار گرفته می شود :

هر گاه اسمی و کلمه ای به حرف صدادار ختم شود ، به شکل اضافه ملکی برای سوم
شخصی مفرد در آید به آن يك « سی » اضافی پیوند می خورد :

عموی او - اۇنون عمی سی onun əmisi (əmusu عموسو)
عمه او - اۇنون بی بی سی onun bibisi
خواهر او - اۇنون باجیسی onun bacısı
نوه او - اۇنون نوه سی onun nəvəsi
پدر او - اۇنون آتاسی onun (dədəsi) atası و ...

۲-۱) در بکارگیری ضمیر ملکی اول شخص مالک و بعد به ترتیب کلمات دیگر جمله که
به همدیگر تعلق دارند بکار گرفته می شوند. مثال :

حسن نین ائوینین قاپیسی خراب دیر . Həsənin evinin qapısı xarabdır.
یعنی حسن « مالک » و بعد « خانه » که « در » به آن نسبت داده می شود و بعد « خرابی »
که به « در » وارد شده به ترتیب (درست عکس زبان فارسی) بکار گرفته می شوند. مثال :
منیم ماشین یمین آیناسی (گوزگوسو) خراب دیر . = آینه ماشین من خراب است .
mənim maşınımın güzgüsü (aynası) xarabdır .

۲-۱) کلماتی که با « سی » همراه هستند به شکل زیر با يك حرف « ن » اضافی در
حالاتی تصریفی بکار گرفته می شوند. مثال :

زیر صرف می شوند . مثال : پدر او = اۇنون آتاسی onun atası
مفعول با واسطه : به پدر او = اۇنون آتاسی نا onun atasına
مفعول با واسطه با حرف اضافی در : در پدر او = اۇنون آتاسی ندا onun atasında

مفعول با واسطه با حرف اضافی از : از پدر او = اؤنون آتاسی ندان onun atasından

مفعول بیواسطه : پدر او را = اؤنون آتاسی نی onun atasını

اضافه ملکی : مال پدر او = اؤنون آتاسی نین onun atasının

توجه: - در جمله بندی زبان ترکی جای « ضمائر شخصی » و علائم «حالات تصریفی» (برعکس زبان فارسی) عوض نمی شود و هر یکی جای ثابت خود را دارد.

- اسامی يك هجی که آخرین حرف آنها صدادار باشد، در صرف يك « یه y » اضافی بخود گرفته

و دیگر احتیاج به اضافه کردن « سی » نیست. مثال :

(صرف سُو su ، آب) onun suyu , sənin suyun , mənim suyum

ضمیر ملکی « iv » بجای « این in » در محاوره :

در زبان محاوره ای اسمی (اسم مضاف) که برای دوم شخص مفرد به شکل اضافه ملکی [مضاف الیه] در می آید ، علامت ضمیر ملکی « این » را حذف کرده و بجای آن يك « ایو » بکار می برند ؛ بعبارتی بجای « سنین ائوینین آچاری sənin evinin açarı » (کلید خانه تو) میگویند « سنین ائوینین آچاری sənin evinin açarı » ظاهراً این تغییر شکل در صرف باین منظور صورت می گیرد ، که از هم شکل بودن صرف اضافه ملکی دوم شخص و سوم شخص مفرد جلوگیری شود. ولی بکار بردن « ایو » بجای علامت ملکی « این » هر چند که در بعضی موارد می تواند به شکل صحیح معنی دهد ، ولی در مواردی هم صرف آن با اصول زبان ترکی مغایرت داشته و قابل استفاده نمی باشد.

برای روشن شدن هر چه بهتر مطلب به جملات و حالت های مختلف زیر توجه کنید.

صرف اضافه ملکی بوسیله « ایو » در محاوره به شکل زیر صورت می گیرد :

پسر خاله تو = سنین خالاوین اوغلو sənin xalavın oğlu (oğlı)

خانه پدر تو = سنین ده ده وین ائوی sənin dədəvin evi

پسر خواهر تو = سنین باجی وین اوغلی sənin bacivin oğlu (oğlu)

پسر برادر تو = سنین قارداشی وین اوغلو *sənin qardaşının oğlu (oğlu)*
 همانطوری که مشاهده می شود همه جملات فوق بوسیله « ایو » برای سوم شخص مفرد (به شکل اضافه ملکی) صرف شده که صرف آنها صحیح و منطقی بنظر میرسد ولی در همه جا چنین نیست. اکنون بطور نمونه به جدول زیر که حالات مختلف تصریفی را نشان داده و غیر منطقی بودن آن (v یا iv) را روشن می کند توجه کنید. مثال :

(a) در سمت راست ، شکل محاوره ای که بوسیله « ایو » (و) صرف می شود.

(b) در سمت چپ صفحه ، شکلی که با اصول زبان ترکی بوده و بوسیله اضافه ملکی « این » صرف می شود :

اسامی حالت‌های تصریفی در زبان فارسی	الف) بوسیله « iv » در محاوره بکار گرفته می شود	ب) بوسیله « in » (n) با اصول زبان ترکی صرف می شود
۱) حالت فاعلیت :	سنین ائویو <i>sənin eviv</i> (غلط)	سنین ائوین <i>sənin evin</i> (onun)
۲) حالت باواسطه :	سنین ائویوه <i>sənin evivə</i>	سنین ائوینه <i>sənin evinə</i> (onun)
۳) حالت مفعول باواسطه با حرف اضافی در :	سنین ائویوده <i>sənin evivdə</i> (نامفهوم)	سنین ائوینده <i>sənin evində</i> (onun)
۴) حالت مفعول باواسطه با حرف اضافی از :	سنین ائویودن <i>sənin evivdən</i> (نا مفهوم)	سنین ائویندن <i>sənin evindən</i> (onun)
۵) حالت بی واسطه :	سنین ائویوی <i>sənin evivi</i>	سنین ائوینی <i>sənin evini</i> (onun)
۶) اضافه ملکی	سنین ائویو <i>sənin evivin</i>	سنین ائوینین <i>sənin evinin</i> (onun)

– چنانچه از جدول بالا روشن می شود ، در مورد شماره (۱) حالت فاعلیت ، شماره (۳) « حالت مفعولی با واسطه با حرف اضافی در» و شماره (۴) « حالت مفعولی با واسطه با حرف اضافی از» صرف ضمیر ملکی سوم شخص مفرد بوسیله « ایو» کاملاً نادرست می باشد. در صورتی که صرف آن بوسیله « این » با وجود هم شکل بودن آن (در رابطه با دوم و سوم

شخص مفرد) کاملاً درست فهمیده می‌شود و فرق آنها نیز بوسیله « سن » و « او » تشخیص داده می‌شود. در نتیجه « ایو » که در محاوره بجای « این » صرف می‌شود، نه تنها کمبود « این » مذکور را پر نمی‌کند، بلکه خود در مواردی هم قابل صرف نمی‌باشد. با وجودی که صرف ضمیر (اضافه) ملکی (این) نقص دارد، ولی منطقی و صحیحتر از « ایو » می‌باشد.

۱) ضمیر انعکاسی

ضمیر انعکاسی کلمه ای است که از تکرار مجدد ضمیر در جمله جلوگیری می‌کند :

من خودم = من اۆزوم mən özüm

تو خودت = سن اۆزون sən özün

او خودش = او اۆزو o özü (اۆزی özi)

ما خودمان = بیز اۆزوموز biz özümüz

شما خودتان = سیز اۆزونوز siz özünüz

آنها خودشان = اونلار اۆزلری onlar özləri

- من خودم بتهائی این کار را انجام دادم . = من اۆزوم تک بۇ ایشی گۆردوم .

mən özüm tək bu işi gördüm . (gurtardım)

توجه : در بعضی مناطق آذربایجان در محاوره ضمیر انعکاسی « اۆزوم » را « بیلیم » بیز

می‌گویند . « بیلیم » به این شکل صرف می‌شود :

من بیلیم biləm ، سن بیلن bilən ، او بیله سی biləsi ، بیز بیله میز biləmiz ،

سیز بیله نیز [بیله ز] biləz و اولار بیله لری bilələri .

۱-۱) ضمیر انعکاسی و حالت‌های تصریفی آن :

- مفعول با واسطه:

ضمیر انعکاسی بوسیله علامت ضمیر ملکی (in) بکار می‌شود که صرف آن برای دوم و سوم

شخص مفرد همشکل صرف می‌شود. در چنین حالتی حتماً باید ضمیر شخصی

(تو و او) گفته و یا نوشته شود. به مثالهای مختلف زیر توجه کنید :

من بخودم = من اۆزومه mən özümə
 تو بخودت = سن اۆزونه sən özünə (سن اۆزووه sən özüvə)
 او بخودش = او اۆزونه o özünə

- بیز اۆزوموزه ، سیز اۆزونوزه ، اۇنلار اۆزلىرىنه

- من اين كيف را برای خودم (بخودم) خريدم. من بۇ چمىدانى (كىفى) اۆزومه آلدىم.

mən bu çəmadanı (kifi) özümə aldım .

- حالت مفعول با واسطه با حرف اضافی در :

من در خودم = من اۆزومده mən özümdə
 تو در خودت = سن اۆزونده sən özündə
 او در خودش = او اۆزونده o özündə

- بيز اۆزوموزده ، سيز اۆزونوزده ، اۇنلار اۆزلىرىده

- من بۇ شانسى اۆزومده گۆرمورم . mən bu şansı özümdə görmürəm .

- حالت مفعول با واسطه با حرف اضافی از :

من از خودم = من اۆزومدن mən özümdən
 تو از خودت = سن اۆزوندن sən özündən
 او از خودش = او اۆزوندن o özündən

بیز اۆزوموزده ، سیز اۆزونوزدن ، اۇنلار اۆزلىرىندن

نظراتى كه او بيان مىكند از خودش است = او سؤيله دىيى دوشونجه لر اۆزوندن دير.

o söylədiyi düşüncələr özündəndir

- مفعول بيواسطه :

من خودم را = من اۆزومو mən özümü

تو خودت را - سن اۆزونو sən özünü

او خودش را = او اۆزونو o özünü

- بیز اۆزوموزو ، سیز اۆزونوزو ، اۇنلار اۆزلىرى

- او خودش را بیشتر از همه دوست دارد. او اۆزونو هاميدان چۇخ ايسته بير .

o özünü hamıdan çox istəyir .

- حالت اضافه ملكى :

مال خودم = منيم اۆزومون mənim özümün

مال خودت = سنين اۆزونون sənin özünün

مال خودش = اونون اۆزونون onun özünün

مال خود آنها - اۇنلارين اۆزلىرينين onların özlərinin

این ماشین مال خود من است . بۇماشين منيم اۆزوموندور . bu maşın mənim özümündür .

۱-۲) نفى ضمماير انعكاسى بوسيله كلمه نفى « دئگيل » صورت مى گيرد :

مال خودم نيست = منيم اۆزومون دئگيل deyil mənim özümün

مال خودت نيست = سنين اۆزونون دئگيل deyil sənin özünün

مال خود او نيست = اونون اۆزونون دئگيل deyil onun özünün

مال خود ما نيست - بيزيم اۆزوموزون دئگيل deyil bizim özümüzün

مال خود شما نيست - سيزين اۆزونوزون دئگيل deyil sizin özünüzün

مال خود آنها نيست - اۇنلارين اۆزلىرينين دئگيل deyil onların özlərinin

۱) كلمه سؤالى و ضمماير انعكاسى :

آيا مال خود من هست ؟ = منيم اۆزومون مو ؟ mənim özümünmü ?

آيا مال خود تو هست ؟ = سنين اۆزونون مو ؟ sənin özününmü ?

آيا مال خودش است ؟ = اونون اۆزونون مو ؟ onun özününmü ?

- بیزیم اۆزوموزون مو؟ سیزین اۆزونوزومو؟ اۇنلارین اۆزونوزون مو؟

۱- ۱) تکرار ضمایر انعکاسی و حالات تصریفی آن :

- حالت مفعول با واسطه :

mən özüm- özümə = من اۆزوم - اۆزومه

sən özün - özünə = تو خودت بخودت

o özü - özünə = او خودش به خودش

- من خودم به خودم می گویم. = من اۆزوم اۆزومه دئیرم . mən özüm özümə deyirəm .

- حالت مفعول با واسطه با حرف اضافی در :

mən özüm- özümdə = من اۆزوم - اۆزومده

sən özün - özündə = تو خودت در خودت

o özü - özündə = او خودش در خودش

- من این توانائی را خودم در خودم می بینم. = من بۇ باشاریغی اۆزوم - اۆزومده گۆرورم .

mən bu başarığı özüm özümdə görürəm.

- حالت مفعول با واسطه با حرف اضافی از :

mən özüm - özümdən = من اۆزوم - اۆزومدن

sən özün - özündən = تو خودت از خودت

o özü - özündən = او خودش از خودش

او خودش از خودش تعریف کرد. = او اۆزو اۆزوندن تعریف ائتدی .

o özü özündən tərif etdi (söylədi) .

- حالت مفعول بیواسطه :

mən özüm - özümü = من اۆزوم - اۆزومو

sən özün - özünü = تو خودت خودت را

او خودش خودش را = او اۆزو - اۆزونو özünü - özünü o
 مثال : من اۆزوم اۆزومو سئویرم . . mən özüm özümü sevirəm .
 اضافه ملکی :

من خودم مال خودم = من اۆزوم - اۆزومون mən özüm - özümün
 تو خودت مال خودت = سن اۆزون - اۆزونون sən özün - özünün
 او خودش مال خودش = او اۆزو - اۆزونون o özünü - özünün
 مثال : من خودم عیب خودم را می بینم . من اۆزوم اۆزومون عیبیمی گۆرورم .
 mən özüm özümün eybimi görürəm.

(۱) نفي کلمه سؤالی همراه ضمير انعکاسی با « دئگیل » :

آیا این ماشین مال خودم نیست ؟ = بۇ ماشین منیم اۆزومون دئگیل می ؟

bu maşın mənim özümün deyilmi ?

آیا این ماشین مال خودت نیست ؟ = بۇ ماشین سنین اۆزونون دئگیل می ؟

bu maşın sənin özünün deyilmi ?

(۱-۱) نفي کلمه سؤالی با ضمير انعکاسی تکراری

آیا من خودم خودم را به تو معرفی نکردم ؟ = من سنه اۆزوم اۆزومو تانیش ائتمه دیم می ؟

mən sənə özüm özümü tanış etmədimmi ?

(۱) شکل سؤالی کلمات تک هجائی :

- اسامی که يك بند دارند و آخرین حرف آنها به حرف صدادار ختم شود به آخر آنها يك (y)

اضافه کرده و به شکل زیر صرف می کنند: (آب = سۇ su)

(لیوان) آب من = منیم سۇیوم mənim suyum

(لیوان) آب تو = سنین سۇیون sənin suyun

(لیوان) آب او = اونون سۇیو onun suyu

۱-۱) شکل سؤالی اسامی يك بندى :

- o mənim suyummu ? او منیم سۇيوم مو
- o sənin suyunmu ? او سنين سۇيون مو
- o onun suyumu ? او اونون سۇيومو

۱-۳) صرف اسامی امثال «سۇ» به حالتهاى مختلف به شکل زیر صرف می شود:

mənim suyum	منیم سۇيوم	: حالت فاعليت
mənim suyuma	منیم سۇيوما	: مفعول با واسطه
mənim suyumda	منیم سۇيومدا	: مفعول با واسطه با حرف اضافی در
mənim suyumdan	منیم سۇيومدان	: مفعول با واسطه با حرف اضافی از
mənim suyumu	منیم سۇيومو	: مفعول بىواسطه
mənim suyumun	منیم سۇيومون	: اضافه ملكى

- با اضافه کردن « y » اضافی به اسامی امثال « سۇ » نیازی به « منیم » نمی باشد و در نتیجه میتوان آن را حذف کرده و بجای « منیم سۇيوم » به شکل « سۇيوم » ، « سۇيون » ، « سۇيوسۇ » صرف کرد.

۱-۲) نفی سؤالی اسامی يك بندى بدین شکل صورت می گیرد.

- o mənim suyum deyilmi ? او منیم سۇيوم دئگیل می؟
- o sənin suyun deyilmi او سنين سۇيون دئگیل می؟

۱) حذف کردن یکی از ضمائر ملكى :

همانطوری که در صرف ضمائر ملكى مشاهده شد ، در زبان ترکی ضمیر (اضافه)

ملكى را در جمله دو مرتبه تکرار کرده و صرف می کنند. مثال :

« منیم ائویم » ، یا « سنين ائوین » ، یعنی اضافه ملكى « این » يك مرتبه به شکل « سنين » و مجدد به شکل « ائوین » تکرار شده است. در محاوره برای جلوگیری از تکرار

ضمیر ملکی و برای کوتاه کردن جمله (فقط در رابطه با اشیا) یکی از علائم اضافه ملکی را حذف کرده و بجای « منیم ائویم» آنرا به شکل « منیم ائو» صرف می کنند. مثال :

خانه من = منیم ائو *mənim ev* ، خانه تو = سنین ائو *sənin ev*
 خانه او = اؤنون ائو *onun ev*

(۱-۱) نحوه صرف ضمائر ملکی (مخفف شده) در حالت‌های مختلف تصریفی:

حالت فاعلیت : خانه من = منیم ائو *mənim ev*
 مفعول با واسطه : به خانه من = منیم ائوه *mənim evə*
 مفعول با واسطه با حرف اضافی در : در خانه من = منیم ائوده *mənim evdə*
 مفعول با واسطه با حرف اضافی از : از خانه من = منیم ائودن *mənim evdən*
 مفعول بیواسطه : خانه مرا = منیم ائوی *mənim evi*
 اضافه ملکی : مال خانه من = منیم ائوین *mənim evin*

توجه : ضمیر ملکی را در رابطه با اشخاص نباید حذف کرد. مثال :

پدر من = منیم ده ده م *mənim dədəm (atam)* ، خواهر تو =

سنین باجین *sənin bacın* ، مادر من = منیم آنام *mənim anam*

(۱) بکارگیری ضمیر اشاره ای و اضافه ملکی :

با کلمات مختلف سوالی :

ضمیر اشاره ای « کیم » [چه کسی] و ضمیر اشاره ای « نه » [چه چیزی] همراه
 اضافه ملکی به شکل « کیمین *kimin* » (مال چه کسی) و « نه یین *nəyin* » (مال چه چیزی)
 بکار گرفته می شود. مثال :

این مال کیست. = بؤ کیمین دیر ؟ *bu kimindir*
 این مال من است. = بؤ منیم دیر *bu mənimdir*
 آن مال اوست. = او اؤنوندور *o onunundur*

این کلید مال چیست. = بۇ آچار نە ییندیر؟ bu açar nəyindir?
در جواب گفته می شود:

این کلید مال آن در است. = بۇ آچار او قاپی نیندیر. bu açar o qapınıdır.

(۱-۱) کی ki ربطی با کلمات سوالی « کیمین » و « نه یین »:

« کی » را می توان با کلمات سوالی (کیمین و نه یین) پیوند داده و به شکل کلمه سوالی جدیدی در آورد و بکار گرفت. مثال :

سوال: این کلید مال چه کسی است = بۇ آچار کیمینکی دیر ? bu açar kiminkidir ?

جواب: این مال من است . = بۇ منیمکیدیر . bu mənimkidir .

آن مال توست . = او سنینکیدیر . o səninkidir .

سوال: این آچار مال چه چیزی است. = بۇ آچار نە یینکیدیر . bu açar nəyinkidir .

جواب: آن آچار مال ماشین است = او آچار ماشینیکیدیر . o açar maşınıkıdır .

این جای پا مال گاواست. = بۇ ایز او کوزونکودور. bu iz öküzünküdür .

این جای پا مال خوک است. = بۇ ایز دونوزونکودور. bu iz donuzunkudur .

(۱-۲) سؤال و جوابهای مذکور می تواند به شکل مخفف شده نیز صرف شوند :

سؤال	،	جواب
بۇ کیمین ؟ ? bu kimin ?	،	او منیم o mənim
او نه یین ؟ ? o nəyin ?	،	او اونون onun
او کیمینکی ؟ ? o kiminki ?	،	او منیمکی mənimki

(۱-۳) کلمه «کی» با ضمائر شخصی به شکل زیر پیوند می خورد:

منیمکی mənimki	،	بیزیمکی bizimki
سنینکی səninki	،	سیزینکی sizinki
اونونکی (کو) onunki (ku)	،	اونلارینکی onlarınki

– بۇ کیتاب اونونکو دور . او کیتاب دا اونونکو دور .

۱) ضمایر ملکی کلمه سوالی « نه » همراه کلمه وار (هست) و یوخ (نیست):

- توجه شود که « وار » فعل است و به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می‌وشد:

من وارام ، سن وارسان ، او واردیر ، بیز واریق ، سیز وارسینیز ، اونلار واردیرلار.

- کلمه سوالی « نه » (چه) در رابطه با اشیاء بکار بکار گرفته می‌شود ، ولی اگر آن با کلمات « وار » و « یوخ » همراه باشد ، می‌توان برای اشخاص نیز بکار برد.

فعل وار به شکل زیر باری ضمایر شخصی صرف می‌شود :

کلمه « نه بین وار » معنی « چه » و « که را » داری را میدهد .

منیم نه بییم وار؟ mənim nəyim var (من چه چیزی و چه کسی را دارم؟)
 سنین نه بین وار؟ sənin nəyin var (تو چه چیزی و چه کسی را داری؟)
 اونون نه بی وار؟ onun nəyi var (او چه چیزی و چه کسی را داری؟)
 منیم بیرقارداشیم و بیر باجیم وار . mənim bir qardaşım və bir bacım var
 سنین بیر ماشینین و بیر ائوین وار . sənin bir maşının və bir evin var
 سنین کیمین وار ؟ sənin kimin var (سنین نه بین وار ؟ sənin nəyin var)

۱-۱) استفاده از کلمات « وار » و « یوخ » همراه کلمه سوالی « کیم و نه » :

(سنین نه بین وار ؟ sənin nəyin var [تو چه چیزی و یا چه کسی را داری] و
 یا سنین کیمین وار ؟ sənin kimin var [تو چه کسی را داری] .)
 منیم هئچ بیر کیمیم (کسیم) یوخدور . mənim heç bir kimim (kəsim) yoxdur.
 منیم بی بییم (عمه م) یوخدور . mənim bibim (əm-məm) yoxdur (من عمه ندارم)
 منیم هج بیرشی بییم یوخدور . mənim heç bir şeyim yoxdur (من هیچ چیزی ندارم)
 منیم ائویم یوخ دور . (منیم ائویم یوخمدور) . mənim evim yoxdur (من خانه ندارم)

۱-۲) پیوند ضمیر شخصی با حروف اضافی « ده » و « دا » همراه کلمات

« وار » و « یوخ » : (کتابی متعلق به من است ، من کتابی دارم)

məndə bir kitab var (dır) .	منده بیر کیتاب وار (دیر) .
səndə bir kitab var (dır) .	سنده بیر کیتاب وار (دیر) .
onda bir kitab var (dır) .	اؤندا بیر کیتاب وار (دیر) .
bizdə bir kitab yox (dur) .	بیزده بیر کیتاب یوخ (دور) .
sizdə bir kitab yox (dur) .	سیزده بیر کیتاب یوخ (دور) .
onlarda bir kitab yox (dur) .	اؤنلاردا بیر کیتاب یوخ (دور) .

۱-۳) صرف کلمه « وار » ، « یوخ » :

هست (داشتن) « یوخ نیست (نداشتن) به شکل زیر نیز صرف می شود :

bizim varımızdır	بیزیم واریمیزدیر	mənim varımdır	منیم واریمدیر
sizin varınızdır	سیزین وارینیزدیر	sənin varındır	سنین واریندیر
onların varlarıdır	اؤنلارین وارلاری دیر	onun varıdır	اؤنون واریدیر

۱-۴) سنین نه بین وار؟ در مواردی هم تو چه مرضی داری فهمیده می شود :

sənin nəyin var ?	سنین نه بین وار ؟
mənim soyuq dəyməm(dəyməyim) var.	منیم سؤیوق دیمم (دیمه ییم) وار .
[mənə soyuq dəyib .	منه سؤیوخ دیب .
onun baş ağrısı var .	اؤنون باش آغریسی وار .
(او سر درد دارد .)	

۱-۵) کلمات سوالی « نه رن » و « نه یه رین » و « هاران » (کجای تو)

که با اضافه ملکی نیز همراه است به شکل زیر بکار می رود .

- سنین نه یغرین آغریییر ؟ sənin nə yerin ağrır? (کجای تو درد می کند؟)
 اؤنون هاراسی آغریییر ؟ onun harası ağrır? (کجای او درد می کند؟)
 جواب : منیم باشیم آغریییر . mənim başım ağrır . (سر من درد میکند.)
 اؤنون قارنی آغریییر . onun qarnı ağrır . (او دل [شکم] دردی دارد.)

۱-۴) ضمائر اشاره ای بۇرا (اینجا) و « اؤرا » (آنجا) در جواب سوال « نه ره » و « هارا » (کجا) همراه ضمیر (اضافه) ملکی به شکل زیر صرف می شود :

بورام	،	اورام	oram
بوران	،	اوران	oran
بوراسی	،	اوراسی	orasi
بورامیز	،	اورامیز	oramiz
بورانیز	،	اورانیز	oraniz
بورالاری	،	اورالاری	oralari

توجه: کلمات اشاره ای (« بۇرا » و « اؤرا ») که معمولاً در جواب کلمات سوالی « نه ره » و « هارا » صرف صرف می شوند از اینکه آخرین حرف آنها صدادار می باشد در نتیجه در صرف اضافه ملکی برای سوم شخص مفرد بخود يك « سی » (به شکل « هاراسی » ، « نه ره سی » و « بۇراسی » ، « اؤراسی ») اضافی می گیرند . کلمات مذکور را در جملات به شکل زیر می توان بکار برد :

منیم آلمین بۇراسی آغری ییر (اینجا ی دست من درد میکند). بۇراسی تبریز رادیوسی [رادیوسو]
 (اینجا رادیو تبریز است). سبلان آذربایجانین هاراسیندادیر [نه یئرینده دیر] ؟ و ...

۱) کلمه سوالی « کجا » (نه ره ، نه یئر ، هارا) همراه اضافه ملکی در حالت های تصریفی :

۱-۱) حالت های مختلف تصریفی کلمات سوالی و ضمائر ملکی :

حالت‌های تصریفی کلمات سوالی همراه ضمائر ملکی به شکل زیر بکار گرفته می‌شوند :

مفعول با واسطه « به »	نه یئریمه	nə yərimə	هاراما	harama	به کجای من
مفعول با واسطه با حرف اضافی « در »	نه یئریمده	nə yerimdə	هارامدا	haramda	در کجای من
مفعول با واسطه با حرف اضافی « از »	نه یئریمدن	nə yerimdən	هارامدان	haramdan	از کجای من
مفعول بیواسطه	نه یئریمی	nə yerimi	هارامی	haramı	کجای مرا
اضافه ملکی	نه یئریمین	nə yerimin	هارامین	haramın	مال کجای من

– کلمه سوالی همراه با اضافه ملکی :

نه رم	nərəm	،	نه یئریم	nə yerim	،	هارام	haram
نه رن	nərən	،	نه یئرین	nə yərin	،	هاران	haran
نه ره سی	nərəsi	،	نه یئری	nə yeri	،	هاراسی	harası

۱) اسم سازی بوسیله اضافه (ضمیر) ملکی

اسم به دو شکل است (اسم عام و اسم خاص) که بوسیله ضمیر ملکی به شکل زیر ساخته می‌شود :

۱-۱) اسم خاص : اسمی است که به يك چیز و یا شخص خاصی دلالت کند. مثال:

منیم ائوین قاپیسی mənim evin (evimin) qapısı (در خانه من)

سنین ائوین قاپیسی sənin evin (evinin) qapısı (در خانه تو)

ائوین قادینی evin qadını (زن این خانه)

آحمدین قادینی Əhmədin qadını (خانم احمد)

اٲویمین کیلیدی	evimin kilidi(açarı)	(کلید خانه من)
اٲوین پیشییی	evin pişiyi	(گربه این خانه)
اٲوین ایتی	evin iti	(سگ این خانه)
اٲوین کیشیسی	evin kişisi	(مرد این خانه)

- اسم خاص در جملات به شکل زیر بکار گرفته می‌شوند. مثال :

بۇ مدرسە نین اۇشاقلاری فۇتبول اۇینایرلار. (شاگردان این مدرسە فوتبال بازی می‌کنند.)
 bu mədrəsənin uşaqları futbol oynayırlar .

بۇ یارپاقلار ، بۇ آغاجین یار پاغی دیر(لار). (این برگها ، برگ این درخت است .)
 bu yarpaqlar bu ağacın yarpağıdır .

اؤ تورکمنین آتی گوزل دیر. o türkmənin atı gözəldir. اسب آن ترکمن زیباست.

۱-۲) اسم عام : اسمی است که به چیز یا شخص مشخصی دلالت نکند . مثال :

اٲو قاپیسی	ev qapısı	(در خانه)
اٲو کیلیدی	ev kilidi	(کلید خانه)
اٲو پیشییی	ev pişiyi	(گربه خانگی = اهلی) [پیشیک _ گربه]
چؤل پیشییی	çöl pişiyi	(گربه وحشی)

مدرسە اۇشاقلاری تۇپ اۇینایرلار . (شاگردان مدارس فوتبال بازی میکنند.)

mədrəsə uşaqları top oynayırlar

تورکمن آتی گوزل دیر türkmən atı gözəldir (اسب ترکمن زیبا است .)

توجه : در اسم سازی میتوان یکی از « اضافی ملکی » (این) را حذف کرد. مثال :

آغاج یارپاغی . ağaç yarpağı (برگ درخت)

(آغاجین یارپاغی ağacın yarpağı)

- در مواردی هم حروف اضافی ملکی را برداشته و به آخر کلمه (همشکل با حالت تصریفی)

متصل می کنند. مثال : تورکمن آتین türkmen atın (اسب ترکمن)
 آغاچ یار پاغین . . ağaç yarpağın (برگ درخت)
 مدرسه اوشاغین .. mədrəsə uşağın (بچه مدرسه)

کلمات تعلقات ملکی با اضافه (ضمیر) ملکی :

(۱) « مال » : (« مال » با ضمیر ملکی [ن] صرف می شود)

- o mənim malımdır. او منیم مالیمدیر. ، آن مال من است.
 bu sənin malındır. بۇ سنین مالیندیر. ، این مال تو است.
 o onun malıdır . او اونون مالیدیر. ، آن مال اوست.

(۱-۲) مالک : (مالک با مفعول با واسطه صرف میشود)

- mən ona malikəm . من اونا مالیکم . _ من مالک آن هستم.
 sən buna maliksən . سن بۇنا مالیک سن . _ تو مالک این هستی.
 o da bunlara malikdir . اۇدا بۇنلارا مالیک دیر . _ او هم مالک اینها است.
 siz də bu evə maliksiz . سیز دە بۇ ائوه مالیک سینیز . _ شما هم به این خانه مالک هستید -

(۱-۳) صاحب (صاحب) [با مفعول با واسطه صرف میشود] .

- bu evə mən sahibəm . بۇ ائوه من صاحبیم . _ صاحب این خانه من هستم -
 o evə o sahibdir . او ائوه او صاحبیدیر . _ صاحب آن خانه اوست -

(۴) مالکیت (بوسیله تکرار دو باره ضمیر ملکی همراه « ده » صرف می شود) :

- bu ev mənim malikiyətimdədir. بۇ ائو منیم مالکیتیم دە دیر .
 o maşın sənin malikiyətidədir . او ماشین سنین مالکیتین دە دیر .

فعل ماضی (ساده) و فرمهای مختلف آن :

فعل در زبان ترکی بوسیله پسوندهای گوناگون (« دی » ، « میش » ، « میشدی » ، « میش میش » و « ایب ») به پنج نوع در زمان گذشته قابل صرف می‌باشد .
 پسوندهای مذکور ، صرف فعل « ایمک » (بودن) به زمان گذشته می‌باشد که در اصل به شکل « idi » ، « imiş » و .. بوده و در صرف اولین حرف صدادار (i) آن را حذف کرده و به شکل مخفف شده [di , mis , mişdi] بکار می‌برند . ولی در مواردی هم هست که آن را مخفف نکرده و به شکل اصلی خود (ایدی idi ، ایمیش imiş و ..) صرف می‌کنند . با اصول دستور زبان ترکی اکثر فرمهای مختلف افعال به پنج زمان مختلف گذشته قابل صرف می‌باشند .
 توجه : گذشته های مختلف افعال ترکی را در این کتاب به اسامی زیر نام گذاری و صرف می‌کنیم :

(idi)	di	۱) گذشته (ماضی) با پسوند « دی »
(imiş)	miş	۲) گذشته دور با پسوند « میش »
(imişdi)	mişdi	۳) گذشته دورتر با پسوند « میشدی »
(imiş miş)	miş miş	۴) گذشته دور و دور با پسوند « میش میش »
	« ib »	۵) ماضی نقلی با پسوند « ایب »

— علائم مذکور علاوه بر انعکاس گذشته های مختلف فعل ، هر کدام مفهوم ویژه ای را نیز در جمله بیان می‌کند :

۱) صرف فعل ماضی (گذشته) :

گذشته فعل بوسیله ریشه فعل و صرف « ماضی » فعل « ایمک » صورت می‌گیرد. توجه شود که صرف افعال ترکی همشکل صرف افعال در زبان فارسی نمی‌باشند . در زبان ترکی هر فعلی برای خود فرم مشخصی دارد (gəlir , gələr , gələ , gəlsin)

که آن را می‌توان بوسیله پسوندهای ماضی به زمان مختلف گذشته در آورد. فرم ساده فعل گذشته بوسیله ریشه فعل با پسوند گذشته (دی ، میش و ..) ساخته می‌شود .
 — زمانی از پسوند « دی di » (idi) استفاده میشود که گوینده مطلب به کار انجام شده اطمینان دارد و یا انجام و نتیجه کار را خود تجربه کرده است . این فعل به شکل زیر صرف می‌شود . مثال :

من گلدیم mən gəldim ، بیز گلدیک biz gəldik
 سن گلدین sən gəldin ، سیز گلدینیز siz gəldiniz (gəldiz)
 او گلدی o gəldi ، اونلار گلدیلر onlar gəldilər

— افعالی که آخرین حرف صدادر آنها با آهنگ پائینی می‌باشد :

من آلدیم ، سن آلدین ، او آلدی ، بیز آلدیق ، سیز آلدینیز ، اونلار آلدیلر .

(۱-۱) گذشته دور :

پسوند « میش miş » (imiş) علاوه بر بیان انجام کاری در گذشته دور و نامعین ، برای نقل داستانهای قدیمی (مثل : یکی بود و یکی نبود) بکار میرود. بوسیله حروف « میش » میتوان کلمات مختلفی با مفاهیم جدیدی ساخت . مثال :
 بیشمیش bişmiş [غذای پخته] ، یا « یئمیش yemiş » [میوه خوردنی] ، یئتیش میش yetişmiş [رسیده] ، یانمیش yanmış [سوخته] و ...
 (گذشته دور را در محاوره در صرف برای اول شخص مفرد و جمع بجای ماضی نقلی نیز بکار می‌برند . صرف ماضی نقلی در صفحه ۸۲)

فعل گذشته دور به شکل زیر به ضمائر شخصی صرف می‌شود . مثال :

من گلمیشم mən gəlmişəm
 سن گلمیشسن sən gəlmişsən
 او گلمیش o gəlmiş

biz	gəlmişik	بیز گلمیشیک
(gəlmişsiz)	siz gəlmişsiniz	سیز گلمیش سینیز
onlar	gəlmislər	اونلار گلمیش لر

(۱-۲) گذشته دورتر:

گذشته دورتر با پسوند « میشدی mişdi » زمانی بکار گرفته می شود که گوینده مطلب ، از کار انجام شده ای در زمان دورتر اطمینان دارد که آن را به شکل « میشدی » بیان می کند . این فعل به شکل زیر صرف می شود :

mən	gəlmişdim	من گل میشدیم
sən	gəlmişdin	سن گل میشدین
o	gəlmişdi	او گل میشدی
biz	gəlmişdik	بیز گل میشدیک
(gəlmişdiz)	siz gəlmişdiniz	سیز گل میشدینیز
onlar	gəlmişdilər	اونلار گل میشدیلر

(۱-۳) گذشته دور و دور :

پسوند « میش میش miş miş » زمانی بکار گرفته می شود که بیان کننده مطلب زمان گذشته دور و دور و نامشخصی را در نظر داشته و یا اینکه وی در وقوع عمل انجام یافته در آنجا نبوده و یا آن را از کس دیگر شنیده که به شکل « میش میش » برای زمان گذشته بازگو می کند. اگر کسی جمله را با این فعل بکار برد ، به این مفهوم نیز است که گوینده هیچ مسئولیتی را در رابطه با عمل مطرح شده بگردن نمی گیرد بعبارتی این فعل مفهومی همانند « گویا اینکه » ، « بنا بر روایتی » ، « بر این باورم که » و یا « شایع بوده که » را دارد .

از اینکه فعل گذشته دور و دور خیلی کم مورد استفاده قرار می گیرد ، در نتیجه در این

کتاب نیز در موارد کمی صرف می‌شود .

صرف فعل گذشته دور و دور به شکل زیر برای ضمائر شخصی صرف می‌باشد :

من گل میش میشم mən gəlmişmişəm , biz gəlmişmişik
 سن گلمیش میش سن sən gəlmişmişsən , siz gəlmişmişsiniz
 او گلمیش میش o gəlmişmiş , onlar gəlmişmişlər

توجه : با وجودی که افعال مذکور از گذشته مختلف صحبت می‌کنند ، اما فرم فعل به شکل

گذشته ساده می‌باشد و هیچ علامت دیگر بجز علامت گذشته به ریشه فعل پیوند

نخورده است .

۲) نفی فعل گذشته :

نفی گذشته فعل بوسیله کلمه « مه » ، « ما » صورت می‌گیرد. توجه شود که اگر فعل پسوندهای زیادی داشته باشد ، کلمه نفی مقدم بر سایر پسوندها بوده و حتماً باید به ریشه فعل متصل و قبل از سایر پسوندها بکار گرفته شود. نفی گذشته ساده به شکل زیر (با هماهنگی کوچک) صرف میشود :

من گلمه دیم mən gəlmədim , بیز گلمه دیک biz gəlmədik
 سن گلمه دین sən gəlmədin , سیز گلمه دینیز siz gəlmədiniz
 او گلمه دی o gəlmədi , اونلار گلمه دیلر onlar gəlmədilər

– افعالی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ پائینی می‌باشد :

من آلمادیم ، سن آلمادین ، او آلمادی ، بیز آلمادیق ، سیز آلمادینیز ، اونلار آلمادیلار.

۲-۱) حالت نفی گذشته دور:

من گلمه میشم mən gəlməmişəm (من نیامدم)
 سن گلمه میش سن sən gəlməmişsən

o gəlməmiş اۇ گلمه ميش

(۲-۲) حالت نفى گذشته دورتر :

mən gəlməmişdim من گلمه ميشديم

sən gəlməmişdin سن گلمه ميش دين

o gəlməmişdi اۇ گلمه ميشدى

(۲-۳) حالت نفى گذشته دور و دور :

mən gəlməmişmişəm من گلمه ميش ميشم

sən gəlməmişmişsən سن گلمه ميش ميشسن

o gəlməmişmiş اۇ گلمه ميش ميش

(۳) حالت سؤالى گذشته :

صرف فعل به حالت سؤالى بوسيله كلمه سؤالى « مى » (آيا) انجام مى گيرد .

حالت سؤالى به شكل زير است :

mən gəldimmi ? من گلديم مى

sən gəldinmi ? سن گلدين مى

o gəldimi اۇ گلدى مى

– فعلى كه آخرين حرف صدا دار آن با آهنگ پائينى مى باشد :

من الماديم مى؟ سن المادين مى؟ اۇ المادى مى؟

(۳-۱) حالت سؤالى گذشته دور:

mən gəlmişəmmi ? من گل ميشم مى

sən gəlmişsənmi ? سن گل ميش سن مى

o gəlmişmi ? اۇ گل ميش مى

۳-۲) حالت سوالی گذشته دورتر:

mən gəlmişdimmi ?	من گل میشدیم می
sən gəlmişdinmi ?	سن گل میشدین می
o gəlmişdimi ?	او گل میشدی می

۴) حالت نفی سوالی گذشته :

نفی گذشته (ساده) بوسیله « مه » و « ما » صورت می گیرد :

mən gəlmədimmi ?	من گلمه دیم می (آیا من نیامدم)
sən gəlmədinmi ?	سن گلمه دین می
o gəlmədimi ?	او گلمه دی می

۴-۱) حالت نفی سوالی گذشته دور :

mən gəlməmişəmmi ?	من گلمه میشم می
sən gəlməmişsənmi ?	سن گلمه میش سن می
o gəlməmişmi ?	او گلمه میش می

۳-۲) حالت نفی سوالی گذشته دورتر:

mən gəlməmişdimmi ?	من گلمه میشدیم می
sən gəlməmişdinmi ?	سن گلمه میشدین می
o gəlməmişdimi ?	او گلمه میشدی می

۳-۳) حالت نفی سوالی گذشته دور و دور :

mən gəlməmişmişəmmi ?	من گلمه میش میشم می؟
sən gəlməmişmişsənmi ?	سن گلمه میش میشسینیز می
o gəlməmişmişmi ?	او گلمه میش میش می

جمله سازی:

جمله که از تعدادی کلمه تشکیل می‌شود. جمله در زبان ترکی بسیار ساده می‌باشد، چرا که در زبان ترکی به اصول مشکل و پیچیده نیازی نیست، زیرا در صرف کلمات، پسوند تصریفی به خود کلمات پیوند می‌خورد و جابجا کردن آنها در جمله هیچ تغییری را در معنی نمیدهد، ولی می‌تواند از زیبایی جمله بکاهد.

در جمله سازی زبان ترکی، معمولاً فاعل و مفعول و بعد از آن کلماتی که برای نویسنده و یا گوینده مهمتر بنظر آید (و یا بخواهد گوینده کلمه ای را تاکید کند) به ترتیب بکار برده می‌شود. اکنون برای مثال، کلمات این جمله (احمد امروز به اینجا می‌آید.) را جابجا می‌کنیم:

- | | |
|-----------------------------|-----------------------------|
| Əhməd bu gün buraya gəlir. | (۱) احمد بۇ گون بۇرایا گلیر |
| bu gün Əhməd bu raya gəlir: | (۲) بۇ گون احمد بۇرایا گلیر |
| buraya gəlir Əhməd bu gün. | (۳) بۇرایا گلیر احمد بۇ گون |
| gəlir Əhməd bu gün buraya. | (۴) گلیر احمد بۇ گون بۇرایا |
| gəlir buraya Əhməd bu gün. | (۵) گلیر بۇرایا احمد بۇ گون |
| Əhməd buraya gəlir bu gün. | (۶) احمد بۇرایا گلیر بۇ گون |

توجه: - در جملات مذکور کلمات اولی که مهم بنظر می‌رسد.

- بنظر میرسد، جمله اولی و دومی زیبا تر از دیگر جملات می‌باشند، ولی همه آنها

بدرستی فهمیده می‌شوند.

- «بۇ» یعنی «این»، «بۇرا» یعنی «اینجا»، «بۇرایا» یعنی «به اینجا»

معنی می‌دهد.

- «بۇرایا» را در محاوره به شکل «بۇرا» نیز تلفظ می‌کنند.

صفت و بکارگیری آن در جمله :

صفت کلمه ای است که حالت و چگونگی اسم را بیان می کند. کلمه صفتی در زبان ترکی در جلو اسم قرار می گیرد .

– بخشی از کلماتی که در جملات ترکی به شکل صفت بکار گرفته می شوند ، به شکل زیر می باشند :

enli	ائئلی (آنلی)	=	پهن	böyük	بؤیوک	=	بزرگ
qısa	قیسا	=	کوتاه	kiçik	کیچیک	=	کوچک
nazik	اینجه (نازیک)	=	نازک	yekə	یئکه	=	گنده
yeni	یئنی	=	تازه	cıqılı	حیقیلی	=	ریز
gənc	گنج	=	جوان	gözəl	گؤزل	=	خوشگل
yaşlı	یاشلی	=	مسن	çirkin	چیرکین	=	بدگل
qoca	قوجا	=	پیر	qəşənk	قشنگ	=	قشنگ
səfeh	سئففیح	=	نادان	kifir	کیفیر	=	بدگل
körpə	کؤرپه	=	نابالغ	alçaq	آلچاق	=	کوتاه
dəli	دلی	=	دیوانه	uzun	اؤزون	=	دراز

– صفت نیز همانند سایر کلمات می تواند کلمه ساده ، ترکیبی و یا مرکب باشد. صفت

ساده از يك کلمه و صفت مرکب از دو و یا چند کلمه تشکیل می یابد. مثال :

صفت ساده ، کلمه ای است که با کلمات دیگر ترکیب نیافته باشد. مثال :

yaşıl ağaç یاشیل آغاچ درخت سبز .

boyaqsız duvar. بویاقسیز دؤوار . دیوار بدون رنگ .

yam yaşıl çəmən. یام یاشیل چمن . چمن سر سبز.

دامنه (کوه) بی اندازه سرسبز و زیبا . چۇخ گۆزل بیر یاماچ .

çox gözəl bir yamaç

صفت نسبی ، صفتی است که اهلیت و نسبت کسی و شیئی را بیان کند . این صفت به دو شکل صرف می شود :

(۱) به شکل ضمیر ملکی و

(۲) با کمک حرف « ی » اضافی :

– ضمیر ملکی : ستارخان بیزیم خالقیمیزین اوغلودور . = ستارخان فرزند خلق ما است .
səttarxan bizim xalqımızın oğludur .

ساوه نارى شیرین اۇلار . (انار ساوه شیرین می شود .) savə narı şirin olar .

بۇاڭاچ آلمانا آغاجى دیر . (این درخت ، درخت سیب است) . bu ağaç alma ağacidir .

صفت رتبه ای (مقام) :

صفت رتبه ای صفتی است که رتبه و مقام کسی و یا شیئی را بیان کند . مثال :

آب خنک = سرین سۇ sərin su

آدم پول دار = پۇللو (پۇل لى) آدم pullu (pullı) adam

صفت تشبیهی oxşar sifətlər :

صفتی است که نسبت مشبیهی را بیان کند . مثال : بۇ قیز دئییه سن چیچکدیر .

این دختر مثل يك (دسته) گل است . bu qız deyəsən çiçəkdir .

بۇ اوغلان پهلوان کیمی (گیبی) دیر . bu oğlan pəhləvan kimidir (gibidir) .

او قیز ائله بیل مارال دیر . o qız elə bil maraldır . ، آن دختر مثل آهوست .

صفت وصفی :

صفتی هست که کس و یا چیزی را توصیف و تعریف کند . مثال :

برگ سبز = یاشیل یارپاق yaşıl yarpaq ، کوه پربرف = قارلی داغ qarlı dağ

صفت برتری :

صفتی است که برتر بودن صفتی را به همشکل‌های خود بیان کند.

صفت برتری به سه نوع تقسیم میشود .

- الف) صفت مطلق

- ب) صفت تفصیلی

- ث) صفت عالی

a) صفت مطلق کلماتی امثال « یاخشی » (خوب) ، « پیس » (بد) ، « بؤیوک » (بزرگ) ، چیچیک و یا کیچیک (کوچک) و . . می‌باشند که در جملات به شکل زیر بکار گرفته می‌شوند. مثال :

این مرد آدم خوبی است = بۇ کیشی یاخشی آدام دیر . bu kişi yaxşı adamdır .

این دختر زیباست = بۇ قیز گۆزل دیر . bu qız gözəldir .

این کوه بزرگ است = بۇ داغ بؤیوک دور . bu dağ böyükdür .

b) صفت تفصیلی ،

بوسیله حرف اضافی « دان » (دن) ، که می‌تواند با کلمه « دها » ، « راق » و « لاپ » نیز همراه باشد ، ساخته می‌شود. مثال :

- حرف اضافی « دان » در جمله به اسم متصل شده و سپس کلمه صفتی بکار گرفته می‌شود :
این دختر بهتر از آن پسر درس می‌خواند . = بۇ قیز او اؤغلانندان یاخشی درس اوخویور .

bu qız o oğlardan yaxşı ders oxuyur .

- حرف اضافی « دها » جدا و بعد از حروف اضافی « دن » و ما قبل کلمه صفتی نوشته می‌شود :
انار از سیب شیرینتر می‌باشد . نار آلمادان دها شیرین اولار .

nar almadan daha şirin olar .

این کوه از کوه‌های دیگر بلندتر است . = بۇ داغ او بیرى داغلاردان دها اوچا دیر .

bu dağ o biri dağlardan daha ucadır .

- معمولاً در محاوره کلمه اضافی « راق » را صرف نمی‌کنند و بجای آن کلمه اضافی « لاپ » را بکار می‌برند . کلمه « راق » به شکل پسوند به صفت پیوند خورده و (با فعل ایملک) صرف می‌شود : این کوه از آن دیگری ها بلند تر است . بۇ داغ اۇبیری سی لردن اۇجاراقدیر .
bu dağ o birisilərdən ucaraqdır.

کلمه « لاپ » جدا نوشته شده و قبل از صفت بکار گرفته می‌شود. مثال :
این درخت خیلی بلندتر است . = بۇ آغاچ لاپ اۇجا دیر .
bu ağaç lap ucadır .
سهند داغی لاپ چوڭ اۇجا بیر داغدیر . = کوه سهند ، کوه خیلی بلندتری (بلندی) است .
səhənd dağı çox uca bir dağdır .
این چمن ، خیلی زیباتر از آن چمن است . = بۇ چیمن ، اۇ چیمندن گۆزل راقدیر .
bu çimən , o çiməndən (çəməndən) gözəlrəqdır .

- صفت عالی بوسیله حروف « آن ən » ساخته می‌شود :
حروف « آن » جدا از کلمه ما قبل خود و جلو صفت بکار گرفته می‌شود . برای ساختن صفت عالی می‌توان از کلمه « بیر » و چوڭ و ... نیز استفاده کرد . مثال :
سهند بزرگترین کوه آذربایجان است . = سهند آذربایجانین آن بۇیوک بیر داغدیر .
səhənd azərbaycanın ən böyük bir dağıdır .
بۇ ائو شهرین آن اۇجا (بیر) ائویدیر .
bu ev şəhərin ən uca (bir) evidir .

صفت تکراری

صفت تکراری صفتی هست که در جمله به اشکال مختلف تکرار می‌شود . مثال :
کوه خیلی خیلی بلند . = لاپ اۇجا بیر داغ .
lap uca bir dağ .
سفید سفید مثل برف . = آغ آپاغ قار کیمی .
ağ - apağ qar kimi .
همچون موی سیاه سیاه . = قاپ قارا ساچ کیمی .
qap - qara saç kimi .
(زیل قارا توك (ساچ) .)
zil qara tük (saç) .

۱) کلمات ربطی و بکارگیری آنها در جمله :

« ده » و « دا » « ده » *də* و « دا » *da* را در حالات مختلف مفعولی صرف کردیم . اکنون حروف « ده » ، « دا » با مفهوم جدیدی به شکل پسوند ربطی بکار گرفته می شود. مثال :

« سنده بیر کیتاب وار». « کیتاب سنده ده وار »، منده ده وار یعنی کتاب در پیش تو هست (در پیش تو) و در پیش من هم است.

هر چند که هر دو « ده » همشکل می باشند ، اما معنی آنها با هم فرق دارد. پسوند اولی معنی « در » (حالت مفعول با واسطه با حرف اضافی در) را داده و « ده » دومی معنی « هم » و یا « همچنین » را می دهد. « ده » اولی به کلمه ما قبل خود پیوند می خورد و « ده » دومی جدا از آن نوشته می شود. مثال :

من هم کتاب دارم. (در من هم کتاب است). منده ده کیتاب وار. *məndə də kitab var*
 تو هم قلم داری = سنده ده قلم وار . *səndə də qələm var* .
 حروف صدادار « ده » اولی و « ده » دومی وابسته به آخرین حرف صدادار کلمه ما قبل خود می باشد که هر دو آنها با هم ظاهر شده و به یک شکل (« ده » و یا « دا ») نوشته و خوانده می شود . مثال :

تو هم قلم داری من هم دارم = قلم سنده ده وار منده ده وار.

qələm səndə də var , məndə də var.

۱-۱) کلمه ای که آخرین حرف صدادار آن به آهنگ پائینی (*a , i , o , u*) ختم شود ،

(حروف اضافی « ده » با هماهنگی کوچک) به شکل زیر صرف می شود. مثال :

حرکت در آدم هم هست : حرکت آدامدا دا وار. *hərəkət adamda da var*

حرکت در نور هم هست : حرکت ایشیقدا دا وار: *hərəkət ışığda da var*

حرکت در آتش هم هست : حرکت اؤددا دا وار. *hərəkət odda da var*

حرکت در نور هم هست : حرکت نورددا دا وار. *hərəkət nurda da var*

۱-۲) کلمه ای که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی (ə , e , i , ö , ü) است :

حرکت در اکبر هم هست : حرکت اکبر ده ده وار. *hərəkət Əkbərdə də var*
 حرکت در زمین هم هست : حرکت یئر ده ده وار. *hərəkət yerdə də var*
 حرکت در علی هم هست : حرکت علی ده ده وار. *hərəkət Əlidə də var*
 حرکت در چشم هم هست: حرکت گۆزده ده وار. *hərəkət gözdə də var*
 حرکت در گاو هم هست : حرکت اؤگوزده ده وار. *hərəkət oküzdə də var*

ایله (با) : ایله از کلمه ما قبل خود جدا نوشته می شود. مثال:

کتاب ایله قلم *kitab ilə qələm* (کتاب با قلم) ،

حسن ایله آدی گوزل *Həsən ilə Adıqözəl* ، یاشار ایله احمد *Yaşar ilə Əhmər*.

– در موارد زیادی کلمه « ایله » را به شکل « له » مخفف کرده و به کلمات مختلف دیگر پیوند می زنند . در پیوند مذکور حرف صدادار « له » استقلال خود را از دست داده و وابسته به آخرین حرف صدادار کلمه ما قبل خود می شود و با هماهنگی کوچک (له و لا) بکار گرفته می شود. مثال :

حسن له تۇران *Həsən,lə Turan*

تۇران لا حسن *Turan,la Həsən*

یاشار لا حسین *Yaşar,la Hüseyin*

بایرام لا رسول *Bayram,la Rəsül*

– اگر آخرین حرف کلمه ای صدادار باشد ، بین آن و پسوند (له ، لا) يك Y تکمیلی اضافه می شود. مثال :

لاله یله احمد *Lal,ylə Əhməd* (لاله با احمد) ،

گمی یله علی *gəmi,ylə Əli* (کشتی با علی) ،

علی گمی له گتدی *Əli gəmi,ylə gətđi* علی با کشتی رفت . و ...

– در محاوره بجای کلمه ربطی « له » یا « لا » از حروف اضافی inən نیز

استفاده می‌شود. مثال :

Əhməd,inən Rəsül | احمد یئن رسول . (احمد با رسول)

در بکارگیری حروف « i nən » اولین حرف صدادار آن را با هماهنگی بزرگ (i , ı , ü , u) و آخرین حرف صدادار آن (in ə n) را با هماهنگی کوچک (ə , a) بکار می‌گیرند :

Yaşar,inən Həsən | یاشار ینان حسن ، həsən,inən Əli | حسن یئن علی .

Nəaser ,inən Vəli | ناصر ینن ولی (ناصر با ولی)

quş,unan toyuq | قۇشونان تۇيوق (پرنده با مرغ)

süt ,ünən pənim | سوتونن پَئیر (شیر با پنیر)

it, inən pişik | ایت ینن پیشیک (سگ با گربه)

camış , inən öküz | جامیش ینان اؤکوز (گاومیش با گاو)

öküz , ünən camış | اؤکوزونن جامیش (گاو با گاومیش)

همده : həm də | حسن همده حسین بۇ قیزا وۇرولوبلار

Həsən həm də Hüseyin bu qıza vurulublar.

و , və : | حسن و حسین مدرسه یه گئدیرلر. Həsən və Hüseyin mədrəsəyə gedirlər.

کی : | من اورکدن ایسته بیرم کی سن بخته ور اولاسان .

mən ürəkdən istəyirəm ki , sən bəxtəvər olasan .

برابر = barabar , bərabər | حسین ایله حسن برابر کیتاب اؤخویورلار .

Hüseyin ilə Həsən bərabər (barabar) kitab oxuyur (lar)

چونکی , çünki

من غذا یئمیرم چونکی یئمیشم. | mən yemək yemirəm , çünki yemişəm .

(mən ğəza yemirəm , çünki yemişəm.)

ھابلە , habelə : من بىر گرە (دفعە) دئمىشتم ، ھابلە يىنە (گىنە) دئىيرم
 mən bir dəfə demişəm , habelə yenə (ginə) deyirəm .

ھا بلە سىزىن قۇللوغونوزا [بە حضورتان] عرض ائدیرم
 habelə sizin qulluğunuza ərz edirəm .

ھمچىن ، həmçinin

ھمچىن سىزىن قۇللوغونوزدا حاضىرام . həmçinin sizin qulluğunuz da hazıram.
 اونا گۆرە : من بۇ سۆزى بىر گرە (دفعە) دئدیم ، اونا گۆرە داھى دئمىرم (سۆيىلە مىرم) .
 mən bu sözü (sözi) bir dəfə (gərə) dedim, ona görə daha demirəm.

اىب (و) ib mən bu kitabı alıb , pulunuda vermişəm.

من بۇ كىتابى آلىب ، پۇلونودا وئرمىشتم . (من اين كتاب را خريده و پولش را هم داده ام .)

گىبى gibi (« كىمى kimi ») : على ده سنين گىبى

(كىمى) ياخشى آدام دىر . Əli də sən (kimi) gibi yaxşı adamdır .

(Əli də sən kimi yaxşı adamdır.)

آنچاق ancaq : بۇندان آرتىق ، آنچاق منىم الیمدن داھى بىر ایش گلیمىر .

bundan artıq , ancaq mənim əlimdən də (daha) bir iş gəlmir.

جە ، ca

اۇندا مىليونلارچا تۇمن پۇل وار . onda milyonlarca tımən pul var .

حەلە hələ : گون باتدى من حەلە بۇ ایشى قۇرتارما دىم .

gün batdı mən hələ bu işi qurtarmadım .

حەلىك hələlik

سن گىت ، من حەلىك بۇرادا قالىرام . sən get mən hələlik burada qalırım .

اۆترو ötrü

من بۇ ایشى سن دن اۆترو گۆردوم . mən bu işi səndən ötrü gördüm .

mənim ürəyim balamdan ötrü çalır . مەنیم اورییم بالام دان اۆترو چالیر .
 اۇنا گۆرە : ona görə : من یۇرقونام ، اۇنا گۆرە بیر قهوه ایچیرم .
 mən yorqunam , ona görə bir qəhvə içirəm .

مەنیم بۇرجوم وار ، اۇنا گۆرە من گرك چۇخ ايشله يم .
 mənim borcum var , ona görə mən gərək çox işləyəm .

بۇنا گۆرە : buna görə : من بۇنا گۆرە چۇخ ايشله ييرم كى ، بۇرجوم وار .
 mən buna görə çox işləyirəm ki , borcum var .

اۇنون اوچون : مەنیم بۇرجوم وار ، اۇنون اوچون گرك چۇخ ايشله يم .
 mənim borcum var , onun üçün gərək çox işləyəm .

ایله , ilə (با) : حسین ایله حسن کیتاب اۇخویورلار .
 Hüseyin ilə Həsən kitab oxuyurlar .

له ، لا la , la (با) : من تیرنله (قطار لا) گلیرم
 mən tirenlə (qatarla) gəlirəm .

من اۇچاقلا (طیاره ایله) گلیرم .
 mən uçaqla (təyyarə ilə) gəlirəm .
 کیمی kimi (گیبی gibi)

کلمه ربطی و تشبیهی « کیمی » معنی « مانند » ، « مثل » ، « همچون » و « همانا » را
 میدهد. (کیمی معنی چه کسی نیز میدهد. کلمه « کیمی kimi » را در کتب قدیم « گیبی gibi » نیز نوشته اند.)

کلمه ربطی « کیمی » در جملات زیر « را بط تشبیهی » را بیان می کند. مثال :
 - علی زبان ترکی را همچون (مثل) یک ترک حرف میزند .

علی تور کجه ، تورک کیمی (گیبی) دانیشیر .
 Əli türkcə , türk kimi danışır .

احمد فارسی را ، مثل یک فارس حرف میزند. = احمد فارسجا ، فارس گیبی (کیمی)

دانیشیر .
 Əhməd farsca , fars gibi (kimi) danışır .

- لاله همچون یک ترک ، ترکی حرف میزند. = لاله تورک کیمی تور کجه دانیشیر .

Lalə türk kimi türkcə danışır .

حسین بقدر يك انگلیسی زبان انگلیسی میداند . = حسین اینگیلسلی کیمی اینگیلسجه بیلیر .

Hüsəyn inglisli kimi ingliscə bilir .

ائله بیل **elə bil** ،

« ائله بیل » معنی « همچون » ، « مثل » ، « چنان » (چنان بدان) را میدهد . احمد

انگلیسی را خیلی خوب مثل يك انگلیسی حرف میزند .

احمد انگلیسجه چوخ گۆزل دانیشیر، ائله بیل کی اینگیلسلی دیر .

Əhməd ingiliscə çox gözəl danışır, elə bil ki ingilislidir.

او به زبان آلمانی طوری خوب حرف میزند گو اینکه او آلمانی است. او آلمانجا ائله گۆزل

دانیشیر کی ائله بیل آلمانلی دیر . o almanca elə gözəl danışır ki, elə bil almanlıdır .

تشبیهه قیافه :

بۇ اوغلان دده سینه بنزییر ، او را باخ یئرشیی ده ائله بیل کی دده سی دیر .

bu oğlan dədəsinə bənzəyir , ora bax yerışı də elə bil ki , dədəsidir .

تشبیهه صدا : او قیز ننه سی کیمی دانیشیر ، ائله بیل کی ، او ، ننه سی دیر .

o qız nənəsi kimi danışır , elə bil ki , o , nənəsidir .

داهی و داها **dahı , daha** : من يك کیلوی دیگر میوه میخوام .

من داهی بیر گیلو میوه ایسته بیرم . mən dahı (daha) bir kilo meyvə istəyirəm .

من چیز دیگری نمی خواهم . من داهی بیرشیی ایسته میرم . mən dahı bir şey istəmirəm .

نه دئمک **nə demək** : این کلمه به انگلیسی چه معنی میدهد ؟

بۇ سۆزه اینگیلسجه نه دئمک ؟ bu sözə ingiliscə nə demək ?

– این کار توخیلی بد است ، من نمی دانم اسم آن را چه بگذارم . = سنین بۇ ایشین

چوخ پیسیدیر من بیلیمیرم بۇنا نه دئیک . sənin bu işin çox pisdir , mən .

bilmirəm buna nə deyək(demək) .

گینه **ginə** (یئنه) = (باز)

باز برف می بارد . = گینه قار یاغیر .
 مجدداً هوا سرد شد . = گینه هاوا سوْیوق اولدو .
ginə hava soyuq oldu .

آما **amma** (اما)

من بزبان ترکی خوب حرف میزنم ، اما بزبان فارسی نمی توانم خوب حرف بزنم . =
 من تورکجه یاخشی دانیشیرام ، آما (اما) فارسجا یاخشی دانیشا بیلیمیرم .
mən türkcə yaxşı danışıram , amma farsca yaxşı danışa bilmirəm .
 تو غذا نداری اما اشتها داری . = سن ده یئمک یؤخدور آما ایشتاها وار .
səndə yemək yoxdur , amma iştaha var .

من اؤنا دئدیم آما او ائشیت مه دی .
mən ona dedim , amma o eşitmədi .
 و یا **və ya** : من می خواهم یک کت و یا یک پالتو بخرم . = من ایسته بیرم بیر کت و یا
 بیر پالتو آلام .
mən istəyirəm bir kot (pəncək) və ya bir palto alam .

او می خواهد زبان انگلیسی و یا زبان فرانسوی یاد بگیرد . = او انگلیسجه و یا
 فرانساجا اؤرنمک ایسته بیر .
o ingiliscə və ya fransızca öyrənmək istəyir .
 یادا **ya da** : او می خواهد انگلیسی و یا اینکه فرانسوی یاد بگیرد . او ایسته بیر
 اینگلیسجه یا دا فرانساجا (فرانسیزجا) اؤرنه .

o istəyir ingiliscə ya da fransızca (fəransaca) öyrənə .
 یاداکی **ya da ki** : من می خواهم زبان آلمانی و یا اینکه زبان انگلیسی یاد بگیرم .
 من ایسته بیرم آلمانجا یا داکی انگلیسجه اؤرنم .

mən istəyirəm almanca ya da ki ingiliscə öyrənəm .
 حلّه **hələ** : او سنی (مسن نیست) ندارد و هنوز به مدرسه میرود . او یاشلی دئگیل
 حلّه مدرسه یه گئدیر .
o yaşlı deyil , hələ mədrəsəyə gedir .
 او جوان دیر حلّه ائولن مه ییب .
o cəvandır hələ , evlənməyib .

حله ليك hələlik ،

من در اینجا کار می‌کنم و هنوز امکان رفتن برایم نیست . من بۇرادا ایشله بیرم ، حله ليك گئتمه یه ایمکانیم یۇخدور .
mən burada işləyirəm, hələlik getməyə imkanım yoxdur. .
 سن گئت من حله ليك بۇرادایام .
sən get , mən hələlik buradayam.

یئرین yerin : اگر من بجای تو بودم در اینجا کار نمی‌کردم . من سنین یئرین ده اولسايدیم بۇرادا ایشله مزديم .
mən sənin yerində olsaydım burada işləməzdim .
بری bəri : من مدت پنج روز است که در اینجا هستم . من بئش گوندن بری بۇرادایام .
mən beş gündən bəri buradayam .

تو از چهارم برج تا کنون در اینجا هستی . سن آیین دۇر (دوردوندن) توندن بری (به صرف دوگانه افعال در صفحه توجه شود) . بۇرادا سان .

sən ayın dördündən (dördündən) bəri buradasan.
بۇیان buyan : من در این قسمت شهر زندگی میکنم . من شهرین بۇیانیندا یاشایارام (اۇتورورام) .
ən şəhərin bu yanında yaşayaram (otururam) .

ما در این طرف کوه زندگی می‌کنیم و ایشان در آن طرف کوه . بیز داغین بۇیانیندا و اۇنلار اۇیانیندا یاشایاریق .
biz dağın bu yanında və onlar oyanında yaşayarıq.

ایکن ikən : ایکن ، به تنهائی معنائی ندارد ، ولی هر وقت بعد از فعل و یا صفتی بیان شود ، معنی « درعین حال » را بخود می‌گیرد . مثال : من هر وقت خسته می‌شوم قهوه می‌نوشم . = من یۇرقون ایکن قهوه ایچرم .
mən yorqun ikən qəhvə içərəm .
 من دیروز درعین حالی که غذا می‌خوردم به تلویزیون نیزنگاه می‌کردم .
 من دونن یئمک یئیرکن تلویزیونا دا باخیردیم .

mən dünən yemək yeyərkən televiz(ora)ıona da baxırdım.

من آن زمانی که شما را نمی‌شناختم به خانه شما نمی‌آمدم . من سیزی تانی مازکن ائوینیزه گلمزدیم .
mən sizi tanımazkən evinizə gəlməzdim.

وقتی که من بخانه شما می‌آمدم برف می‌بارید . = من سیزین ائوه گلیرکن قار یاغیردی .

mən sizin evə gəlirkən qar yağırdı.

آنچاق ancaq: من اگر می دانستم که او دروغگوست ، با او دوست نمی شدم. من بیلسیدیم

کی، او یالانچی دیر، اؤنونلا آنچاق یۇلداش اولمازدیم. mən bilsəydim ki, o yalançıdır. onunla ancaq yoldaş olmazdım.

در عین حالی که من آمدم او رفت . آنچاق من گلنده او گئدی .

ancaq mən gələndə , o getdi.

تا آن حدی که می دانستم گفتم . آنچاق بیلیدییم جه دئدیم. ancaq bildiyimcə dedim.

منیم آنچاق یئممه یه واختیم (وقت) یوخ دور. (من اکنون برای خوردن وقت ندارم.)

کی ki: کتابی را که تو داری از کتاب من بهتر است.

səndəki kitab məndəkindən yaxşıdır. سنده کی کیتاب من ده کیندن یاخشیدیر. ماشینی که آنها دارند از ماشین ما گرانتر است. اؤنلارداکی ماشین بیزده کیندن باهالی دیر.

onlardakı maşın bizdəkindən bahalıdır.

- توجه شود که کلمه «کی» را می توان با ضمائر شخصی و اضافه ملکی پیوند داده و کلمه ترکیبی جدیدی بوجود آورد. مثل :

منیمکی mənimki ، (آنکه مال من است) سنینکی səninki (آن که مال تو است) و... با وجودی که حرف صدادار «کی» وابسته به آخرین حرف صدادار کلمه ما قبل خود می باشد و با هماهنگی بزرگ صرف می شود (مثل : کی ، کو ki , kɪ , kü , ku) ولی آن را در موارد زیادی به شکل «کی ki» بکار می برند . برای مثال کلمه «کی» که به شکل پسوند با ضمیر شخصی و اضافه ملکی ترکیب یافته توجه کنید :

منیمکی mənimki (آنکه مال من است)	بیزیمکی bizimki (آنکه مال ما است)
سنینکی səninki (آنکه مال تو است)	سیزینکی sizinki (آنکه مال شما است)
اؤنونکی onunki (آنکه مال او است)	اؤنلارینکی onlarınki (آنکه مال آنها است)

- از اینکه آخرین حرف کلمه ترکیبی مذکور صدادار است در حالت تصریفی بخود یک

« n » می گیرد.

کلمه ترکیبی « منیمکی » به شکل زیر در حالت تصریفی صرف می شود:

حالت فاعلیت	منیم کی	mənimki (مال من)
حالت مفعول با واسطه « به »	منیم کینه	mənimkinə (به مال من)
حالت مفعول با واسطه با حرف اضافی « در »	منیم کینده	mənimkində (در مال من)
حالت مفعول با واسطه با حرف اضافی « از »	منیم کیندن	mənimkindən (از مال من)
حالت مفعول بی واسطه « را »	منیم کینی	mənimkini (مال مرا)
اضافه ملکی	منیم کینین	mənimkinin (مال مال من)

yoxsa یوخسا : من سنه دئدیم کی واختیم یوخدور ، یوخسا ائشیدمه دین می ؟
(من به تو گفتم که وقت ندارم ، مگر نشنیدی ؟)

mən sənə dedim ki vaxtım yoxdur , yoxsa eşitmədinmi ?

eyni عینی : سنین ماشینین عینی بۇ ماشین دیر. (ماشین تو عین همین ماشین است.)
sənin maşının eyni bu maşındır.

sankı سانکی : علی منی گۆردو سلام (سلام) وئرمه دی ، سانکی منی تانیمیر.
(علی مرا دید سلام نکرد گو اینکه مرا نمی شناسد.)

Əli mənı gördü, salam (səlam) vermədi,sankı mənı tanımır.

başqa باشقا : (باشقا [دیگر ، بجز این] باشقاسی [دیگری ، بجز این یکی])
علی منی گۆردو سلام (سلام) وئرمه دی ، بۇنون بیر باشقا معناسی وار.
(علی مرا دید و سلام نکرد ، این دیگر معنی بخصوصی دارد.)

Əli mənı gördü,salam (səlam) v ermədi , bunun bir başqa mənasıvar.

özgə اؤزگه – دیگری ، کس دیگری :

بۇکیتاب منیم دئگیل ، اؤزگه بیر آدامین دیر. (این کتاب مال من نیست ، بلکه مال

bu kitab mənim deyil , özgə bir adamındır . کس دیگری است.)

بۇ بى بəy اۆزگه دئگیل منیم قارداشیم دیر. (این آقا کس دیگری نیست برادر
من است .) bu bəy özgə deyil , mənim qardaşımdır.

- علامت مخصوص زبان (جه ، جا ، cə , ca)

حروف اضافی « جه cə » و « جا ca » به شکل پسوند به « نام » خلقها و کشورها و مناطق مختلف پیوند می خورد و آنرا به نام زبان آن خلق و کشور تبدیل می کند. مثال :

فارسی	ترکی	فارسی	ترکی
ترک =	türk	زبان ترکی —	türkcə تورکجه
فارس =	fars	زبان فارسی —	farsca فارسجا
ترکمن =	türkmən	زبان ترکمنی —	türkməncə تورکمنجه
عرب =	ərəb	زبان عربی —	ərəbcə عربجه
روس =	rus	زبان روسی —	rusca روسجا
آرمنی =	erməni	زبان ارمنی —	ermənicə ائرمنیجه
یونان =	yunan	زبان یونانی —	yunanca یونانجا
چین =	çin	زبان چینی —	çincə چینجه

- اگر اسم ملیت و زبان و یا مملکت همشکل باشد می توان بجای « جه » و « جا » به آن اسم « دیلی » (زبان او) نیز افزود. مثال :

کره = کُره یا koreya ، کره یا دیلی koreya dili

ژاپن = ژاپن japon ، ژاپن دیلی japon dili

در برخی موارد نام زبانها ، به همان شکل که از زبانهای دیگر گرفته شده نیز تلفظ می شود. مثال :

بجای انگلیسجه میگویند اقیلتر . بعضی از با سوادهایمان نیز آنها را به شکل زبان فارسی بکار می گیرند :

انگلیسی بجای انگلیسجه ، یونانی بجای یونانجا و ترکی بجای تورکجه و ...

جه و (له) cə , ca (lə)

mən günlərlə səni gözlədim . من روزها مراقب تو بودم. من گونلرله سنی گؤزله دیم .
من روزها چشم براه بودم .

mənim gözüm günlər(lə)cə yoldaydı . منیم گؤزوم گونلرله (جه) یۆلدایدی :

مادر برای فرزندش يك عالم آرزو دارد. آنانین بالاسی اوچون بیر جه عالم آرزوسو وار.

ananın balası üçün bircə aləm arzüsü var.

جه و جا cə və ca : منیم تۆیوما اؤنلارجا آدم گله جك . (به عروسی من ده ها

mənim toyuma onlarca adam gələcek (lər) . نفرخواهند آمد.)

جان ، جن can, cən ،

این اتوبوس از تهران تا به تبریز میرود. = بۇ اتوبوس تهراندان تبریزه جان(جن) گئدیر.

bu avtobus (otobus) təhrandan təbrizəcən gedir .

من شبها تا ساعت ده مشغول کار هستم .

mən gecələr saat onacan işlərəm .(م. ایشله یه ر.م.)

۱) کلمات قیدی و بکارگیری آنها در جمله :

هامی سی hamısı

بۇ آلمالار ، هامی سی یتملی دیر (لر). (همه [کلاً] این سیب ها خوردنی هستند.)

bu almalar hamısı yeməlidir. (lər)

یوخ ، بۇنلارین هامی سی خراب دیر (لر). (نه خیر همه اینها خراب هستند.)

yox , bunların hamısı xarabdir (lər) .

بوتوو bütöv : بۇ آلمالار بوتوو خراب اولوب (لار). (کل این سیب ها

خراب شده است. bu almalar bütöv xarab olub (lar).

من بوتوو بۇ آلمالاری آماق ایسته بیرم . (من میخوام کل این سیبها را بخرم.)

mən bütöv bu almaları almaq istəyirəm .

بوتون bütün : بۇ قارپیز کسپیل مه ییب ، بوتون دور . (این هندوانه

بریده نشده و سالم است . bu qarpız kəsilməyib , bütündür .

من بوتون بیر چای نیک چایی ایچدیم . (من یک قوری کامل چای را نوشیدم.)

mən bütün bir çaynık çayı içdim .

داکی daki (دکی daki) : حروف اضافی قیدی (دکی، داکي) به تنهائی معنی ندارند ولی اگر

به دنبال اسمی بیابند معنی دار میشوند. معنی آن به فارسی « در اینجائی » و یا « در آنجائی »

می باشد. مثال: خیابانداکی آغاچ چوخ بؤیوک دور. (درختی که در خیابان است خیلی

بزرگ است . xıyabandakı ağaç çox böyükdür .

کۆلده کی چیچکلر چوخ گۆزلدیر (لر). (گلھائی که در بوته گل است خیلی

زیباست. köldəki çiçəklər çox qözəldir (lər) .

آغاچ داکي یارپاقلار یاشیل دیر. (برگھائی که روی درخت است سبز می باشند.)

ağaçdakı yarpaqlar yaşıldır(lər).

یالقیز yalqiz : او قوش یالقیزدیر . (آن پرنده تنهاست ، یار

ندارد.) بۇ کیشینین قادینی اولدو و او یالقیز قالیدیر . (خانم این آقا فوت کرده و او تنها

bu kişinin qadını öldü (öldi) və o yalnız qalıbdır . (مانده است.)

تک **tək** : او قادين کيشيسي اولدو و او تک قاليدير.(شوهراَن خانم مرد و او

تنها مانده است.) o qadının kişisi öldü(öldi) və o tək qalıbdır.

اولراق **olaraq** : سن صينيفده (کلاسدا) بيرينجي اولراق هديه آلدین.

وقتي که تو در کلاس شاگرد اول شدی جايزه گرفتی.

sən sinifdə(klasda) birinci olaraq hədiyyə aldın.

داهي **(daha) dahı** : ساعت سککيزدير گئچ اولوبدور ، من داهي صينيفه (کلاس)

گئدميرم (ساعت هشت است و دير شده است ديگر من به کلاس نمی روم.)

saat səkkizdir, geçdir,mən daha sinifə (kilasa) getmirəm.

من داهي او مسئله يه فيکير ائتميرم . (من ديگر به آن مسئله فکر نمی کنم.)

mən dahı (daha) o məsələyə fikir etmirəm.

دئيه سن **deyəsən** :

bu itə bax , deyəsən fildir. بۇ ايتته باخ ، دئيه سن فيل دير.

hava xarab olur,deyəsən yağacaq . هوا خراب اولور، دئيه سن ياغاجاق .

چوخدان **çoxdan** : من چوخدان دير كي بۇرادا ياشايرام. (من خيلى وقت است

mən çoxdandırkı burada yaşayıram . که در اینجا زندگی میکنم.)

بئله **belə** : سن هئچ بير ايش ده جيددى دئگيل سن ، بئله اولماز. (تو در هيچ كاري

جدى نيستى ، اينطوري نميشود.) . sən heç bir işdə ciddi deyilsən ,belə olmaz .

جيددى اول ، بۇايش بئله بۇيا – باشا چاتماز . (جدى باش اين كار به اين شكل سرانجامي

ciddi ol , bu iş belə boya--başə çatmaz. ندارد.)

اوشاقلار سؤزه باخميرلار(سؤز ائشيدميرلر)بئله بير او يون اولماز(بچه ها گوش شنوائى ندارند

اينطوري (مسخره بازى) نمی شود.) uşaqqlar heç bir sözə baxmırlar.

(söz eşitmirlər) belə bir oyun olmaz.)

هابئەمە habelə : هابئەمە سىزىن خىدمىتى نىزە عرض ائىلە يىم كى. (اين چىنن بىخدمت شما عرض كنىم كە..)
habelə sizin xidmətinizə ərz eyləyimki.

هابئەمە سىزىن قۇلۇغونوزدا عرض ائىددىم كى.. (ھمچىنن در حضور شما عرض كردم كە..)

habelə sizin qulluğunuzda ərz eddim ki...

قيود تايىدى : دوز düz (راست ، درست) دۇغرى ، دۇغرو (صحيح)
 dođru (dođru) هنى (حنى) hən (بلى همان است كە گفتى). هە hə (بلى اين چىنن است) اۇجوردور o cürdür (آنطورى است) بۇجوردور bu cürdür (اينطورى است) ، وار var (هست). اۆد əvəd (بلى) [« اۆد » امروزه صرف نمى شود .]
اۇغروندا : آنا بالالارى اۇغروندا اۆز جانيندان دا گىچدى (مادر بخاطر فرزندان خود از جان خود نيز دريغ نكرد .)
ana balaları uğrunda öz canından da geçdi.

۳) قيد تشبیهى : təşbih (oxşar) qəydi

بۇجور : بوجور اۆلماز. bu cür olmaz (اين شكلى نمىشود)
اۇجور : اۇجور بىر شىي اۆلماز. o cür bir şey olmaz (چىزى به آن شكلى نمى شود)
بۇنجا : بۇنجا بىر يالان اۆلماز. bunca bir yalan olmaz (دروغ به اين بزرگى نمى شود)
بەلە : بەلە بىر يالان اۆلماز : belə bir yalan olmaz (به مثل اين دروغ نمى شود .)
اۇنجا : منده اۇنجا باجارق اۆلماز. mändə onca bacaraq olmaz.

(تجربه [توانائى] من به اندازه او نمى شود)

كىمى : من اۇنون كىمى باجارقلى دىگىلم. mən onun kimi bacaraqli deyiləm.
 منىم باشارىغىم سىنكى كىمى اۆلماز. mənim başarığım səninki kimi olmaz.

(توانائى [كارائى] من مثل تو نمى شود .)

۶) قيد استثناء istisna qəydi

اۇ بىرىسى o birisi [o biri] (آن ديگرى)

اىرىسى ayrısı (آن يكى ، بغير از اين)

مگر (mägər) māyər (مگر)

یۇخسا yoxsa : (وگرنه ، اگر نباشد ، در غیر اینصورت)

۷) قید نفی : inkar qeydi

مه mā ، ما ma ، مز mēz و ماز maz

یۇخ yox [یۇ yo] (نیست ، موجود نبودن)

دئگیل deyil (نیست ، نمی باشد)

سیز siz , siz ، سۇز sūz , suz (سۇسوز [تشنه] ، پولسوز [بی پول])

هئچ heç = hiç (هئچ) ، هئچ واخت hæçvaxt (هئچ وقت)

۸) قید تمنا و آرزویی arzu və tәмәnna qeydi

ککشکه kəşkə (ای کاش) [کاشکی kaş ki] نه اؤلا nə ola (ای کاش) ،

بیر اؤلا bir ola (کاش) ، آل لاه ائله یه (ائده ، edə) ، allah eləyə (خدا کند)

۹) قیود تکراری : tәkrar qeydi

یام یاواش yam - yavaş ، یاواش یاواش yavaş - yavaş (یاواش یاواش)

تئز تئز tez - tez (زود زود) ، بام بالا bam - bala (ریز و ریز ، کوچک)

یام یاوشیل yam - yaşıl ، یاوشیل یاوشیل yaşıl - yaşıl (سر سبز)

قۇشا قۇشا qoşa-qoşa quşlar (پرندهگان جفت جفت)

بالا بالا bala-bala balalar (بچه های ریز و ریز ، زیبا)

یعم یئیین ، یام یاواش ، قارن قولوخ ، قام قارانلیق ، گوؤم گونش ، ...

۱. حرف اضافی « ن » ، « کی » و « لیک »

در جمله به مفهوم صفت وصفی بکار گرفته می شود :

« ن » ایندینین indinin (مال کنونی) ، دونه نین dünənin (مال دیروز)

« ن » همراه « کی » : دونن کی dünəнки (مال دیروز [دیروزی])

دونن كينين *dünənkinin* (آنكه مال ديروز [ديروزی] است)
 ليك : كئچن ايل ليك *keçən illik* (آنچه كه مال سال قبل است ، پارسالی)
 گلن ايل ليك *gələn illik* (آنچه كه مال سال آینده است .)

۱۲) قيد زمانی *zaman geydi*

قيد زمانی به كلمه ای گفته میشود كه زمان و وقت معینی را مشخص و بیان كند . مثال :

الان = ايندی *indi* ، بعد = سونرا *sonra*
 همیشه – همیشه *həmişə* ، حالا = شيمدی *şimdi*
 « شيمدی » اکنون در محاوره بكار گرفته نمی شود ولی در كتب قدیمی صرف شده است .

زود = تئز *tez*
 دير = گئج *gec*
 چه وقت = (نه واخت) ؟ *nə vaxt*
 تاجه وقت = نه واختاجان ؟ *nə vaxtacan*
 چه وقت = هاچان ؟ *haçan*

۱۳) قيد مکانی *məkan qəydi*

قيد مکانی كلمه ای است كه بر مکان معینی دلالت كند . مثال :

اينجا = بۇرا *bura* ، آنجا = اۇرا *ora*
 بالا = اوست *üst* ، پائين = آلت *alt* (آشاغا *aşağa*)
 جلو = قاباق *(on) qabaq* ، عقب = دالی *dalı* (آرخا *arxa*)
 پيش = بری *bəri* ، کنار = کنار *kənar*
 بيرون = ائشيك *eşik* ، تو = ايچری *içəri*
 آنطرف = اۇيان *oyan* ، اين طرف – بۇيان *buyan*
 آن طرف = اۇ طرف *otərəf* ، اينطرف = بۇ طرف *butərəf*

۱۴) حروف اضافی « لی » (*li*):

حروف اضافی « لی » به شکل پسوند به کلمات سوالی « نه ره » (کجا) ، « نه یئر » (کجا) و « هارا » (کجا) پیوند خورده و کلمات جدیدی به شکل « نه یئرلی » ، « نه ره لی » و « هارالی » (اهل کجائی) ساخته می شود .

حرف صدادار « لی » تابع آخرین حرف صدادار کلمه ما قبل خود می باشد و در نتیجه در صرف به شکل « لو » ، « لی » (, lu , lü , li . il هماهنگی بزرگ) در می آید .

« هارالی » ، « نه ره لی » و « نه یئرلی » مفهومی همچون « اهل کجائی » و « زا دگاه تو کجاست » را دارد . حروف اضافی « لی » همچنین در جواب کلمات سوالی فوق نیز بکار گرفته می شود . مثال :

سؤال : تو اهل کجا هستی ؟ سن نه یئرلی سن ؟ sən nə yerlisən (sən nəralisən ?)

تو اهل کجا هستی ؟ (sən haralisən سن هارالی سان)

جواب : من باکی لی یام mən bakılıyam ، من تبریزی یام mən təbrizliyəm

من تهرانلی یام tehranlıyam ، من آذربایجانلی یام mən azərbaycanlıyam

۱-۱۴) حرف اضافی « لی » به شکل زیر صرف می شود : (هارالی)

من هارالی یام mən haralıyam ؟ (من اهل کجا هستم ؟)

سن هارالی سان sən haralisən ؟ (تو اهل کجا هستی ؟)

او هارالی دیر o haralıdır ؟

بیز هارالی بیق biz haralıyıq ؟

سیز هارالی سینیز siz haralısınız ؟

اونلار هارالی دیرلار onlar haralıdır (lar) ؟

۲-۱۴) نه ره لی (نه زلی)

من نه ره لی یام mən nəralıyəm ؟ (من اهل کجا هستم)

سن نه ره لی سن sən nəralısən ؟

او نه ره لی دیر o nəralıdır ؟

بیز نه ره لی ییک ? biz nərəliyik ?

سیز نه ره لی سینیز ? siz nərəlisiniz ?

اؤنلار نه ره لی دیرلر ? onlar nərəlidir (lər) ?

۱۳-۳) نه یئرلی nə yerli

من نه یئرلی یم mən nə yerliyəm ? (من اهل کجا هستم)

سن نه یئرلی سن sən nə yerlisən ?

او نه یئرلی دیر o nə yerlidir ?

- بیز نه یئرلی ییک ، سیز نه یئرلی سینیز ، اؤنلار نه یئرلی دیرلر

۱۳-۴) حروف اضافی «لی» در جواب سؤال ، شما اهل کجا هستید ؟ به اسامی شهرها نیز

پیوند خورده و به شکل زیر صرف می شود. مثال :

من تبریزی هستم ، یا من اهل تبریز هستم: (به شهر تبریز ، « تبریز tərbiz » نیز می گویند.)

من تبریزی یم mən təbrizliyəm . (من اهل تبریز هستم)

سن تبریزی سن sən təbrizlisən .

او تبریزی دیر o təbrizlidir .

بیز تبریزی ییک biz təbrizliyik .

سیز تبریزی سینیز siz təbrizlisiniz .

اؤنلار تبریزی دیرلر onlar təbrizlidir (lər)

۱۳-۵) بجای اسامی شهرها ، می توان اسامی کشورها و .. را نیز بکار برد . مثلا در جواب

سوال « شما اهل کجا هستید » گفته می شود. مثال :

من یونانی یم mən yunanliyam (من اهل یونان هستم)

سن افغانستانلی سن sən əfğanistanlısan (تو اهل افغانستان هستی)

او آمریکالی دیر o amerikalıdır (amerikalıdır)

بیز ایرانی ییق biz iranlıyıq

(hendistanlıdır)	siz	hidustanlısınız	سبز هندوستانلی سینیز
	onlar	misirlidir (lər)	اونلار میصیرلی دیرلر
(şililisən)	sən	çililisən	سن شیلی لی سن
	mən	ingilisliyəm	من انگلیسلی یم
	sən	ərəbistanlısan	سن عربیستانلی سان
	mən	argentinalıyam	من آرژنتینالی یام
	siz	japonlusunuz	سبز ژاپونلوسونوز
...	biz	çinliyyik	بیز چینلی ییک

۴-۱۳) اسمی که آخرین حرف صدادر آن به یکی از چهار حرف «ü، ö، o و u» ختم شود، آن را می تواند به دو شکل زیر صرف کرد. مثال :

mən japonluyam (japunliyam)	من ژاپون لویام (یوم)
sən istanbullusan (sun)	سن ایستانبول لوسون (سان)
ağqoyunlular (lilar)	آغ قویونلولار (آغ قویونلی لار)
qaraqoyunlular (lilar)	قارا قویونلولار (قارا قویونلی لار)

۷-۱۳) در مواردی که اسمی از زبانهای دیگر گرفته شده (بجای صرف آن با اصول زبان ترکی) به همان شکل اصلی خود نیز صرف می شود . مثال :

(amerikanlı آمریکانلی)	amerikalı	بجای	american	آمریکان
(inqilisli اینگیلیس تانلی)	inqilisli	بجای	inqiltər	اینگلتز
- بعضی از « با سوادهایمان » نیز آن را همانند فارسی به شکل زیر بکار می برند :				
	tehranlı	بجای	tehrani	تهرانی
	iranlı	بجای	irani	ایرانی
	istanbullu (istanbullı)	بجای	istanboli	ایستانبولی

۲-۱) اعداد (قید اعداد)

اعداد در زبان ترکی « سایی » نامیده می‌شود . در زبان ترکی اول اعداد بزرگ و بعد به ترتیب اعداد کوچکتر خوانده و نوشته می‌شوند.

اعداد در ترکی کاملاً با قاعده است و همچون عربی یا فارسی اعداد جا و شکل خود را (برای مثال : « یازده » که يك به شکل « یاز » در آمده و به جلو نیز کشیده شده است.) عوض نمی‌کنند :

فارسی	ترکی با خط عربی و لاتین	فارسی	ترکی با خط عربی و لاتین
يك -	بیر	یازده -	اؤن بیر
on bir	،	دوازده -	اؤن ایکی
دو -	ایکی	سیزده -	اؤن اوچ
on iki	،	چهارده -	اؤن دؤرت
سه -	اوچ	پانزده -	اؤن بعش
on üç	،	شانزده -	اؤن آلتی
چهار	دؤرت	هفده -	اؤن یعددی
on dört	،	هجده -	اؤن سککیز
پنج -	بعش		
on beş	،		
شش -	آلتی		
on altı	،		
هفت -	یعددی		
on yeddi	،		
هشت -	سککیز		
on səkkiz	،		

فارسی	ترکی با خط عربی و لاتین	فارسی	ترکی با خط عربی و لاتین
نه -	دؤققوز	نوزده -	اؤن دؤققوز
on doqquz	،	بیست -	اییرمی
ده -	اؤن	چهل -	قیرخ
iyirmi	،	شصت -	آلتمیڭ
سی -	اؤتوز	هشتاد -	سکسان
qırx	،	صد -	یوز
پنجاه -	اللی		
altmış	،		
هفتاد -	یتمیش		
səksən	،		
نود -	دؤخسان		
yüz	،		

فارسی	ترکی با خط عربی و لاتین	فارسی	ترکی با خط عربی و لاتین

iyirmi iki	بیست و دو - ایییرمی ایکی	،	iyirmi bir	بیست و یک - ایییرمی بیر
iyirmi dört	بیست و چهار - ایییرمی دؤرت	،	iyirmi üç	بیست و سه - ایییرمی اوچ
yüz doxsan iki	صد و نود و دو - یوزدۇخسان ایکی	،	yüz əlli beş	صد و پنجاه و پنج - یوزآللی بئش
qırx iki	چهل و دو - قیرخ ایکی	،	otuz bir	سی و یک - اوتوز بیر
yüz dört	صد و چهار - یوزدورت	،	əlli üç	پنجاه و سه - اللی اوچ
yüz qırx	صد و چهل - یوز قیرخ	،	yüz on	صد و ده - یوز اون
üç yüz	سیصد - اوچ یوز	،	iki yüz	دویست - ایکی یوز
beş yüz	پانصد - بئش یوز	،	dört yüz	چهار صد - دؤرت یوز
min	هزار - مین	،	altı yüz	ششصد - آلتی یوز
iki min	دو هزار - ایکی مین	،	min bir	هزار و یک - مین بیر
yüz min	صد هزار - یوز مین	،	on min	ده هزار - اون می
on milyon	ده میلیون - اون میلیون	،	bir milyon	یک میلیون - بیر میلیون
bir milyar	یک میلیارد - بیر میلیارد	،	yüz milyon	صد میلیون - یوز میلیون

- بهتر است که تک تک اعداد نزدیک ولی جدا از هم نوشته شود. مثال :

- مین بیر min bir ، بیر میلیون بیر bir milyon ، اون میلیون ایکی یوز اللی yüz əlli iki milyon

۳-۱) شمردن اعداد (سایماق) به شکل زیر در زمان حال صرف می شود :

من	ساییرام	mən sayıram	-	من می شمارم
سن	ساییرسان	sən sayırsan	-	تو می شماری
او	ساییر	o sayır	-	او می شمارد
بیز	ساییریق	biz sayırıq	-	ما می شماریم
سیز	ساییرسینیز	siz sayırsınız	-	شما می شمارید
اونلار	ساییرلار	onlar sayırlar	-	آنها می شمارند

شمردن به شکل گذشته : ساییدیم ، سامیشام ، سامیشدیم ، و..

شمردن با فعل مصدری در زمان حال : من سایماقدايام ، سایماقدايديم ، و..
 شمردن به شکل امری : ساييم ، ساي ، سايسين ، و..
 شمردن در زمان آینده نزدیک : سايارام ، ساياريم ، سايارميشدیم ، و..
 شمردن در زمان آینده : ساياجاغام ، ساياجاغيديم ، و..

۴-۱) اعداد ترکیبی:

اعداد ترکیبی به اعدادی گفته می‌شود که از چند کلمه تشکیل می‌یابد. مثال :

اؤن بیر on bir (یازده) ، اؤن آلتی on altı (شانزده)
 ایییرمی بئش (ایگیرمی بئش) iyirmi beş ، (بیست و پنج)
 یوز بیر yüz bir (صدو يك) ، یوز اؤن yüz on (صدو ده)
 یوز ایییرمی yüz iyirmi (صدو بیست) ، ایکی یوز iki yüz (دو بیست)

۵-۱) اعداد ترتیبی :

اعداد ترتیبی به اعدادی گفته می‌شود ، که به شکل نظم و ترتیب پشت سرهم بیان شود. علامت آن « اینجی » است و حرف صدادار آن وابسته به آخرین حرف صدادار کلمه ما قبل خود می‌باشد ، که در صرف به شکل inci , üncü , uncu (با هماهنگی بزرگ) در می‌آید. اعداد ترتیبی به شکل زیر بکار گرفته می‌شود. مثال :

بیرینجی birinci (یکم) ، اؤنونجو onuncu (دهم)
 ایکینجی ikinci (دوم) ، ایییرمینجی iyirminci (بیستم)
 اوچونجو üçüncü (سوم) ، اؤتوزونجو otuzuncu (سی‌یم)
 آلتینجی altıncı (ششم) ، می‌نینجی (مینینجی) mininci (هزارم)]
 توجه : اگر آخرین حرف عددی به حرف صدادار ختم شود (مثل: آلتی) در صرف به آن « y »

اضافه نمی‌شود. بلکه يك حرف صدادار از آن حذف می‌شود.

۶-۱) اعداد شرحی :

اعداد شرحی به اعدادی گفته می‌شود که چگونگی و موقعیت خود را شرح دهد. مثال:

ایکی ایکی iki - iki (دو به دو) ، اُون اُون on - on (ده به ده)
 اوچ اوچ üç - üç (سه به سه) ، یوز یوز yüz - yüz (صد به صد)
 دؤرت دؤرت dört - dört (چهار به چهار) ، مین مین min - min (هزار به هزار)
 یوز مین یوز مین yüz - min yüz - min (صد هزار صد هزار)

۱-۷) اعداد کسری: اعداد کسری به اعدادی گفته میشود که کمتر از یک باشد. مثال:

یاریم yarım (نصف) ، دؤتده بیر dördtə bir یک چهارم
 اوچده بیر üçdə bir (یک سوم) ، بئشده بیر beşdə bir و یا
 بئشده بیر beşdə biri (یک پنجم)

۱-۸) کلمات نامعین (اعدادی) :

کلمات نامعین ، کلماتی هستند که مقدار نامعین و نامشخصی را نشان می‌دهند. مثال:

چوخ çox (زیاد) ، آز az (کم)
 آرتیق artıq (زیادتر) ، اسگیک əsgik (کمتر)
 اوقدر o qədər (آن قدر) ، بوقدر bu qədər (این قدر)

۱-۹) کلمات مقدار تشبیهی :

بۇ اونجا دیر bu oncadır (این همان قدر است)
 بۇ اونا تایدیر bu ona taydır (این هم مقدار و یا هم شکل آن است)
 اۇ بۇندان چوخ دور.. o bundan çoxdur (آن از این زیادتر است)
 بۇ اونا بنزیر. bu ona bənzəyir. (این به آن شبیه است)
 بۇ ایکی قیز بیرى بیرینه بنزیر (لر) . (این دو دختر شبیه هم دیگر هستند .)
 bu iki qız biri birinə bənzəyir (lər) .

۱) قید سؤالی : sual (soru) qeydi :

کیم kim ؟ : (چه کسی) او کیم دیر ؟ o kimdir (او کیست)

(حالت تصریفی کلمه « کیم » : کیمه ، کیمده ، کیمدن ، کیمی ، کیمین)

نئجه necə ؟ : (چطور) اونون کیفی نئجه دیر ؟ onun keyfi necədir ?

(چند [چند تا]) او نئجه دیر ؟ o neçədir ? (آن چند است)

هانسی hansı ? (کدامی) سیز هانسی ماشینی آلدینیز ؟ siz hansı maşını aldınız ?

(شما کدام [کدامین] ماشین را خریدید ؟)

نه اوچون nə üçün ? : (شما به چه منظوری به اینجا آمدید.)

(برای چه) سیز نه اوچون بورایا گلدینیز. siz nə üçün buraya gəldiniz.

هانی hanı ? (کو ، کجاست) . هانی به ؟ hanı bə ? چه شده ، کجا مانده ؟)

۱-۱) قید سوالی عددی :

چند ، نئجه neçə

آن چند تا است ، او نئجه دنه دیر ؟ o neçə dənədir ?

چند دانه ، نئجه دنه (نچه دانه) ؟ neçə dənə ?

چه قدر ، نه قدر nə qədər ?

چه قدر است ، او نه قدر دیر ؟ o nə qədərdir ?

قیمت آن چند است = اونون قیمتی نئجه دیر ؟ onun qiyməti neçədir ?

ارزش آن خانه چند است : او ائو نئجه یه دیر o ev neçəyədəyər

او ائوین قیمتی نئجه دیر + او ائوین کیری نئجه دیر

او قیزیلین کیری نئجه دیر . bu qızılın dəyəri neçədir ?

ارزش ، قیمت (کیر) qiymət بها (ارزش) ، ده یر dəyər ، بو کیتابین

دیری چؤخدور (ارزش این کتاب زیاد است)

گران ، باها baha ، بو کیتاب باها دیر bu kitab bahadır (این کتاب گران

است) چه : نه nə ، این چیست : او نه دیر ? o nədir ?

اعداد نامعین سوالی :

نه چه neçə (چه قدر) ، نچه دنه neçə dənə (چند دانه)
نه قدر nə qədər (چه قدر)

« نه » کلمه سوالی

او ئو تاختادان سالینب دیر می؟ یو ، او تاختادان سالینبمایب دیر .

– « نه » (چه) به شکل زیر به حالت تصریفی صرف می شود :

نه ده ؟ nədə (درچه)	نه یه ؟ nəyə (به چه)	نه ؟ nə (چه)
نه یین ؟ nəyin (مال چه)	نه یی ؟ nəyi (چه را)	نه دن nədən (ازچه)

نه اوچون nə , üçün : شما برای چه به اینجا آمدید؟ سیز نه اوچون بۇرا یا گلدینیز؟

siz nə üçün buraya gəldiniz.

شما برای چه (به چه دلیلی) اینکار را انجام دادید ؟ سیز نه اوچون بۇ ایشی گوردونوز؟

siz nə üçün (nəçün) bu işi gördünüz ?

نه یه گوره nəyə görə : شما بخاطر چه (به چه دلیل) اینجا می آئید ؟

سیز نه یه گوره بۇرایا گلیر سینیز ؟
siz nəyə görə buraya gəlirsiniz ?

نه جور nə cür : (چگونه) اونون کئیفی نه جور دور ? onun keyfi nə cürdür ?

(حال اوچگونه است .) (نه تهر ؟ ، نه شیکل ؟ ، نه شیکیل ؟)

نی یه niyə : (چرا) سیز نی یه گلمه دینیز ؟ siz niyə gəlmədiniz ?

(شما چرا نیامدید ؟)

نه یی nəyi : سیز نه یی آلدینیز ؟ siz nəyi aldınız ? (شما چه چیزی را خریدید)

نه یه nəyə : او برای چه اینجا می آید ؟ او بۇرایا نیه گلیر ؟ o buraya nəyə gəlir ?

شما به چه نگاه می کنید ؟ سیز نیه باخیر سینیز ؟ siz nəyə baxırsınız ?

نی یه **niyə** : شما به چه علت نگاه می کنید ؟ سیز نی یه (نییه) باخیر سینیز ؟

siz niyə baxırsınız (برای چه) بو نه یه لازیم دیر ؟ bu nəyə lazımdır

(این برای چه لازم است ؟)

یئر (زمین) yer : (زمین به دور خورشید می چرخد .)

یئر گونون دؤره سینه دؤلانیر . yer günün dövrəsinə dolanır .

نم یئرده یاتماق یاخشی دئگیل . nəm yerdə yatmaq yaxşı deyil .

یئرینه yerinə (جایش ، مکانش) :

من بؤگون قلیان آلتی یئرینه فقط قهوه ایچدیم . (من امروز بجای صبحانه فقط قهوه خوردم .)

mən bu gün qəlyanaltı yerinə fəqət qəhvə içdim .

من سؤ یئرینه چای ایچدیم . mən su yerinə çay içdim . (من بجای آب چای خوردم .)

حروف اضافی : « دن » و « دان » (حالت تصریفی « از ») ،

حروف اضافی « دن » و « دان » همچون حروف اضافی از مفعول با واسطه (از) می باشد :

از حسن = حسن دن Həsəndən ، از کتاب = کیتاب دان kitabdan

اکنون حروف اضافی « دن » با مفاهیم مختلف در جمله بکار گرفته می شود . مثال :

o haradan (hardan) gəlir ؟ او هارادان گلیر ؟ ، او از کجا می آید ،

o təbrizdən gəlir او تبریزدن گلیر ، او از تبریز می آید ،

o işdən gəlir او ایشدن گلیر ، او از کار می آید ،

o kimdəndir او کیم دن دیر ؟ ، او طرفدار کی است ،

o bizdəndir او از ما است ، او بیزدن دیر ،

o bizdən deyil او از ما نیست ، او بیزدن دئگیل ،

bu gül ondan gözəldir . . بؤگول اوندان گؤزل دیر . . این گل از آن یکی زیباتر است ،

- این از آن یکی بهتر است. بۇ اۇندان ياخشىدیر. bu ondan yaxşıdır .
- o ev nədəndir ? او ائو نه دندیر ؟ آن خانه از چه ساخته شده است ؟
- o ev palçıqdandır. او ائو پالچىقدان دیر. آن خانه از گِل است ،
- o ev bitondandır. او ائو بیتون دان دیر آن خانه از بتون است ،
- o maşın dəmirdəndir .. او ما شین دمیردن دیر.. آن ماشین از آهن است،

۱-۲) نفی سؤالی « نه n » بوسیله کلمه « یوخ yox » و دئگیل « deyil » انجام می گیرد. مثال :

- o nədəndir? او نه دن دیر ؟ آن از چه ساخته شده (آن از چه چیزی ترکیب یافته) = او نه دن دیر ؟
- نفی آن بوسیله کلمه « یوخ » (موجود نیست) و « دئگیل » (نمی باشد) ساخته می شود. مثال :
- o nədəndir? او نه دن دیر. آن از چه ساخته شده (آن از چه چیزی ترکیب یافته) = او نه دن دیر. سوال :
- o nədəndir? او نه دن دیر ؟ (آن از چه ساخته شده است.)
- جواب : او پامبىقدان دیر o pambıqdandır (آن از پنبه است)
- نه خیر آن از پلاستیک است . او پلاستیک دن دیر. yox , o plastikdən dir.
- او پلاستیکدن دئگیل دیر. yox , o plastikdən dir.
- بس آن از چه چیزی ساخته شده است. بس او نه دن دیر. bəs o nədən dir?
- توجه : اگر کلمه سؤالی با فعل ساخته شود ، جواب آن نیز با فعل داده می شود.

۱-۳) نه ? nə ، کلمه سؤالی برای زبان :

علامت مخصوص سؤالی در زبان ترکی ، برای زبان « نه » می باشد. مثال:

- sənin ana dilin nədir ? سنین آنا دیلین نه دیر ؟
- sən nə dilincə danışsən ? سن نه دیلینجه دانیشیرسان ؟
- در مواردی بجای « نه » از کلمه سؤالی « هانسی » نیز استفاده میکنند . کلمه سؤالی

« هانسی » باید با حروف اضافی « ده » صرف شود و در جواب علاوه بر « ده » ضمیر (اضافه) ملکی « این » نیز به آن افزوده می شود. مثال :

سوال : سن هانسی دیلده دانیشیرسان ؟ sən hansı dildə danışırsan?
 جواب : من تورک دیلینده دانیشیرام. mən türk dilində danışıram.

۳) قیدعلت :

نه یه (نیه) : نیه بۇرایا گلدین ؟ nəyə buraya gəldin ؟
 گۆره : سنه گۆره بۇرایا گلدیم. sənə görə buraya gəldim. بخاطر تو به اینجا آمدم؟
 نی یه : سن نی یه گلیر سن ؟ sən niyə gəlırsən ؟ تو برای چه می آیی ؟
 نه اوچون : نه اوچون بۇرایا گلدین ؟ nə üçün buraya gəldin?
 اونون اوچون : اونون اوچون بۇرایا گلدیم . onun üçün buraya gəldim .

کلمات مختلف و بکارگیری آنها در جمله :

باخ (بنگر)

بۇ آغاچ ، آغاچلارین آن بۇیویو دور ، باخ . (بنگر ، بدرختی که بزرگترین درختان است .)
 bu ağaç , ağaçların ən böyüyüdür , bax .

سیخیلماق sixılmaq

منیم بۇگون جانیم سیخیلیر . mənım bu gün canım sıxılır . (من امروز دلتنگم)

سینمک sinmək : پیشیک یئره سینیب قۇشا باخیر . (گر به کمین کرده [جیم

شده ، پنهان شده] و به پرنده نگاه میکند) . pişik yerə sinib , quşa baxır .

بۇ یئمک (غذا) منیم جانیما سینمیر . bu yemək mənim canıma sinmir .

حاققیندا haqqında (در حق او)

آنا بالالاری حاق قیندا، چوخ اؤرك يانديريب. (مادر در حق فرزندان خود خیلی دلسوزی کرده است.)
ana balaları haqqında çox ürək yandırır (dır) .

زمان zaman : من بۇ ایشی اؤز زمانیندا گؤره رم . (من این کار را در وقت خود) وقتش انجام میدهم.)
mən bu işi öz zamanında görərəm .

آرتیق artıq : من دئملی لرین هامیسی نی دئدیم ، بۇندان آرتیق داھی بیر سؤزوم یۇخدور .
(من همه گفتنی ها را گفتم ، بیشتر از این دیگر حرفی ندارم.)

mən deməli lərin hamısını dedi bundan artıq daha bir sözüm yoxdur .

اؤلماق (شدن) olmaq : منه کیتاب لازیم اؤلماق . (من بکتابی نیاز خواهم داشت .)
mənə kitab lazım olacaq.

سنه ده ، پؤل لازیم اؤلماق . (برای تو هم پول احتیاج [لازم] خواهد شد .)
sənə də , pul lazım olacaq.

احتیاج ehtiyac : منه ده پؤل احتیاج اؤلماق . (من هم به پول احتیاج خواهم داشت .)
mənə də pul ehtiyac olacaq .

سنه ده قیشدا گئییه جک احتیاج اؤلماق . (تو هم در زمستان به پوشاک احتیاج خواهی داشت .)
sənə də , qışda geyəcək (paltar) ehtiyac olacaq .

دوز düz (راست . مستقیم)
بۇرادان شهره جان بیر دوز خیابان چکیله جک . از اینجا تا به شهر خیابان مستقیمی کشیده خواهد شد.
buradan şəhərəcən bir düz xıyaban çəkiləcə .

دوغرو dođru (مستقیم . صحیح)
بلی سن دئین سؤز دوغرو دؤر ، بۇرادان بیر یئنی یؤل چکیله جک (بلی گفته تودرست است ، از اینجا یک راه جدیدی کشیده خواهد شد.)

bəli, sən deyən söz dođrudur, buradan bir yeni yol çəkiləcə .

ياخين yaxın :

بۇ يۇل ايله شهره چۇخ ياخين اولاجاق. (با اين راه به شهر خيلى نرديك خواهد شد.)
 bu yol ilə şəhərə çox yaxın olacaq .

اۇزاق uzaq : (دور)

ايندىكى يۇل ايله شهر ، اۇن كيلومتر اۇزاق دير. (با راه كنونى (تا به) شهر ده
 indiki yol ilə şəhər , on kilometr uzadır . (كيلومتر دورتر است.)

آشاغا aşığa (سمت پائين) : بۇ داغين دالى سيندا اۇتوبوسدان آشاغا ائنيب يئمك

يئيه جه ييك . (در پشت اين كوه از اتوبوس پياده شده غذا خواهيم خورد .)

bu dağın dalısında avtobusdan enib yemək yeyəcəyik .

يۇخارى yuxarı (سمت بالا)

بۇ تپه نين يۇخارى سيندا بير بۇيوك داغ وار. (در سمت بالای اين تپه كوه بزرگى

(قرار گرفته) موجود است. bu təpənin yuxarısında bir böyük dağ var .

اوست üst (روى) : غذا يئيه ندىن سۇنرا بۇداغين اوستونه گرميه

گئده جه ييك. (بعد از خوردن غذا برای گردش کردن به بالای كوه خواهيم رفت.)

yemək yeyəndən sonra bu dağın üstünə gəzməyə gedəcəyik.

ايچرى içəri (ايچ iç)

بيز اۇرادا هامى ميز اۇتوبوس دان يئره ائنه جه ييك و اۇتوبوسون ايچريسينده قالان

اولماياجاق. (ما همگى در آنجا از اتوبوس پياده مى شويم و كسى در توى اتوبوس

نخواهدماند.) biz orada hamımız avtobusdan yerə enəcəyik ,

(düşəcəyik) və avtobusun içərisində qalan olmayacaq .

قارشى qarşı (مقابل) ايكى پهلوان قارشى قارشى يا گوله شجكلر. (دو پهلوان درمقابل هم

(روى روى هم) كشتى خواهند گرفت.) iki pəhləvan qarş - qarşıya güləşəcəklər.

ساغ sağ (راست) و **سۇل sol** (چپ) :

منیم تویمدا حسن ساغیمدا « ساغداش » ، حسین سولومدا « سولداش » دۇراجاقلار .

(درعروسی من ، حسن در سمت راست من « ساغدوش » و حسین در سمت چپ بعنوان

mənım toyumda Həsən sağımda "sağdaş" (« سولدوش » خواهد ایستاد .)

Hüseyn solumda " soldaş " duracaqlar .

حسن منیم ساغیمدا و حسین ده سول طرفیمده دۇراجاقلار . (حسن در طرف راست

Həsən mənım sağımda və (حسین در طرف چپ من خواهد ایستاد .)

Hüseyn də sol tərəfimdə duracaqlar.

آرتیق artıq (اضافی) : توی ائدمک جاوانلار اوچون یاخشی دیر ، اوندان آرتیق بیر

گۆزل ایش یوخدور . (عروسی کردن) گرفتن) برای جوانان خوب است ، زیباتر از آن

کاری نیست . toy etmək cavanlar üçün yaxşıdır , ondan artıq gözəl bir

iş yoxdur . (olmaz)

اسگیك əsgik (کم بود) : سکیز ، اوندان ایکی دنه اسگیك دیر .

səkkiz ondan iki dənə əsgikdir . (هشت ، از ده دو تا کم تر است .)

یئنه yenə (دگر بار ، مجدداً) : یئنه بهار گلدی . yenə bahar gəldi (از نو بهار آمد)

گینه ginə (دگر بار) : گینه بهار گلدی . ginə bahar gəldi (مجدداً بهار آمد)

یئنی yeni (تازه از نو) : یئنی دن باهار گلدی . yenidən bahar gəldi .

تزه دن təzədən (مجدداً ، بار دیگر)

təzədən qar yağır . (از نو برف می بارد .)

نچه neçə (چند تا) : دۆرت ایله دۆرت نچه ائدر (اۇلار) ؟

dört ilə dört neçə edər (olar) ? (چهار با چهار چند میشود ؟)

بۆلو bölü (بۆلمک : قسمت کردن) : اؤنو ، ایکی یه بۆل ، اۇلار بئش .

onu (onı) ikiyə böl , olar beş . (ده را به دو تقسیم کن می شود پنج)

ئدر edər (می شود)

ایکی ایله ایکی ائدر دؤرت . iki ilə iki edər dörd . (دو با دو می شود چهار .)
 جوت **cüt جفت** : من بیر جوت گؤیرچین گؤرورم . (من یک جفت کبوتر می بینم .)
 mən bir cüt qöyərçin görürəm .

قوشا qoşa (دوتائی = برابر) : خیاباندا بیر قیز ایله بیر اوغلان قوشا گئدیرلر
 xıyabanda bir qız ilə bir oğlan qoşa gedirlər .

(یک دختر و پسر در خیابان کنارهم راه می روند .)

قالماق qalmaq (ماندن) : فعل « قالماق » در زبان ترکی در موارد زیادی بکار گرفته
 می شود منجمله در جملات التزامی . هرچند که فعل « قالماق » فعل التزامی نیست ولی نتیجه کار
 آن در جمله به شکل التزامی در می آید . مثال :

mən dünən çöldə susuz qaldım . من دونن چۆلدە سۇسوز قالدیم .

(من دیروز در بیابان تشنه [بدون آب] ماندم [اجبار بود و یا مجبور بودم])

او بۇ ایل ایشسیز قالیدیر . o bu il işsiz qalıbdır . (او امسال بیکار مانده است .)

حذف حرف صدادار از چند کلمه :

در زبان ترکی چند اسمی بویژه در از اعضای بدن وجود دارد که در صرف یکی از

حروف صدادار آنها را حذف کرده و به شکل زیر بکار می گیرند :

– کلمات مذکور به شکل زیر در جمله بکار گرفته می شوند :

آغیز **ağız** در صرف به شکل : منیم آغزیم **ağzım** ، سنین آغزین .

بینی، بۇرون **burun** در صرف به شکل : منیم بۇرنوم **burnum** سنین بۇرنون .

شکم ، قارین **qarın** در صرف به شکل : منیم قارنیم **qarnım** (شکم من)

پسر ، اوغول **oğul** در صرف به شکل : منیم اوغلوم **oğlum** (پسر من)

(بعبارتی از کلمات ذکر شده يك حرف صدادار حذف می شود.)

توجه : در صرف کلمات مذکور برای سوم شخص جمع (اؤنلار) حرف صدادار حذف نمی شود :

اؤنلارین آغیزلاری ، ağızları ، اؤنلارین بورونلاری ، burunları
 اؤنلارین اؤغول لاری ، oğulları ، اؤنلارین قارینلاری ، qarınları
 آغزیی آچیق قارنی بؤش . بؤرنو اؤجا ، اؤغلو یوخ .

- کلمات مذکور به شکل زیر در جدول زیر نیز صرف شده اند :

ضمایر	دهان ağız	بینی burun	شکم qarın	پسر oğul
من	ağzım	burnum	qarnım	oğlum
سن	ağzın	burnum	qarnım	oğlum
اؤ	ağzı	burnum	qarnım	oğlum
بیز	ağzımız	burnum	qarnım	oğlum
سیز	ağzınız	burnum	qarnım	oğlum

- کلمات مذکور را برای سوم شخص جمع به شکل زیر به فرم اصل خود بکار می برند :

اؤنلارین :	ağızları	burunları	qarınları	oğulları
------------	----------	-----------	-----------	----------

۱) ماضی استمراری و فرمهای مختلف آن :

ماضی استمراری بوسیله ریشه فعل و علامت ویژه زمان حال (ir,ır,ür,ur) هماهنگی بزرگ) و پسوند زمان گذشته (idi , imiş) بوجود می آید. اکنون فعل « آمدن » (گلمك) را به زمانهای مختلف گذشته استمراری صرف می کنیم. مثال :

۱-۱) گذشته استمراری

men gəlirdim	،	biz gəlirdik	من گلیردیم	بیز گلیردیک
sən gəlirdin	،	siz gəlirdiniz	سن گلیردین	سیز گلیردینیز
o gəlirdi	،	onlar gəlirdilər	او گلیردی	اونلار گلیردیلر

- افعالی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ پائینی می باشد :

من آیردیم ، سن آیردین او آیردی ، بیز آیردیق ، سیز آیردینیز ، اونلار آیردیلر.

۱-۲) گذشته دور استمراری:

mən gəlirmişəm	من گلیرمیشم
sən gəlirmişsən	سن گلیرمیش سن
o gəlirmiş	او گلیرمیش
biz gəlirmişik	بیز گلیرمیشیک
(gəlirmişsiz) siz gəlirmişsiniz	سیز گلیرمیش سینیز
onlar gəlirmişlər	اونلار گلیرمیشلر

- افعالی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ پائینی می باشد :

من آیرمیشام ، سن آیرمیشسان ، او آیرمیش

۱-۳) گذشته دورتر استمراری:

mən gəlirmişdim	،	biz gəlirmişdik	من گلیرمیشدیم	بیز گلیرمیشدیک
-----------------	---	-----------------	---------------	----------------

سن گلیرمیشدین sən gəlirmişdin ، سیز گلیرمیشدینیز siz gəlirmişdiniz
 او گلیرمیشدی o gəlirmişdi ، اونلار گلیرمیشدیلر onlar gəlirmişdilər

- افعالی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ پائینی می باشد :

من آلیرمیشدیم ، سن آلیرمیشدین ، او آلیرمیشدین و....

(۱-۳) گذشته دور و دور استمراری:

mən gəlirmişmişəm من گلیرمیش میشم

sən gəlirmişmişsən سن گلیرمیش میشسن

o gəlirmişmiş او گلیرمیش میش

- افعالی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ پائینی می باشد :

من آلیرمیشمیشام ، سن آلیرمیش میشسان ، او آلیرمیش میش و....

(۲) نفی گذشته استمراری و فرمهای مختلف آن :

گذشته استمراری فعل (همانند صرف خود فعل در زمان حال) بوسیله کلمه مخفف شده
 « mur , mür ، mır ، mir » صرف می شود.

توجه شود که قاعده مذکور برای نفی گذشته استمراری بدون استثناء در همه جا بکار
 گرفته می شود .

نفی گذشته استمراری به شکل زیر می باشد :

mən gəlmirdim من گلمیردیم (من نمی آمدم)

sən gəlmirdin سن گلمیردین

o gəlmirdi او گلمیردی

- افعالی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ پائینی می باشد :

من آلمیردیم ، سن آلمیردین ، او آلمیردی و...

۲-۱) حالت نفی گذشته دور استمراری :

من گلمیرمیشم mən gəlmirmişəm

سن گلمیرمیش سن sən gəlmirmişsən

اؤ گلمیرمیش o gəlmirmiş

- افعالی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ پائینی می باشد :

من آلمیرمیشام ، سن آلمیرمیشسان ، اؤ آلمیرمیش و...

۲-۲) حالت نفی گذشته دورتر استمراری :

من گلمیرمیشدیم mən gəlmirmişdim

سن گلمیرمیش دین sən gəlmirmişdin

اؤ گلمیرمیشدی o gəlmirmişdi

۳) حالت سوالی گذشته استمراری :

من گلیردیم می ؟ mən gəlirdimmi (آیا من می آمدم)

سن گلیردین می ؟ sən gəlirdinmi

اؤ گلیردی می ؟ o gəlirdimi

- افعالی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ پائینی می باشد :

من آلیردیم می ؟ ، سن آلیردین می ؟ ، اؤ آلیردی می ؟ و...

۳-۱) حالت سوالی گذشته دور استمراری :

من گلیرمیشم می ؟ mən gəlirmişəmmi ?

سن گلیرمیش سن می ؟ sən gəlirmişsənmi ?

اؤ گلیرمیش می ؟ o gəlirmişmi ?

۲-۳) حالت سوالی گذشته دورتر استمراری :

من گلیرمیشدیم می؟ ? mən gəlirmişdimmi

سن گلیرمیشدین می؟ ? sən gəlirmişdinmi

اؤ گلیرمیشدی می؟ ? o gəlirmişdim

۴) حالت نفی سوالی گذشته استمراری:

من گلیمیردیم می؟ ? mən gəlmirdimmi (آیا من نمی آمدم)

سن گلیمیردین می ? sən gəlmirdinmi

اؤ گلیمیردی می ? o gəlmirdimi

- افعالی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ پائینی می باشد :

من آلیمیردیم می ؟ ، سن آلیمیردین می ؟ ، اؤ آلیمیردی می ؟ ...

۱-۳) حالت نفی گذشته دور استمراری:

من گلیمیرمیشم می؟ ? mən gəlmirmişəmmi

سن گلیمیرمیش سن می؟ ? sən gəlmirmişsənmi

اؤ گلیمیرمیش می ؟ ? o gəlmirmişmi

- من آلیمیرمیش شام می ؟ ، سن آلیمیرمیش سان می ؟ ، اؤ آلیمیرمیش می ؟ ...

۲-۴) حالت نفی گذشته دورتر استمراری:

من گلیمیرمیشدیم می؟ ? mən gəlmirmişdimmi

سن گلیمیرمیشدین می؟ ? sən gəlmirmişdinmi

اؤ گلیمیرمیشدی می ؟ ? o gəlmirmişdinmi

۱) صرف فعل آینده نزدیک در گذشته و

فرمهای مختلف آن :

فعل آینده نزدیک در گذشته، فعلی است که می‌توان بوسیله آن آینده در گذشته، فرم آرزویی و شرطی را (که می‌تواند برای يك و یا هر سه مفهوم ذکر شده بکار برد.) در يك جمله بیان کرد. مثال :

سن دونن (دون) مننه ده مه دین یوخسا من آخشام سیزه گلردیم . (تو دیروز به من نگفتی و گرنه من دیشب (می‌آمدم) توانائی و علاقه داشتم که به خانه شما بیایم.) در جمله مذکور سه مفهوم زیر بیان شده است :

دیشب و دیروز هر دو گذشته می‌باشد ، ولی دیشب به نسبت دیروز آینده نزدیک در گذشته محسوب می‌شود. همانطوری که از اسم فعل [آینده نزدیک در گذشته] پیدا است ، این فعل زمانی بکار گرفته می‌شود که در گذشته (دیروز) بین خواستن تا امکان عملی شدن فعل (دیشب) فرق زمانی موجود بوده باشد .

- فعل اولی به شکل گذشته (« ساده ») و فعل دومی به شکل آینده در گذشته صرف می‌شود. (سن مننه دون [دونن] ده مه دین یوخسا من آخشام سیزه گلردیم .)

- با فعل « آینده نزدیک در گذشته » بیان کننده مطلب می‌تواند علاقه و میل و امکان و توان خود را که دیروز برای به انجام رساندن عملی برای دیشب داشته بیان کند (گلردیم).

- جمله مذکور به شکل شرطی در زمان گذشته بیان شده است. مثلاً تو نگفتی ، اگر تو به من گفته بودی ، من می‌توانستم و علاقه داشتم پیش تو بیایم . در مقابل فعل (گلردیم) بلا فاصله این سوال پیش می‌آید که چرا نیامدید ، در بند دیگر جمله ، جواب داده می‌شود که به من نگفتی . (بعبارتی عملکرد جمله به شکل جمله شرطی ظاهر می‌شود.)

فعل مذکور (و با علامت « ar , ar ») همانند سایر افعال با پسوندهای ماضی (دی ، میش ، میشدی و میش میش) به شکل زیر برای ضمائر شخصی صرف می‌شود :

۱-۱) فعل آینده نزدیک در گذشته به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می شود :

biz gələrdik	بیز گلردیک	mən gələrdim	من گلردیم
biz gələrdik	بیز گلردیک	sən gələrdin	سن گلردین
onlar gələrdilər	اونلار گلردیلر	o gələrdi	او گلردی

– صرف فعل آینده نزدیک در گذشته دور :

biz gələrmışik	بیز گلرمیشیک	mən gələrmışəm	من گلرمیشم
siz gələrmışsiniz	سیز گلرمیش سینیز	sən gələrmışsən	سن گلرمیش سن
onlar gələrmışlər	اونلار گلرمیشلر	o gələrmış	او گلرمیش

– صرف فعل آینده نزدیک در گذشته دورتر :

biz gələrmışdik	بیز گلرمیشدیک	mən gələrmışdim	من گلرمیشدیم
siz gələrmışdiniz	سیز گلرمیشدینیز	sən gələrmışdin	سن گلرمیشدین
onlar gələrmışdilər	اونلار گلرمیشدیلر	o gələrmışdi	او گلرمیشدی

– صرف فعل آینده نزدیک در گذشته دور و دور

mən gələrmışmıışəm	من گلرمیش میشم
sən gələrmışmıışsən	سن گلرمیش میشسن
o gələrmışmıışmıış	او گلرمیش میش

– فعل « گلرمیش میشم » به شکل زیر تجزیه می شود :

۱) گل gəl = ریشه فعل ، ۲) ار ər = علامت آینده ، ۳) میش miş = علامت

گذشته ، ۴) میش دوم miş = علامت گذشته دور و دور ، ۵) ام əm – ضمیر

شخصی متصل و یا صرف فعل « ایمک »

۱-۲) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی باشد ، به شکل زیر بکار

گرفته شده و در زمانهای گذشته صرف می‌شود.

گذشته : من آلاردیم mən alardım
 گذشته دور : سن آلامیش سان sən alarmışsan
 گذشته دورتر : او آلامیشدی o alarmışdı

۲) حالت نفی فعل آینده نزدیک در گذشته و فرمهای مختلف آن:

همانطوری که در صرف فعل آینده نزدیک (در صفحه ۳۹) اشاره شده در نفی این فعل بجای کلمه نفی « مه » و « ما » (بجز برای اول شخص مفرد و جمع) از کلمه نفی « مز » استفاده می‌شود. در صرف این فعل برای زمان گذشته ، اول شخص مفرد و جمع نیز (بجز در موارد کمی) با کلمه « مز » نفی می‌شود. برای روشن شدن هر چه بهتر طریقه نفی آن اکنون فعل آینده نزدیک را بوسیله کلمه نفی « مز » و « مه » در کنار هم صرف می‌کنیم :

حالتی که با اصول زبان ترکی (بوسیله مه) ساخته شده ولی مورد استفاده قرار نمی‌گیرد.	شکلی که امروزه (بوسیله مز) مورد استفاده قرار می‌گیرد .
mən gəlməyərdim من گلمه یردیم	mən gəlməzdim من گلمزدیم
sən gəlməyərdin سن گلمه یردین	sən gəlməzdin سن گلمزدین
o gəlməyərdi او گلمه یردی	o gəlməzdi او گلمزدی
biz gəlməyərdik بیز گلمه یردیک	biz gəlməzdik بیز گلمزدیک
siz gəlməyərdiniz سیز گلمه یردینیز	siz gəlməzdiniz سیز گلمزدینیز
onlar gəlməyərdilər اونلار گلمه یردیلر	olar gəlməzdilər اونلار گلمزدیلر

(۲-۱) حالت نفی فعل آینده نزدیک در گذشته دور :

شکلی که امروزه صرف می شود .	شکلی که با اصول است ولی صرف نمی شود.
من گلمزمیشم mən gəlməzmişəm	من گلمه یرمیشم gəlməyərmişəm
سن گلمزمیشسن sən gəlməzmişsən	سن گلمه یرمیشسن gəlməyərmişsən
اؤ گلمزمیش o gəlməzmiş	اؤ گلمه یرمیش gəlməyərmiş

(۲-۲) حالت نفی فعل آینده نزدیک در گذشته دورتر :

شکلی که امروزه صرف می شود.	شکلی که با اصول است ولی صرف نمی شود.
من گلمزمیشدیم mən gəlməzmişdim	من گلمه یرمیشدیم mən gəlməyərmişdim
سن گلمزمیشدین sən gəlməzmişdin	سن گلمه یرمیشدین sən gəlməyərmişdin
اؤ گلمزمیشدی o gəlməzmişdi	اؤ گلمه یرمیشدی o gəlməyərmişdi

(۳) حالت سؤالی فعل آینده نزدیک در گذشته :

من گلردیم می ؟ mən gələrdimmi ? ، بیز گلردیک می ؟ biz gələrdikmi ?
 سن گلردین می ؟ sən gələrdinmi ? ، سیز گلردینیز می ؟ siz gələrdinizmi ?
 اؤ گلردی می ؟ o gələrdimi ? ، اؤنلار گلردیلر می ؟ onlar gələrdilərmi ?

(۳-۱) حالت سؤالی فعل آینده نزدیک در گذشته دور :

من گلرمیشم می ؟ mən gələrmişəmmi ?
 سن گلر میش سن می ؟ sən gələrmışsənmi ?
 اؤ گلرمیش می ؟ o gələrmışmi ?

(۳-۲) حالت سؤالی فعل آینده نزدیک در گذشته دورتر :

من گلرمیشدیم می؟ mən gələrmışdimmi ?
 سن گلرمیشدین می؟ sən gələrmışdinmi ?
 او گلرمیشدی می؟ o gələrmışdimi

۴) حالت نفی سؤالی فعل آینده نزدیک در گذشته:

شکلی که امروزه صرف می شود.	شکلی که با اصول است ولی صرف نمی شود.
من گلمزیدیم می؟ mən gəlməzdimmi?	من گلمه یردیم می؟ men gəlməyərdimmi?
من گلمزیدین می؟ sən gəlməzdinmi?	سن گلمه یردین می؟ sən gəlməyərdinmi ?
او گلمزیدی می؟ o gəlməzdimi ?	او گلمه یردی می؟ o gəlməyərdimi ?

۱) گذشته استمراری مصدری و فرمهای مختلف آن:

همانطور که قبلاً در رابطه با فعل مصدری توضیح داده شد ، فعل مصدری بوسیله پسوندهای « ده də » ، « دا da » به شکل فعل در زمان حال در آمده و صرف می شود.

۱-۱) گذشته استمراری مصدری به شکل زیر صرف می شود :

من گل مکده یدیم mən gəlməkdəydim	بیز گل مکده یدیک gəlməkdəydik
سن گل مکده یدین sən gəlməkdəydin	سبز گل مکده یدینیز gəlməkdəydiniz
او گل مکده یدی o gəlməkdəydi	اونلار گل مکده یدیلر gəlməkdəydilər

توجه : از اینکه آخرین حرف مصدر « ق q » و یا « ك k » بوده و هر دو آنها جزو حروف بی

صدای ضعیف می باشد ، پسوند « ده də » و « دا da » در کنار حروف ضعیف تبدیل

به « ته ta » و « تا tə » می گردد . مردم آذربایجان در صرف افعال به این تغییر صدا

زیاد اهمیت نداده و عمدتاً آنها را به شکل « ده də » و یا « دا da » و فقط در

موارد کمی آن را به شکل « ته tə » و « تا ta » صرف می کنند. بنا بر این بهتر است که به

هر دو شکل آن اشاره شود. مثال : من گلمکته یدیم mən gəlməktəydim

سن گلمکته یدین sən gəlməktəydin

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پایینی می باشد ، به شکل زیر صرف می شود:

من آماقدایدیم ، سن آماقدایدین ، او آماقدایدی و...

۲-۱) گذشته دور استمراری مصدری به شکل زیر صرف می شود :

من گلمکده یمیشم mən gəlməkdəymişəm

سن گلمکده یمیش سن sən gəlməkdəymişsən

او گلمکده یمیش o gəlməkdəymiş

۳-۱) گذشته دورتر استمراری مصدری :

من گلمکده یمیشدیم mən gəlməkdəymişdim

سن گلمکده یمیشدین sən gəlməkdəymişdin

او گلمکده یمیشدی o gəlməkdəymişdi

۲) حالت نفی گذشته استمراری مصدری :

نفی این فعل بوسیله کلمه نفی « دئگیل » به شکل زیر صورت می گیرد :

من گلمکده دئگیل دیم mən gəlməkdə deyildim

سن گلمکده دئگیل دین sən gəlməkdə deyildin

او گلمکده دئگیل دی o gəlməkdə deyildi

بیز گلمکده دئگیل دیک biz gəlməkdə deyildik

سیز گلمکده دئگیل دینیز siz gəlməkdə deyildiniz

اونلار گلمکده دئگیل دیلر onlar gəlməkdə deyildilər

۱-۲) حالت نفی گذشته دور استمراری مصدری :

mən gəlməkdə deyilmişəm من گلمکده دئگیل میشم
 sən gəlməkdə deyilmişsən سن گلمکده دئگیل میس سن
 o gəlməkdə deyilmiş او گلمکده دئگیل میس

۲-۲) حالت نفی گذشته دورتر استمراری مصدری :

mən gəlməkdə deyilmişdim من گلمکده دئگیل میشدیم
 sən gəlməkdə deyilmişdin سن گلمکده دئگیل میشدین
 o gəlməkdə deyilmişdi او گلمکده دئگیل میس دی

۲-۳) حالت سؤالی گذشته استمراری مصدری

mən gəlməkdəydimmimi ? من گلمکده یدیم می ؟
 sən gəlməkdəydinmi ? سن گلمکده یدین می
 o gəlməkdəydimi? او گلمکده یدی می

۲-۴) حالت نفی سؤالی گذشته استمراری مصدری بوسیله « دئگیل » :

mən gəlməkdə deyildimmimi ? من گلمکده دئگیل دیم می ؟
 sən gəlməkdə deyildinmi ? سن گلمکده دئگیل دین می ؟
 o gəlməkdə deyildimi ? او گلمکده دئگیل دی می ؟

۲-۵) حالت نفی سؤالی فعل گذشته دور استمراری مصدری بوسیله « دئگیل » :

mən gəlməkdə deyilmişəmmi ? من گلمکده دئگیل میشم می ؟
 sən gəlməkdə deyilmişsənmi ? سن گلمکده دئگیل میس سن می ؟
 o gəlməkdə dəyilmişmi? او گلمکده دئگیل میس می

۲-۶) حالت نفی سؤالی فعل گذشته دورتر استمراری مصدری بوسیله « دئگیل » :

mən gəlməkdə deyilmişdimmi ? من گل مکده دئگیل میشدیم می ؟
 sən gəlməkdə deyilmişdinmi ? سن گل مکده دئگیل میشدین می ؟
 « mən gəlməktə deyilmişdimmi ? » این فعل می تواند به شکل ؟

ماضی نقلی و فرمهای مختلف آن :

فعل ماضی نقلی بوسیله ریشه فعل و پسوند « ایب » همراه پسوند صرفی و ساخته شده و صرف می شود. حرف صدادار پسوند ماضی نقلی (ای ا) تابع آخرین حرف صدادار ریشه فعل می باشد و در صرف (با هماهنگی بزرگ) به شکل « *ib , ıb* ، ایب » و « *ub , üb* ، اوب » هنباقی مانده و یا هنوز آن عمل تکرار می شود. مثال :

او غذا نمی خورد ، زیرا غذا خورده است یعنی سیراست و اثر خوردن هنوز ادامه دارد.

(« *اؤ یئمک یئیب آج دئگیل* » ، یعنی « او غذا خورده است و گرسنه نیست . »)

– امروزه فعل ماضی نقلی را برای اول شخص مفرد و جمع صرف نمی کنند و بجای آن گذشته دور ماضی ساده (میش) را بکار می گیرند. ولی در بعضی اشعار قدیمی ماضی نقلی را برای اول شخص مفرد نیز صرف کرده اند (۱) .

ماضی نقلی به شکل زیر برای ضمائر شخصی صرف می شود :

من گلبیم *mən gəlibəm* ، (بیز گلبییک : گفته نمی شود .)

سن گلب سن *sən gəlibsən* ، سیز گلب سینیز *siz gəlibsiniz*

اؤ گلب *o gəlib* ، اؤنلار گلب لر *onlar gəliblər*

ماضی نقلی را برای سوم شخص مفرد و جمع به شکل « میش » و « میشدی » نیز بکار می برند:

سن گلب میش سن *sən gəlibmişsən* ، سیز گلب میش سینیز *siz gəlibmişsiniz*

اؤ گلب میش *o gəlibmiş* ، اؤنلار گلب میش لر *onlar gəlibmişlər*

توجه : علامت ماضی نقلی « ایب » (*ib , üb* و ..) همشکل با حرف ربطی « و » می باشد. اگر « ایب » در

در وسط جمله بدون صرف ضمائر شخصی بکار رود معنی « و » را می دهد. (اؤ گلب گتدی

(اؤ گلدی و گتدی). عبارتی دیگر پسوند « دی » در پسوند « ایب » منعکس می شود.)

– به شعری از فضولی توجه کنید :

یار حال دلیمی زار بیلیدیر ، بیلیم دل زاریمدا نه کیم وار بیلیدیر ، بیلیم

yar hal dilimi zar bilibdir , bilibəm *dil zarımda nə kim var bilibdir , bilibəm*

۱) فعل آینده (دور) و فرمهای مختلف آن :

فعل آینده دور در زبان ترکی بوسیله پسوند « اچک » که به فعل پیوند می‌خورد ساخته می‌شود. حرف صدادار علامت فعل آینده (اچک) وابسته به آخرین حرف صدادار ریشه فعل می‌باشد. اگر آخرین حرف صدادار ریشه فعل به یکی حروف آهنگ پائینی (a , l , o , u) ختم شود، پسوند فعل آینده تبدیل به « آچاق » (acaq) و اگر ریشه فعل به حروف آهنگ بالائی (ə , i , e , ö , ü) ختم شود، پسوند فعل آینده تبدیل به « اچک » ə c ə k (با هماهنگی کوچک) می‌گردد :

ə , e , i , ö , ü = ə c ə k

a , l , o , u = acaq

فعل آینده همانند افعال دیگر به زمانهای مختلف قابل صرف می‌باشد. مثال :

۱-۱) فعلی که آخرین حرف صدادار آن به یکی از حروف آهنگ بالائی (ə , e , i , ö , ü) ختم

شود ، به شکل زیر برای ضمائر شخصی صرف می‌شود. مثال :

من گله جه یم mən gələcəyəm (من خواهم آمد)

سن گله جکسن sən gələcəksən (تو خواهی آمد)

او گله جک o gələcək (او خواهد آمد)

بیز گله جه ییک biz gələcəyik (ما خواهیم آمد)

سیز گله جک سینیز siz gələcəksiniz (شما خواهید آمد)

اونلار گله جکلر onlar gələcəklər (آنها خواهند آمد)

۱-۲) فعلی که آخرین حرف صدادار آن به آهنگ پائینی (a , l , o , u)

ختم شود ، به شکل زیر برای ضمائر شخصی صرف می‌شود. مثال :

من آلاچاغام mən alacağam (من خواهم گرفت)

سن آلاچاقسان sən alacaqsan (تو خواهی گرفت)

(او خواهد گرفت)	o	alacaq(dır)	اۇ آلاچاق (دیر)
(ما خواهیم گرفت)	biz	alacağımız	بیز آلاچاقیق
(شما خواهید گرفت)	siz	alacaqsınız	سیز آلاچاقسینیز
(آنها خواهند گرفت)	onlar	alacaqlar	اۇنلار آلاچاقلار

– حرف « ق » و « ك » در میان دو حرف صدادار به « غ » و « یه » تبدیل میشود.

(۲) حالت نفی فعل آینده :

نفی فعل آینده بوسیله حروف نفی « ما » و « مه » صورت می‌گیرد. فعلی که آخرین حرف صدادار آن به آهنگ بالائی ختم (ə, e, i, ö, ü) شود به شکل زیر نفی می‌شود:

من	mən	gəlməyəcəyəm	من گلمه یه جه یم
سن	sən	gəlməyəcəksən	سن گلمه یه جک سن
اۇ	o	gəlməyəcəək	اۇ گلمه یه جک
بیز	biz	gəlməyəcəyik	بیز گلمه یه جه بیک
سیز	siz	gəlməyəcəksiniz	سیز گلمه یه جک سینیز
اۇنلار	onlar	gəlməyəcəklər	اۇنلار گلمه یه جک لر

این فعل در محاوره به شکل « mən gəlmİYəcəyəm » نیز صرف می‌شود.

(۲-۱) فعلی که آخرین حرف صدادار آن به آهنگ پائینی (a, ɪ, o, u) ختم شود ، به

شکل زیر نفی و برای ضمائر شخصی صرف می‌شود. مثال :

من	mən	almayacağam	من آلمایاچاغام
سن	sən	almayacaqsan	سن آلمایاچاقسان
اۇ	o	almayacaq	اۇ آلمایاچاق
بیز	biz	almayacağımız	بیز آلمایاچاقیق

siz almayacaqsınız سیز آلما یا جاقسینینیز

onlar almayacaqlar اونلار آلما یا جاققلار

این فعل در محاور به شکل « almayacağam » نیز صرف می شود.

۳) حالت سؤالی فعل آینده

mən gələcəyəmmi ؟ من گله جه یم می ؟ (آیا من خواهم آمد)

sən gələcəksənmi ؟ سن گله جک سن می ؟ (آیا تو خواهی آمد)

o gələcəkmi ؟ او گله جک می ؟ (آیا او خواهد آمد)

biz gələcəyikmi ؟ بیز گله جه بیک می ؟

siz gələcəksinizmi ؟ سیز گله جک سینیز می ؟

onlar gələcəklərmi ؟ اونلار گله جک لر می ؟

۴) حالت نفی سؤالی فعل آینده :

نفی سؤالی فعل آینده به شکل زیر صرف می شود: (آیا من نخواهم آمد)

mən gəlməyəcəyəmmi ؟ من گلمه یه جه یم می ؟

sən gəlməyəcəksənmi ؟ سن گلمه یه جک سن می ؟

o gəlməyəcəkmi ؟ او گلمه یه جک می ؟

biz gəlməyəcəyikmi ؟ بیز گلمه یه جه بیک می ؟

siz gəlməyəcəksinizmi ؟ سیز گلمه یه جک سینیز می ؟

onlar gəlməyəcəklərmi ؟ اونلار گلمه یه جک لر می ؟

۵) صرف فعل آینده در گذشته و فرمهای مختلف آن :

فعل آینده همانند افعال دیگر به زمانهای مختلف گذشته بوسیله ماضی فعل « ایمك » قابل صرف می‌باشد. مثال :

من گله جه یدیم ، من گله جه یمیشدیم و...

فعل مذکور زمانی بکار گرفته می‌شود که کسی بخواهد تصمیم خود را که برای به انجام رساندن عملی در زمان گذشته برای آینده داشته بیان کند . مثال :

من هفته قبل تصمیم داشتم که شب جمعه هفته قبل بیدار شما بیایم ولی روز جمعه سخت مریض شدم و نیامدم .

من گئچن هفته جمعه آخشامی سیزه گله جه یدیم ، [هفته قبل، قبل از شب جمعه تصمیم داشتم که شب جمعه به خانه شما بیایم] آما جمعه گونو مریض اولدوم گلنمه دیم . [اما روز جمعه مریض شدم و نتوانستم بیایم .] بعبارتی هفته قبل تصمیم گرفته بودم که شب جمعه بخانه شما بیایم . شب جمعه ای که به نسبت روزهای هفته گذشته ، آینده بحساب می‌آید و آینده ای که خود نیز امروز گذشته محسوب می‌شود. (آینده در گذشته). « فعل آینده در گذشته » مفهوم دیگری نیز همانند جمله شرطی در زمان گذشته بخود می‌گیرد. (توجه شود که این فعل ، فعل شرطی نمی‌باشد.) بعبارتی اگر گفته شود که من تصمیم گرفته بودم بیایم. یعنی « من گله جه یدیم » ، بلا فاصله این سوال پیش می‌آید که چرا نیامدید . در جواب گفته می‌شود که من در روز جمعه مریض شدم . علاوه بر آن ، اگر گفته شود که من تصمیم گرفته بودم بیایم به این معنی نیز است که نتوانسته ام بیایم. بعبارتی تصمیم مذکور با عدم موفقیت روبرو بوده است. فعلی که مفاهیم فوق را بیان کند « فعل آینده در گذشته » نامیده می‌شود که می‌توان آن را در جمله برای يك و یا هر سه مفهوم ذکر شده بکار برد. این فعل به شکل زیر صرف می‌شود :

۵-۱) فعل آینده در گذشته

فعلی که آخرین حرف صدادار آن به آهنگ بالائی [ə, e, i, ö, ü] ختم شود به شکل زیر

صرف می‌شود. مثال :

mən gələcəydim	من گله جه یدیم	(تصمیم براین بود که بیایم)
sən gələcəydin	سن گله جه یدین	
o gələcəydi	او گله جه یدی	
biz gələcəydik	بیز گله جه یدیک	
siz gələcəydiniz	سیز گله جه یدینیز	
onlar gələcəydilər	اونلار گله جه یدیلر	

– حرف « ك » (gələcək) در میان دو حرف صدادار به « یه » (gələcəydim) تبدیل می‌شود .

۵-۲) صرف فعل آینده در گذشته دور

mən gələcəymişəm	من گله جه یمیشم
sən gələcəymişən	سن گله جه یمیش سن
o gələcəymiş	او گله جه یمیش
biz gələcəymişik	بیز گله جه یمیشیک
siz gələcəymişsiniz	سیز گله جه یمیش سینیز
onlar gələcəymişlər	اونلار گله جه یمیش لر

۵-۳) صرف فعل آینده در گذشته دورتر

mən gələcəymişdim	من گله جه یمیشدیم
sən gələcəymişdin	سن گله جه یمیشدین
o gələcəymişdi	او گله جه یمیشدی

۵-۴) فعلی که آخرین حرف صدادار آن به آهنگ پائینی ختم می‌شود :

فعل آینده در گذشته :

mən aǵlayacaǵ (i) dım من آغلا یا جاغیدیم

sən aǵlayacaǵ (i) dın سن آغلا یا جاغیدین

o aǵlayacaǵ (i) dı او آغلا یا جاغیدی

توجه : گذشته این فعل می تواند به شکل اصلی خود (مثل: idi) نیز صرف شود.

۵-۵) فعل آینده در گذشته دور

mən aǵlayacaǵ (i) mışam من آغلا یا جاغیمیشام

۵-۶) فعل آینده در گذشته دورتر

mən aǵlayacaǵ (i) mışdıم من آغلا یا جاغیمیشدیم

۵-۷) حالت نفی سوالی فعل آینده در گذشته :

نفی سوالی فعل آینده در گذشته به شکل زیر صرف می شود . مثال :

mən gəlməyəcəy(i)dimmi? من گلمه یه جه یدیم می ؟

sən gəlməyəcəy(i)dinmi? سن گلمه یه جه یدین می ؟

o gəlməyəcəy(i)dimi? او گلمه یه جه یدی می ؟

۱) کلمه سازی بوسیله پسوند فعل آینده

هرگاه ریشه فعل را با پسوند آینده (« آجک » و « آجاق » با هماهنگی کوچک)

پیوند دهیم کلمه جدیدی بوجود می آید . مثال :

- گله جک gələcək (آینده)

گله جک زمان gələcəkzaman (زمان آینده)

- آلا جاق alacaq (طلب)

alacağım	(طلب من)	آلاجاغیم
verəcək	(بدهی)	- وِرَجَك
verəcəyim	(بدهی من)	وئرجه ییم
düşünəcək	(ادراك)	- دوشونه جك
düşünəcəyim	(فهم وادراك من)	دوشونه جه ییم

(۱-۱) کلمه ای که بوسیله پسوند فعل آینده (اجك ، آجاق) ساخته شده (کلمه ای که آخرین حرف صدادار آن به آهنگ پائینی ختم می شود.) به شکل زیر صرف می شود :

mənim alacağım	(طلب من)	منیم آلاجاغیم
sənin alacağın	(طلب تو)	سنیین آلاجاغین
onun alacağı	(طلب او)	اؤنون آلاجاغی
bizim alacağımız	(طلب ما)	بیزیم آلاجاغیمیز
sizin alacağınız	(طلب شما)	سیزین آلاجاغینیز
onların alacaqları	(طلب آنها)	اؤنلارین آلاجاقلاری

حرف « ق » در میان دو حرف صدادار به « غ » تبدیل می شود .

(۱-۲) کلمه ای که بوسیله پسوند آینده (اجك) ساخته شود به شکل زیر در حالت‌های مختلف تصریفی صرف می شود :

mənim gələcəyim	(آینده من)	منیم گله جه ییم	حالت فاعلیت :
mənim gələcəyimə	(به آینده من)	منیم گله جه ییمه	حالت مفعول با واسطه:
mənim gələcəyimdə	(در آینده من)	منیم گله جه ییم ده	حالت با واسطه با حرف اضافی در:
mənim gələcəyimdən	(از آینده من)	منیم گله جه ییم دن	حالت مفعول با واسطه با حرف اضافی از:
mənim gələcəyimi	(آینده مرا)	منیم گله جه ییمی	حالت بیواسطه :
mənim gələcəyimmin	(مال آینده من)	منیم گله جه ییمین	حالت اضافه ملکی :

فعل فاعلیت صفتی (فعل انعکاسی) و فرمهای مختلف آن :

هر وقت حروف an, ən را به ریشه فعل پیوند دهیم کلمه ترکیبی جدیدی بوجود می‌آید. اگر کلمه مذکور را برای ضمائر شخصی صرف کنیم، به شکل فعل ظاهر می‌شود و عملی را (مثل : « فاعلیت صفتی » ، « توان داشتن ») در فاعل و فاعل را در خود به شکل منعکسه بیان می‌کند. مثال :

من گلنم ، من آن هستم که می‌آیم (می‌توانم بیایم ، توان آمدن دارم) ولی اگر کلمه مذکور را به شکل فعل صرف نکنیم با مفاهیم دیگری در جمله به شکل زیر بکار گرفته می‌شود :

اسم فاعلی : بیننده (گورن) ،

صفت فاعلی : رونده (گئدن) ، صفت مشبیه : شنوا (ائشیدن) و ..

کلمه انعکاسی : او گلن کیم دیر ؟ آن که می‌آید ، چه کسی است ؟

او گلن هارالی دیر ؟ آن که می‌آید ، اهل کجاست ؟ و ...

– صرف فعل فاعلیت صفتی برای ضمائر شخصی بدون قید زمانی مفهوم زمان حال و آینده نزدیک را دارد که به گذشته‌های مختلف نیز قابل صرف می‌باشد ؛ ولی صرف آن به شکل امری و ... به کمک فعل « اولماق » در جمله امکان پذیر است .

۱-۱) ریشه فعلی که آخرین حرف صدادار آن به آهنگ بالائی (ə, e, i, ö, ü)

ختم شود (با هماهنگی کوچک) به شکل زیر برای ضمائر شخصی صرف می‌شود. مثال:

من گلنم mən gələnəm (من آن هستم که می‌آیم)

سن گلن سن sən gələnsən (تو آن هستی که می‌آیی)

او گلن دیر o gələndir (او آن است که می‌آید)

بیز گلن یک biz gələnik (ما آنهایی هستیم که می‌آییم)

سبز گلن سینیز siz gələnsiniz (شما آنهایی هستید که می‌آید)

اونلار گلن دیرلر onlar gələndirlər (آنها آنهایی هستند که می‌آیند)

۱-۲) ریشه فعلی که آخرین حرف صدادار آن به آهنگ پائینی (a, i, o, u = a)

ختم شود به شکل زیر صرف می شود. مثال : اگر پرسیده شود نویسنده این کتاب کیست ؟ در جواب می توان گفت: بوکیتابی یازان منم (نویسنده این کتاب من هستم.)

من یازانام mən yazanam (من آن هستم که نوشته ام)
 سن یازان سان sən yazansan
 او یازان دیر o yazandır

۱-۳) حالت نفی فعل فاعلیت صفتی

نفی این فعل بوسیله کلمه « دئگیل » ، « مه » و « مز » صورت می گیرد. نفی این فعل را (برعکس خود فعل) می توان به شکل زمان حال (بوسیله پسوند ir باهماهنگی بزرگ) و به شکل آینده نزدیک (بوسیله پسوند ar و ər با هماهنگی کوچک) صرف کرد :

a) فعلی که آخرین حرف صدادار آن به آهنگ بالائی (ə , e , i , ö , ü) ختم شود به شکل زیر با کلمه « دئگیل » در جمله نفی و صرف می شود:

من گلن دئگیلم mən gələn deyiləm (من آن نیستم که می آیم)
 سن گلن دئگیلسن sən gələn deyilsən (تو آن نیستی که می آیی)
 او گلن دئگیل o gələn deyil (او آن نیست که می آید)

b) نفی فعل فاعلیت صفتی بوسیله « مه » ، « مز » :

اگر این فعل بوسیله « مه » و « مز » نفی شود مفهومی همانند فعل کمکی بخود می گیرد. (فعل آینده نزدیک با هماهنگی کوچک صرف می شود) مثال :

من گلن مه رم mən gələn mərəm (من نمی توانم بیایم)
 سن گلن مه زسن sən gələn məzsən (تو نمی توانی بیایی)
 او گلن مز o gələn məz (او نمی تواند بیاید)

نفي فعل فاعليت صفتي در زمان حال به شكل زير مي باشد:

من گلن ميرم mən gələnmirəm ، بيز گلن ميريك biz gələnmirik
 سن گلن ميرسن sən gələnmirəsən ، سيز گلن ميرسينيز siz gələnmirsiniz
 او گلن مير o gələnmir ، اونلار گلن ميرلر onlar gələnmirilər

۱-۵) صرف سؤالي فعل فاعليت صفتي بوسيله « مي » به شكل زير مي باشد:

(آيا من آن هستم كه مي آيم)

mən gələnəmmi ? من گلنم مي

sən gələnsənmi ? سن گلن سن مي

o gələn(dir)mi ? او گلن (دير) مي

۱-۶) نفي سؤالي فعل فاعليت صفتي بوسيله « دئگيل » به شكل

زير صرف مي شود : (آيا من آن نيستم كه مي آيم)

mən gələn deyiləmmi ? من گلن دئگيلم مي

sən gələn deyilsənmi ? سن گلن دئگيل سن مي

o gələn dəyil (dir) mi ? او گلن دئگيل (دير) مي

۲) گذشته فعل فاعليت صفتي :

در صرف گذشته اين فعل پسوند ماضي به فرم « دي » و « ميش » مخفف نشده

بلکه به شكل اصلي خود (« ایدی » و « ایمیش ») بکار گرفته می شود :

mən gələnidim من گلن ایديم

sən gələnidin سن گلن ایدين

o gələnidi او گلن ایدی

نفي گذشته استمراري فعل مذکور : من گلن ميرديم mən gələnirdim

نفی فعل آینده نزدیک در گذشته : من گلن مزدیم mən gələnməzdim

(۲-۱) حالت نفی گذشته فعل فاعلیت صفتی :

گذشته : من گلن دئگیل دیم mən gələn deyildim

(۲-۲) حالت نفی سؤالی گذشته فعل فاعلیت صفتی :

گذشته : من گلن دئگیل دیم می ? mən gələn deyildimmi

(۳) صرف فعل فاعلیت صفتی به کمک « اولماق » در جمله :

فعل فاعلیت صفتی به تنهایی به شکل « امری » و یا به « زمان آینده » قابل صرف نمی باشد. ولی این فعل را می توان به کمک فعل « اولماق » (شدن) نه تنها به شکل امری و یا به زمان آینده صرف کرد بلکه به اشکال مختلف صرف شده نیز بکار گرفت. فعل فاعلیت صفتی در جملات مذکور مفاهیم « اسم فاعلی » ، « صفت فاعلی » ، « صفت مشبیه » و « کلمه انعکاسی » را نیز در خود منعکس می کند.

(۳-۱) صرف امری فعل فاعلیت صفتی بکمک « اولماق » در جمله به شکل زیر می باشد :

(این افعال به شکل امری بندرت صرف می شوند. معنی آن یعنی

تو آن کسی باش که قادر به آمدن باشد [بتواند بیاید] .)

من گلن اولوم mən gələn olum

سن گلن اول sən gələn ol

او گلن اولسون o gələn olsun

(۳-۲) نفی امری فعل فاعلیت صفتی بوسیله « مه » و « ما » در جمله به شکل زیر

صرف می شود :

من گلن اولماییم (olmam) mən gələn olmayım

سن گلن اولما sən gələn olma

اۇ گلن اۇلماسين o gälän olmasın

۳-۳) گذشته های مختلف فعل فاعلیت صفتی بكمك « اۇلماق » در جمله به شکل زیر صرف می شود :

گذشته : من گلن اۇلدوم mən gälän oldum

گذشته دور : من گلن اۇلموشام mən gälän olmuşam

گذشته دورتر : من گلن اۇلموشدوم mən gälän olmuşdum

۴) صرف فعل فاعلیت صفتی در زمان حال به كملك « اۇلماق » در جمله به شکل زیر می باشد :

من گلن اۇلورام mən gälän oluram

سن گلن اۇلورسان sən gälän olursan

اۇ گلن اۇلور o gälän olur

۱-۴) نفی فعل فاعلیت صفتی در زمان حال به كملك « اۇلماق » در جمله به شکل زیر صرف می شود :

من گلن اۇلمورام mən gälän olmuram

سن گلن اۇلمورسان sən gälän olmursan

اۇ گلن اۇلمور o gälän olmur

۲-۴) گذشته های مختلف استمراری فعل فاعلیت صفتی بكمك « اۇلماق » در جمله به شکل زیر برای ضمائر شخصی صرف می شود .

گذشته : من گلن اۇلوردوم mən gälän olurdum

گذشته دور : من گلن اۇلورموشام mən gälän olurmuşam

گذشته دورتر : من گلن اۇلورموشدوم mən gälän olurmuşdum

۵) صرف آینده نزدیک فعل فاعلیت صفتی به شکل زیر به

كمك « اۇلماق » در جمله بكار گرفته مى شود :

mən gələn olaram من گلن اۇلارام

sən gələn olarsan سن گلن اۇلارسان

o gələn olar اۇ گلن اۇلار

۵-۱) نفي آينده نزديك فعل فاعليت صفتى به كلك « اۇلماق » در جمله به شكل زير

برای ضمائر شخصى صرف مى شود :

mən gələn olmaram من گلن اۇلمارام

sən gələn olmazsan سن گلن اۇلمازسان

(sən gələn olmayarsan سن گلن اۇلمايارسان)

o gələn olmaz اۇ گلن اۇلماز

۵-۲) صرف آينده نزديك فعل فاعليت صفتى در گذشته هاى مختلف به كلك

« اۇلماق » در جمله به شكل زير مى باشد :

mən gələn olardım من گلن اۇلاردیم گذشته :

sən gələn olarmışsan سن گلن اۇلارمیش سان گذشته دور :

o gələn olarmışdı اۇ گلن اۇلارمیشدی گذشته دورتر :

۶) صرف آينده فعل فاعليت صفتى به كلك « اۇلماق »

در جمله بكار گرفته مى شود :

mən gələn olacağam من گلن اۇلاچاغام

sən gələn olacaqsan سن گلن اۇلاچاقسان

o gələn olacaq اۇ گلن اۇلاچاق

مثال : بۇ ايت قاپاغان اۇلاچاق . . bu it kapağan olacaq .

بۇ قۇزو وۇراغان اۇلاچاق . bu quzu vurağan olacaq .

۱-۶) نفی آینده (اجك) فعل فاعلیت صفتی بكمك « اۇلماق » در جمله به شكل زیر می باشد :

mən gələn olmayacağam	من گلن اۇلماياجاغام
sən gələn olmayacaqsan	سن گلن اۇلماياجاقسان
o gələn olmayacaq	اۇ گلن اۇلماياجاق

۷) صرف ماضی نقلی فعل فاعلیت صفتی بكمك « اۇلماق » در جمله :

sən düşünən (adam) olubsan	سن دوشونن (آدام) اۇلوبسان
o düşünən (adam) olub	اۇ دوشونن (آدام) اۇلوب
siz düşünən (adam) olubsunuz	سيز دوشونن (آدام) اۇلوبسونوز
onlar düşünən(adam) olublar	اۇنلار دوشونن (آدام) اۇلوبلار

کلمه سازی بوسیله فعل فاعلیت صفتی

با اضافه کردن حروف « də,da » به فعل فاعلیت صفتی می توان آن را به کلمه جدیدی مبدل ساخت. فعل فاعلیت صفتی با پسوند də,da مفهوم همچون « در همان شروع » ، « در همان آغازین » ، « در همان لحظه اولین » کاری را بیان می کند. مثال :

(لحظه ای که من آمدم)	mən gələndə	من گلنده
(لحظه ای که تو آمدی)	sən gələndə	سن گلنده
(لحظه ای که او آمد)	o gələndə	اۇ گلنده
(لحظه ای که ما آمدیم)	biz gələndə	بیز گلنده
(لحظه ای که شما آمدید)	siz gələndə	سيز گلنده

اۇنلار گلندە onlar gələndə (لحظه ای که آنها آمدند)

توجه : - توجه شود که این فعل زمان مشخصی گذشته و حال آینده انعکاس نمی کند .

- کلمات مذکور در جملات مختلف به شکل زیر بکار گرفته می شوند:

- اۇشاق ایتی گۆرنده آغلادی . (در همان لحظه ای که بچه سگ را دیدگریه کرد.)

uşaq iti görəndə ağladı .

به شکل زمان حال: من سنی گۆرنده سئوینیرəm. mən səni görəndə sevinirəm.

به شکل آینده نزدیک: سن دئینده من گلرəm. sən deyəndə mən gələrəm.

به شکل ماضی: من سنی گۆرنده سئویندیم . (من وقتی که تو را دیدم خوشحال شدم.)

mən səni görəndə sevindim .

- من قاپیدان چیخاندا سنی گۆردوم . (من لحظه ای که از در بیرون آمدم تورا

mən qapıdan çıxanda səni gördüm . (مشاهده کردم.)

- من گونه باخاندا گۆزلریم قاماشدی . (لحظه ای که من به خورشید نگاه کردم چشمانم

mən günə baxanda gözlərim qamaşdı . (پریزد [سیاهی زد].)

- به سه جمله زیر که تا حدودی به هم شبیه اند توجه کنید :

الف) گذشته استمراری : قۇش گویده اۇچوردی (دو) کی وۇرولدو (دی) .

پرنده در آسمان پرواز می کرد که زده شد. quş göydə uçurdu ki , vuruldu .

ب) گذشته به شکل مصدری : قۇش اۇچماقدایدی کی وۇرولدو (دی)

پرنده در حال پرواز کردن بود که زده شد. quş uçmaqdaydı ki vuruldu .

پ) لحظه آغازین کار : قۇش اۇچاندا وۇرولدو . guş uçanda vuruldu .

(پرنده همان لحظه ای که شروع به پرواز کرد زده شد .)

توجه: با وجودی که کلمه مذکور در جمله بوسیله فعل به زمانهای مختلف صرف شده ، ولی کلمه

قید زمانی نیز باید همراه داشته باشد. سن دونن ائوه گلنده من سنه سلام وئردیم.

۱) فعل کمکی و فرمهای مختلف آن :

فعل کمکی بوسیله ریشه فعل « بيلمك bilmək » (دانستن) همراه فعل دیگر ساخته می شود. فعل « بيلمك » (بیل) با افعال دیگر پیوند می خورد و بین آنها نیز يك حرف اضافی پیوندی « آ » یا « آ » (a , ə) افزوده می شود و برای مثال فعل « گل » به شکل « گله بیل gəl ə bil » در می آید.

در ساختن افعال کمکی (مرکب کمکی) حرف اضافی « a , ə » را به فعل اولی پیوند داده و فعل دومی را جدا (به شکل « گله بیل gəl ə bil ») می نویسند. به نظر می رسد که دلیل جدا نوشتن آن خط عربی باشد .

چرا که با خط عربی حرف « آ » آخری را به شکل « ه » نوشته و حرف « ه » (ə) و « آ a » را در آخر کلمه نمی توان به حرف بعدی پیوند داد. مثال:

گله بیل (سعی کن که بتوانی بیائی) ، دئیه بیل (سعی کن که بتوانی بگوئی) ، آلا بیل (سعی کن که بتوانی بگیری) و

فعلی که آخرین حرف صدادار آن به یکی از حروف آهنگ بالائی e,ə,i,ö,ü ختم شود ، به شکل زیر به ضمائر شخصی صرف می شود. مثال :

۱-۱) حالت امری فعل کمکی : (سعی کن که بتوانی بیائی)

biz	gələ bilək	بیز گله بیلک	mən	gələ bilim	من گله بیلیم
siz	gələ bilin	سیز گله بیلین	sən	gələ bil	سن گله بیل
onlar	gələ bilsinlər	اونلار گله بیلسینلر	o	gələ bilsin	او گله بیلسین

توجه : جدا نوشتن فعل مذکور (گله - بیل) ، فعل اولی (گله) را به شکل « فعل آرزوئی » در

می آورد و از این روست که فعل کمکی کمی جنبه « آرزوئی » نیز به خود می گیرد. زیرا

حرف « a , ə » در آخر فعل علامت مخصوص « فعل آرزوئی » می باشد .

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی می باشد :

من گله بیلسم ، سن گله بیلسن ، او گله بیلسه
بیز گله بیلسک ، سیز گله بیلسه نیز ، اونلار گله بیلسه لر

۱-۱) نفی فعل امری کمکی بوسیله «مه» و «ما» به شکل زیر برای ضمائر شخصی صرف می شود :

من گله بیلمه ییم mən gələ bilmim ، بیز گله بیلمه یک biz gələ bilməyək
سن گله بیلمه sən gələ bilmə ، سیز گله بیلمه یین siz gələ bilməyin
او گله بیلمه سین o gələ bilməsin ، اونلار گله بیلمه سینلر onlar gələ bilməsinlər

۱-۲) گذشته های مختلف فعل کمکی به شکل زیر می باشد : گذشته :

من گله بیلدیم mən gələ bildim
سن گله بیلدین sən gələ bildin
او گله بیلدی o gələ bildi

گذشته دور : من گله بیلمیشم mən gələ bilmişəm
گذشته دورتر: من گله بیلمیشدیم mən gələ bilmişdim

۲) حالت فعل کمکی در زمان حال به شکل زیر می باشد:

من گله بیلیرم mən gələ bilirəm ، بیز گله بیلیریک biz gələ bilirik
سن گله بیلیرسن sən gələ bilirsən ، سیز گله بیلیرسینیز siz gələ bilirsiniz
او گله بیلیر o gələ bilir ، اونلار گله بیلیرلر onlar gələ bilirlər

- فعلی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ پائینی می باشد :

من آلابیلیرم ، سن آلابیلیرسن ، او آلابیلیر
بیز آلابیلیریک ، سیز آلابیلیرسینیز ، اونلار آلابیلیرلر .

۲-۱) حالت نفی فعل کمکی در زمان حال به شکل زیر می باشد:

من گله بیلیرم mən gələ bilmirəm ، بیز گله بیلیردیک
سن گله بیلیرسن sən gələ bilmirsən ، سیز گله بیلیردینیز
اؤ گله بیلیر o gələ bilmir ، اونلار گله بیلیردیلر

۲-۲) گذشته های مختلف استمراری فعل کمکی به شکل زیر می باشد:

گذشته : من گله بیلیردیم mən gələ bilirdim
گذشته دور : من گله بیلیرمیشم mən gələ bilirmişəm
گذشته دور تر : من گله بیلیرمیشدیم mən gələ bilirmişdim

۲-۳) حالت نفی گذشته های مختلف استمراری فعل کمکی به شکل زیر می باشد :

گذشته : من گله بیلیردیم mən gələ bilmirdim
گذشته دور : من گله بیلیرمیشم mən gələ bilmirmişəm
گذشته دور تر : من گله بیلیرمیشدیم mən gələ bilmirmişdim

- اصل فعل: من « gələ bilmiyirdim » می باشد که آن مخفف شده است

۳) صرف آینده نزدیک فعل کمکی به شکل زیر می باشد :

من گله بیلرم mən gələ bilərəm
سن گله بیلرسن sən gələ bilərsən
اؤ گله بیلر o gələ bilər
بیز گله بیلریک biz gələ bilərik
سیز گله بیلرسینیز siz gələ bilərsiniz
اونلار گله بیلرلر onlar gələ bilərlər

۳-۱) نفی آینده نزدیک فعل کمکی به شکل زیر می باشد :

(فرم اصلی فعل)	شکلی که امروزه صرف می شود .
(gələ bilməyəram)	من گله بیلمه رم mən gələ bilməram
(gələ bilməyərsən)	سن گله بیلمزسن sən gələ bilməzsən
	او گله بیلمز o gələ bilməz

۲-۳) صرف آینده نزدیک فعل کمکی در گذشته های مختلف به شکل زیر می باشد :

mən gələ bilərdim	من گله بیلردیم	گذشته :
mən gələ bilərmişəm	من گله بیلرمیشم	گذشته دور :
mən gələ bilərmişdim	من گله بیلرمیشدیم	گذشته دورتر :

۳-۳) نفی آینده نزدیک فعل کمکی در گذشته های مختلف به شکل زیر می باشد:

mən gələ bilməyərdim	من گله بیلمه یه ردیم	گذشته : به جای :
mən gələ bilməzdim	من گله بیلمزدیم	گفته میشود :
mən gələ bilməyərmışəm	من گله بیلمه یه رمیشم	گذشته دور: بجای :
mən gələ bilməzmişəm	من گله بیلمزمیشم	گفته میشود :
mən gələ bilməyərmışdim	من گله بیلمه یه رمیشدیم	گذشته دورتر: بجای :
mən gələ bilməzmişdim	من گله بیلمزمیشدیم	گفته میشود :

۴) صرف آینده فعل کمکی (با اجك) به شکل زیر می باشد :

mən gələ biləcəyəm	من گله بیله جه یم
sən gələ biləcəksən	سن گله بیله جك سن
o gələ biləcək	او گله بیله جك
biz gələ biləcəyik	بیز گله بیله جه ییک
siz gələ biləcəksiniz	سیز گله بیله جك سینیز
onlar gələ biləcəklər	اونلار گله بیله جكلر

۳-۱) نفی آینده فعل کمکی به شکل زیر می‌باشد :

mən gələ bilməyəcəyəm	من گله بیلمه یه جه یم
sən gələ bilməyəcəksən	سن گله بیلمه یه جک سن
o gələ bilməyəcək	او گله بیلمه یه جک

کلمه سازی جدید بوسیله فعل کمکی و پسوند مصدری

فعل کمکی را با پسوند مصدری می‌توان به شکل مصدر در آورد و در جملات مختلف با مفهوم جدیدی بکار برد. برای مثال به ترکیب کلمات زیر توجه کنید :

آلا بیلمک	ala bilmək	(بتوان گرفت)
گله بیلمک	gələ bilmək	(بتوان آمد)
ائده بیلمک	edə bilmək	(بتوان کاری را انجام داد)
یئیه بیلمک	yeyə bilmək	(بتوان خورد)
گوله بیلمک	gülə bilmək	(بتوان خندید)
اؤخویا بیلمک	oxuya bilmək	(بتوان خواند)
گۆره بیلمک	görə bilmək	(بتوان دید)

توجه : از اینکه آخر کلمات مصدری مذکور با فعل کمکی (بیلمک) ساخته شده و از اینکه آخرین

حرف صدادار فعل « بیل bil » حرف « i » می‌باشد ، در نتیجه کلیه پسوندهای مصدری آن

بوسیله پسوند mək بکار گرفته می‌شوند. مثل :

گوره بیلمک görə bilmək ، آلابیلمک ala bilmək....

کلمات مذکور به شکل زیر بکار گرفته می‌شوند . مثال :

منیم آلا بیلمه یم məmim ala bilməyim (طریقہ [توان] گرفتن من)

منیم گله بیلمه یم mənim gələ bilməyim (توان [طریقہ] آمدن من)

کلمه سازی تشبیهی با فعل کمکی بيلمك :

اگر ریشه فعل « بيلمك » را به همراه کلمه « ائله elə » بکار بریم . کلمه تشبیهی به شکل « ائله بيل elə bil » ساخته می شود. مثال :

- o oğlan elə bil div(dev)dir. آن پسر مثل دیو است. او اؤغلان ائله بيل دئودير.
- o qiz elə bil çiçəkdir. آن دختر مثل گل است. او قيز ائله بيل چيچکدير.
- o quzu elə bil camışdır. آن بره مثل گاومیش است. او قوزو ائله بيل جاميشدير.
- bu ev elə bil dağdır. این خانه مثل يك کوه می ماند. بۇ ائو ائله بيل داغدير.

(۱) فعل کمکی با علامت فاعلیت صفتی :

اگر پسوند فعل فاعلیت صفتی (an , ən) را به فعل کمکی پیوند دهیم ، فعل جدیدی به نام فعل کمکی فاعلیت صفتی به شکل زیر در می آید . مثال :

گلّه بيلن	gələ bilən	(آن کسی که توانائی آمدن دارد)
گئده بيلن	gədə bilən	(آن کسی که توانائی رفتن دارد)
يغیه بيلن	yeyə bilən	(آن کسی که توانائی خوردن دارد)

(۱-۱) فعل کمکی فاعلیت صفتی به شکل زیر برای ضمائر شخصی صرف می شود :

(من آن کسی هستم که می توانم بیایم .)

mən gələ bilənəm من گلّه بيلنم

sən gələ bilənsən سن گلّه بيلن سن

o gələ bilən (dir) او گلّه بيلن (دير)

(۱-۲) نفی فعل کمکی فاعلیت صفتی بوسیله « مه » و « دئگیل » صورت می گیرد :

نفی آن بوسیله « مه » و « ما » به شکل زیر صرف می شود. مثال :

(من آن کسی هستم که نتوانستم بیایم .)

mən gələ bilməyənam من گله بیلمه یه نم
sən gələ bilməyənsən سن گله بیلمه یین سن
o gələ bilməyən (dir) او گله بیلمه یه ن (دیر)

۳-۱) نفی فعل کمکی فاعلیت صفتی بوسیله کلمه « دئگیل » با مفهوم دیگر به شکل

زیر نفی و صرف می باشد : (« من آن کسی نیستم که بتوانم بیایم . »)

mən gələ bilən deyiləm من گله بیلن دئگیلم
sən gələ bilən deyilsən سن گله بیلن دئگیلسن
o gələ bilən deyil (dir) او گله بیلن دئگیل (دیر)

۳-۱) گذشته های مختلف فعل کمکی فاعلیت صفتی به شکل زیر است:

mən gələ bilən idim من گله بیلن یدیم گذشته .
mən gələ bilən imişəm من گله بیلن یمیشم گذشته دور :
mən gələ bilən imişdim من گله بیلن یمیشدیم گذشته دورتر :
در صرف این فعل ، حرف صدادار پسوند ماضی (i) را مخفف نمی کنند.

۵-۱) نفی گذشته های مختلف فعل کمکی فاعلیت صفتی با کلمه « دئگیل » به

شکل زیر صورت می گیرد :

mən gələ bilən deyildim من گله بیلن دئگیل دیم نفی گذشته :
sən gələ bilən deyilmişsən سن گله بیلن دئگیل میشسن نفی گذشته دور :
o gələ bilən deyilmişdi او گله بیلن دئگیل میشدی نفی گذشته دورتر :

۲) کلمه سازی بوسیله فعل کمکی با پسوند دو گانه مصدری:
 اگر حرف پیوندی (ə,a) فعل کمکی را حذف کرده و بجای آن يك پسوند مصدری
 (« مك» و یا « ماق ») اضافه کنیم کلمه تازه ای با مفهومی جدید بوجود می آید. مثال:
 (توانائی انجام کاری را داشتن)

اؤزمك بيلمك üzmək bilmək (شنا کردن [توانستن] بلد بودن)

يازماق بيلمك yazmaq bilmək

دانیشماق بيلمك danışmaq bilmək

کلمات مذکور در جمله به شکل زیر بکار گرفته می شوند :

بۇ زمانه ده هر کیمه يازماق بيلمك لازيم دير. (در این زمانه هر کس الزاماً باید نوشتن بلد
 باشد) بدانند).
 bu zəmanədə hər kimə yazmaq bilmək lazımdır.

– کلمات مذکور که بوسیله فعل کمکی همراه دو پسوند مصدری بوجود می آیند ، با
 حذف آخرین پسوند مصدری به شکل ریشه فعل در آمده و به اشکال مختلف زیر
 صرف می شوند . مثال :

۳) صرف امری فعل کمکی با پسوند دو گانه مصدری
 به شکل زیر می باشد:

من اؤخوماق بيلم mən oxumaq bilim (من خواندن بدانم)

سن اؤخوماق بيل sən oxumaq bil (تو خواندن بدان)

او اؤخوماق بيلسين o oxumaq bilsin (او خواندن بدانند)

بیز اؤخوماق بيله ك biz oxumaq bilək (ما خواندن بدانیم)

سيز اؤخوماق بيلين siz oxumaq bilin (شما خواندن بدانید)

اونلار اؤخوماق بيلسينلر onlar oxumaq bilsinlər (آنها خواندن بدانند)

۳-۱) گذشته های مختلف فعل کمکی با پسوند دو گانه مصدری به شکل

زیر برای ضمائر شخصی صرف می‌شود:

mən üzmək bildim من اۆزمک بیلدیم گذشته :

sən üzmək bildin سن اۆزمک بیلدین

o üzmək bildi او اۆزمک بیلدی

mən üzmək bilmişəm من اۆزمک بیل میشم گذشته دور :

mən üzmək bilmişdim من اۆزمک بیل میشدیم گذشته دورتر :

۴) فعل کمکی با پسوند دوگانه مصدری در زمان حال به

شکل زیر صرف می‌شود : (من شناکردن بلد هستم)

mən üzmək bilirəm من اۆزمک بیلیرم

sən üzmək bilirsən سن اۆزمک بیلیرسن

o üzmək bilir او اۆزمک بیلیر

۱-۳) گذشته های استمراری مختلف فعل کمکی با پسوند دوگانه مصدری به

شکل زیر می‌باشد :

mən üzmək bilirdim من اۆزمک بیلیردیم گذشته :

mən üzmək bilirmişəm من اۆزمک بیلیرمیشم گذشته دور :

mən üzmək bilirmişdim من اۆزمک بیلیرمیشدیم گذشته دورتر :

۵) آینده نزدیک فعل کمکی با پسوند دوگانه مصدری به

شکل زیر صرف می‌شود:

mən oxumaq bilərəm من اۆخوماق بیلرم

sən oxumaq bilərsən سن اۆخوماق بیلرسن

o oxumaq bilər او اۆخوماق بیلر

۱-۵) آینده نزدیک فعل کمکی با پسوند دوگانه مصدری در گذشته های مختلف به

شکل زیر می باشد :

mən oxumaq bilərmid	من اؤخوماق بیلردیم	گذشته :
mən oxumaq bilərmişəm	من اؤخوماق بیلر میشم	گذشته دور :
mən oxumaq bilərmişdim	من اؤخوماق بیلر میشدیم	گذشته دورتر :

۶) آینده فعل کمکی با پسوند دو گانه مصدری به شکل زیر صرف می شود : (من خواهم توانست بخوانم و یا من خواندن یاد خواهم گرفت)

mən oxumaq biləcəyəm	من اؤخوماق بیله جه یم
sən oxumaq biləcəksən	سن اؤخوماق بیله جه کسن
o oxumaq biləcək	اؤ اؤخوماق بیله جک

۶-۱) آینده فعل کمکی با پسوند دو گانه مصدری در گذشته های مختلف به شکل زیر برای صرف می شود :

mən demək biləcəydim	من دئمک بیله جه یدیم	گذشته :
mən demək biləcəymişəm	من دئمک بیله جه یمیشم	گذشته دور :
mən demək biləcəymişdim	من دئمک بیله جه یمیشدیم	گذشته دورتر :

۷) ماضی نقلی فعل کمکی به شکل زیر صرف می شود :
(معمولاً ماضی نقلی را برای اول شخص مفرد و جمع صرف نمی کنند.)

sən gələ bilibsən	سن گله بیلیب سن
o gələ bilib (dir)	اؤ گله بیلیب
siz gələ bilibsiniz	سیز گله بیلیب سینیز
onlar gələ biliblər	اونلار گله بیلیب لر

۱) فعل باوجه التزامی و فرمهای مختلف آن :

فعل با «وجه التزامی» در زبان ترکی بوسیله پسوند «ملی»، «مالی» ساخته می‌شود. جملات التزامی نیز بوسیله کلمه «گرك»، «زوروندا»، «مجبور»، «لازیم» و همچنین به كمك «اولماق» (شدن) به شکل‌های مختلف ساخته و صرف می‌شود:

۱-۱) فعل باوجه التزامی (ملی) :

این فعل بوسیله حروف اضافی «ملی» که به شکل پسوند به فعل پیوند خورده و در بین ریشه فعل و ضمیر متصل شخصی قرار می‌گیرد ساخته می‌شود. از اینکه حرف صدادار پسوند التزامی تابع آخرین حرف صدادار فعل است، در نتیجه به شکل «ملی mali» و «مالی mali» (هماهنگی کوچک) در می‌آید. افعالی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ بالائی [ə, e, i, ö, ü = ə] است به شکل زیر برای ضمائر شخصی صرف می‌شود:

biz gəlməliyik	بیز گلملی ییک	mən gəlməliyəm	من گلملی یم
siz gəlməlisiniz	سیز گلملی سینیز	sən gəlməlisən	سن گلملی سن
onlar gəlməlidirlər	اونلار گلملی دیرلر	o gəlməlidir	او گلملی دیر

(من گلملی یم: یعنی، من باید بیایم و یا من مجبورم که بیایم)

۱-۲) فعلی که آخرین حرف صدادار آن به آهنگ پائینی (a, ı, o, u = a) ختم

شود، به شکل زیر برای ضمائر شخصی صرف می‌شود. مثال:

biz almalıyıq	بیز آلمالی یق	mən almalıyam	من آلمالی یام
siz almalısınız	سیز آلمالی سینیز	sən almalısən	سن آلمالی سان
onlar almalıdırlar	اونلار آلمالی دیرلار	o almalıdır	او آلمالی (دیر)

۱-۳) نفی فعل باوجه التزامی بوسیله «مه» و «ما» و «دنگیل» صورت می‌گیرد.

(a) نفی فعل باوجه التزامی بوسیله «مه» و «ما» به شکل زیر صرف می‌شود:

mən gəlməməliyəm	(من [مجبورم] باید نیایم)	من گلمه ملی یم
sən gəlməməlisən		سن گلمه ملی سن
o gəlməməlidir		اؤ گلمه ملی دیر
biz gəlməməliyik		بیز گلمه ملی ییک
siz gəlməməlisiniz		سیز گلمه ملی سینیز
onlar gəlməməlidirlər		اؤنلار گلمه ملی دیرلر

(b) نفی فعل باوجه التزامی بوسیله کلمه « دئگیل » به شکل زیر صرف می شود :

man gəlməli deyiləm	من گلملی دئگیلم
sən gəlməli deyilsən	سن گلملی دئگیلسن
o gəlməli deyil	اؤ گلملی دئگیل

این فعل علاوه بر التزام و اجبار به شکل زیر انجام وظیفه را نیز بیان میکند. مثال :

من باید به سرباز وظیفه بروم. من عسگر گتملی یم. . mən əsgər getməliyəm .

(c) نفی فعل مذکور بوسیله « ما » به شکل زیر می باشد .

mən almamalıyam	،	بیز آلمامالی ییق	almamalıyıq
sən almamalısan	،	سیز آلمامالی سینیز	almamalısınız
o almamalıdır	،	اؤنلار آلمامالی دیرلار	almamalıdırlar

(d) نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن به آهنگ بالائی ختم شود بوسیله « دئگیل » به

شکل زیر صورت می گیرد :

mən almalı deyiləm	،	بیز آلمالی دئگیلیک
sən almalı deyilsən	،	سیز آلمالی دئگیلسن
o almalı deyil (dir)	،	اؤنلار آلمالی دئگیل لر

۴-۱) گذشته های مختلف فعل باوجه التزامی با «ملی» به شکل زیر می باشد:

mən gəlməliydim	من گلملی یدیم	گذشته :
sən gəlməliydin	سن گلملی یدین	
o gəlməliydi	او گلملی یدی	

۵-۱) گذشته دور فعل باوجه التزامی با «ملی» به شکل زیر می باشد:

mən gəlməlymişəm	من گلملی یمیشم
sən gəlməlymişsən	سن گلملی یمیش سن
o gəlməlymiş	او گلملی یمیش

۶-۱) گذشته دورتر فعل با وجه التزامی با «ملی» به شکل زیر می باشد:

mən gəlməlymişdim	من گلملی یمیشدیم
sən gəlməlymişdin	سن گلملی یمیش دین
o gəlməlymişdi	او گلملی یمیشدی

۷-۱) نفی فعل باوجه التزامی با «ملی» بوسیله «مه» و «دئگیل» صورت می گیرد.

(a) نفی گذشته های مختلف فعل با وجه التزامی بوسیله «مه» به شکل زیر می باشد:

mən gəlməməliydim	من گلمه ملی یدیم
mən gəlməməlymişəm	من گلمه ملی یمیشم
mən gəlməməlymişdim	من گلمه ملی یمیشدیم

(b) نفی گذشته های مختلف باوجه التزامی با «ملی» بوسیله «دئگیل» به شکل

زیر برای ضمائر شخصی صرف می شود :

mən gəlməli deyildim	من گلملی دئگیلیدیم
mən gəlməli deyilmişəm	من گلملی دئگیلمیشم
mən gəlməli deyilmişdim	من گلملی دئگیلمیشدیم

جمله بندی التزامی با فعل « اؤلماق » :

(۲) آينده نزديك فعل باوجه التزامی بوسیله « اؤلماق »:

آينده نزديك فعل با وجه التزامی بكمك فعل « اؤلماق » در جمله به شكل زیر صرف می شود. مثال : (من مجبور می شوم كه بیایم)

mən gəlməli olaram	من گلملی اؤلارام
sən gəlməli olarsan	سن گلملی اؤلارسان
o gəlməli olar	اؤ گلملی اؤلار
biz gəlməli olarıq	بیز گلملی اؤلاریق
siz gəlməli olarsınız	سیز گلملی اؤلار سینیز
onlar gəlməli olar(lar)	اؤنلار گلملی اؤلار(لار)

(۲-۱) آينده نزديك فعل با وجه التزامی با « ملی » یا « مالی » به كمك « اؤلماق »

در گذشته های مختلف به شكل زیر در جمله صرف می شود :

mən gəlməli olardım	گذشته : من گلملی اؤلاردیم
mən gəlməli olarmışam	گذشته دور : من گلملی اؤلارمیشام
mən gəlməli olarmışdım	گذشته دورتر : من گلملی اؤلارمیشدیم

(۳) آينده فعل با وجه التزامی با « ملی » بوسیله « اؤلماق » در جمله به شكل زیر برای

ضماير شخصی صرف می شود: (من برای آمدن مجبور خواهم شد)

mən gəlməli olacağam	من گلملی اؤلاجاغام
sən gəlməli olacaqsan	سن گلملی اؤلاجاقسان
o gəlməli olacaq	اؤ گلملی اؤلاجاق
biz gəlməli olacağıq	بیز گلملی اؤلاجاغیق
siz gəlməli olacaqsınız	سیز گلملی اؤلاجاق سینیز
onlar gəlməli olacaqlar	اؤنلار گلملی اؤلاجاقلار

۳-۱) آینده فعل باوجه التزامی با « ملی » در گذشته های مختلف بوسیله فعل « اولماق » به شکل زیر صرف می شود :

mən gəlməli olacağ (i)dım من گلملی اولاجاغیدیم

mən gəlməli olacağ (i)mışam من گلملی اولاجاغیمیشام

mən gəlməli olacağ (i)mışdım من گلملی اولاجاغیمیشدیم

ساواش اولسایدی من عسکر گئت ملی اولاجاغیدیم

(اگر جنگ می شد ، من اجباراً باید به سربازی می رفتم .)

۴) فعل باوجه التزامی در زمان حال باکمک « اولماق » در جمله به شکل زیر برای ضمائر شخصی صرف می شود :

mən qaçmalı oluram من قاچمالی اولورام

sən qaçmalı olursan سن قاچمالی اولورسان

o qaçmalı olur او قاچمالی اولور

biz qaçmalı oluruz بیز قاچمالی اولوروز

siz qaçmalı olursunuz سیز قاچمالی اولورسونوز

onlar qaçmalı olurlar اونلار قاچمالی اولورلار

۴-۱) گذشته های استمراری مختلف فعل با وجه التزامی به کمک « اولماق » در جمله به شکل زیر می باشد :

mən qaçmalı olurdum من قاچمالی اولوردوم گذشته

mən qaçmalı olurmuşam من قاچمالی اولورموشام گذشته دور

mən qaçmalı olurmuşdum من قاچمالی اولورموشدوم گذشته دورتر

۵) فعل باوجه التزامی مصدری (زمان حال) بوسیله « مالی » ، به کمک اولماق در

جمله به شکل زیر صرف می شود :

mən gəlməli olmaqdayam	من گلملی اولماق دایام
sən gəlməli olmaqdasan	سن گلملی اولماق داسان
o gəlməli olmaqdadır	او گلملی اولماق دادیر
biz gəlməli olmaqdayıq	بیز گلملی اولماق داییق
siz gəlməli olmaqdasınız	سیز گلملی اولماق داسینیز
onlar gəlməli olmaqdadırlar	اونلار گلملی اولماق دادیرلار

۱- ۵) گذشته های مختلف فعل با وجه التزامی مصدری به كمك « اولماق » در جمله به شکل زیر صرف می شود :

mən gəlməli olmaqdaydım	من گلملی اولماق دایدیم
mən gəlməli olmaqdaymışam	من گلملی اولماق دایمیشام
mən gəlməli olmaqdaymışdım	من گلملی اولماق دایمیشدیم

۶) کلمه سازی با پسوند فعل التزامی :

هر وقت ریشه فعل را با علامت التزامی پیوند دهیم کلمه جدیدی ساخته می شود :
(این کلمه معنی صفت لیاقت [مثل : رفتنی ، دیدنی] و .. را در زبان فارسی دارد.)

خوردنی	–	یعملی	yeməli	،	نوشیدنی	–	ایچملی	içməli
خنده آور	–	گولملی	gülməli	،	قابل راندن	–	سورملی	sürməli
دیدنی	–	گورملی	görməli	،	دانستنی	–	بیلملی	bilməli

این سیبها خوردنی هستند. بۇ آلمالار یعملی دیر. bu almalar yeməlidir.

این شربت نوشیدنی است. بۇ شربت ایچملی دیر. bu şərbət içməlidir.

این حرف (کلمه) خنده آور است. بۇ سوز گولملی دیر. bu söz gülməlidir.

این باغ دیدنی است . بۇ باغ گۆرملى دیر .
 این حرف گریه آور است . بۇ سوز آغلامالى دیر .
 bu bağ görmelidir .
 bu söz ağlamalıdır .

۷) ماضی نقلی فعل باوجه التزامی با « ملی » بکممک « اؤلماق » :

سن گلملى اولوب سان sən gəlməli olubsan
 او گلملى اولوب (دور) o gəlməli olub(dur)
 سیز گلملى اولوب سونوز siz gəlməli olubsunuz
 اونلار گلملى اولوبلار onlar gəlməli olublar

۸) جملات باوجه التزامی با کلمه « گرك » (باید) :

کلمه « گرك » همانند « باید » (در زبان فارسی) در جملات ظاهر شده و به اشکال مختلف زیر بکار گرفته می شود . مثال :

حالت مفعول با واسطه : من گرك تورکجه اؤره نم (من باید ترکی یاد بگیرم)

mən gərək türkcə öyrənəm.

اضافه ملکی : منیم تورکجه اؤره نمه ییم گرکدیر . (یاد گرفتن ترکی برای من اجباری است .)

mənim türkcə öyrənməyim gərəkdir.

۸-۱) حالت نفی باوجه التزامی با کلمه « گرك » :

نفی فعل باوجه التزامی (گرك) به اشکال مختلف زیر می باشد . مثال :

من گرك تورکجه اؤره ن مه یم . (من نباید ترکی یاد بگیرم .)

mən gərək türkcə öyrənməyəm .

گرکمز من عربجه اؤره نم . (من نباید عربی یاد بگیرم .)

gərəkməz mən ərəbcə öyrənəm .

۸-۲) کلمه گرك به شکل زیر نیز صرف می شود .

کلمه «گرك» در « فعل آرزویی با شك و تردید » نیز مورد استفاده قرار می گیرد :
 من گرك گله م mən gərək gələm (لطفاً به صفحه ۲.۳ مراجعه کنید)

۸-۳ (جمله باوجه التزامی بوسیله « زور » به شکل زیر می باشد :
 من زور ایله فارسجا اؤره نیرم . من با زور زبان فارسی یاد میگیرم .
 mən zor ilə farsca öyrənirəm .

بیز مدرسیه گئدمک زوروندا ییق . [با مصدر] (ما مجبور به مدرسه رفتن هستیم) .
 biz mədrəsəyə getmək zorundayıq .

سن منه زوردئییرسن . (تو به من زور می گوئی) .
 sən mənə zor deyirsən .

۸-۴ (حالت نفی باوجه التزامی با کلمه « زور » به شکل زیر می باشد :
 a) نفی بوسیله « مه » من زور ایله فارسجا اؤرنمیرم .
 mən zor ilə farsca öyrənmirəm . (من با زور فارسی یاد نمیگیرم .)

b) نفی بوسیله « دئگیل » : من ساواد (سواد) سیز قالماق زوروندا دئگیلم .
 mən savadsız qalmaq zorunda deyiləm .

۹ (جمله باوجه التزامی بوسیله « لازم » به شکل زیر می شود :
 منیم ائوه گئدمه ییم لازم دیر (اضافه ملکی و مصدر)
 mənim evə getməyim lazımdır .

بیزه یئمک لازم دیر (با واسطه و مصدر) .
 bizə yemək lazımdır .
 اۇشاقلارا یئمک لازم دیر .
 uşaqalara yemək lazımdır .

۹-۱ (نفی فعل باوجه التزامی « لازم » بوسیله کلمه « دئگیل » به شکل زیر بکار
 گرفته می باشد :

بیزه ایندی یئمک لازم دئگیل .
 bizə indi yemək lazım deyil .

سيزه ايش لازيم دئگيل. sizə iş lazım deyil.

ائله بيل بيزه ياشاماق لازيم دئگيل. . elə bil bizə yaşamaq lazım deyil .

۱. جمله باوجه التزامی باکلمه « مجبور» به شکل زیر می باشد:

فرم مصدری: (گلمک) من گلمه يه مجبورام. mən gəlməyə məcburam .

قالماق : ايسته مه دی ييميز زامان (زمان) قوربت ده(غوربت) قالماغا مجبوروق .

istəmədiyimiz zaman qürbətdə(ğürbətdə)qalmağa məcburuq.

۱.-۱) حالت نفی باوجه التزامی «مجبور» با گلمه « دئگيل»

به شکل زیر می باشد:

من بۇرادا قالماغا مجبور دئگيلم. mən burada qalmağa məcbur deyiləm.

سن اۇرايا گئدمه يه مجبور دئگيلسن. . sən oraya getməyə məcbur deyilsən .

اۇ يئمە يه مجبور دئگيل o yeməyə məcbur deyil .

۱۱) جمله باوجه التزامی بوسيله « لوزوم » به شکل زیر

می باشد:

سنين گلمه يی نه نه لوزوم(لزوم) وار. . sənin gəlməyinə nə lüzum var .

اۇنون گئدمه يی نه لوزوم يۇخدور . onun getməyinə lüzum yoxdur.

اۇشاغين آغلاماغينا لوزوم يۇخدور. uşağın ağlamağına lüzum yoxdur.

سيزين اينجيمه يی نى زه ([در محاوره] اينجى مه يی زه) هئچ بير لوزوم يۇخدور.

sizin inciməyinizə (inciməyizə) heç bir lüzum yoxdur .

۱۲) جمله باوجه التزامی بوسيله « احتياج » :

منيم بير آز پۇلا احتياجيم وار. . mənim bir az pula ehtiyacım var .

توجه: نتیجه عملی جملات زیر نیز التزامی به حساب می آیند :

اۇ اۆزۈنۈ زۇرا باسىركى بىر ائوالا. (اوخود را زير فشار ميگذارد كه يك خانه بخرد.)

o özünü zora basırki bir ev ala .

اۇ بۇ ايل ايش سيز قاليدير (او امسال بيكار مانده است) . bu il işsiz qalıbdır .

اۇ چۆلدە سۇسوز قالدى. (اۇ در بيابان بدون آب] تشنه ماند.) . çöldə susuz qalıbdır .

۱۳) صرف فعل باوجه التزامى كمكى به شكل زير مى باشد:

mən gələ bilməliyəm من گله بيلملى يم

sən gələ bilməlisən سن گله بيلملى سن

o gələ bilməlidir اۇ گله بيلملى دير

- کلماتى كه آخرين حرف صدادر آنها با آهنگ بالائى مى باشند:

من آلا بيلملى يم ، سن آلا بيلملى سن ، اۇ آلا بيلملى دير . و..

۱۳-۱) نفي فعل باوجه التزامى كمكى :

- نفي فعل با وجه التزامى كمكى بوسيله « دئگيل » و « مه » صورت مى گيرد .

a) نفي فعل بوسيله « مه » به شكل زير صرف مى شود:

mən gələ bilməməliyəm من گله بيلممه ملي يم

sən gələ bilməməlisən سن گله بيلممه ملي سن

o gələ bilməməlidir اۇ گله بيلممه ملي دير

- کلماتى كه آخرين حرف صدادر آنها با آهنگ بالائى مى باشند:

من آلا بيلممه ملي يم ، سن آلا بيلممه ملي سن ، اۇ آلا بيلممه ملي دير . و..

b) نفي فعل باوجه التزامى كمكى بوسيله « دئگيل » به شكل زير صرف مى شود :

mən gələ bilməli deyilem من گله بيلملى دئگيلم

sən gələ bilməli deyilsən سن گله بيلملى دئگيلسن

o gələ bilməli deyil اۇ گله بيلملى دئگيل

(۱۴) آينده نزيديك فعل باوجه التزامى كمكى بوسيله «اؤلماق»:

mən gələ bilməli olaram من گله بيلملى اولارام

sən gələ bilməli olarsan سن گله بيلملى اولارسان

o gələ bilməli olar اۇ گله بيلملى اولار

(۱۵) آينده فعل باوجه التزامى كمكى به شكل زير صرف مى شود:

mən gələ bilməli olacağam من گله بيلملى اولاجاغام

sən gələ bilməli olacaqsan سن گله بيلملى اولاجاقسان

o gələ bilməli olacaq اۇ گله بيلملى اولاجاق

(۱۵-۱) گذشته های مختلف فعل باوجه التزامى كمكى به شكل زير مى باشد:

mən gələ bilməliydim من گله بيلملى يديم

sən gələ bilməliymişsən سن گله بيلملى يميش سن

o gələ bilməliymişdi اۇ گله بيلملى يميشدى

(۱۶) فعل باوجه التزامى كمكى بوسيله «گرك» به شكل زير

صرف مى شود:

mən gələ biləm gərək من گله بيلم گرك

sən gələ biləsən gərək سن گله بيله سن گرك

o gələ bilə grək اۇ گله بيله گرك

بیز گله بيله ك ، سیز گله بيله سينیز ، اۇنلار گله بيله لر .

۱) فعل مجهول و فرمهای مختلف آن:

فعل مجهول به فعلی گفته میشود که فاعل آن مشخص نبوده و عبارتی فاعل آن مجهول می باشد. فعل مجهول با اضافه کردن علائم مجهولی که در زبان ترکی «ن»، «ین» و «یل» (n ,in ,il) می باشد بوجود می آید. مثال :

کیتاب اوخونور kitab oxunur کتاب خوانده میشود.

اگر کلمه مجهولی مصدر باشد و یا به شکل فعل مصدری ظاهر شود ، علامت مجهولی (n ,in ,il) بین ریشه فعل و پسوند مصدری قرار می گیرد. مثال :

کیتاب اوخونماقدادیر . kitab oxunmaqdadır [کتاب در حال خوانده شدن است .]

۱-۱) فعلی که آخرین حرف آن صدادار (a , e , ə , i , ı , o , ö , ü , u)

باشد ، با پیوند زدن حرف « n » به فعل مجهول مبدل می گردد. مثال:

مصدر مجهول (ترکیبی)	صرف فعل مجهول در زمان حال
اوخونما oxunmaq خوانده شدن	اوخونور oxunur خوانده میشود
بویمانماq boyanmaq رنگ زده شدن	بویمانیر boyanır رنگ زده میشود
بزنمک bəzənmək آرایش شدن	بزننیر bəzənir آرایش میشود
دولانماq dolanmaq چرخانده شدن	دولانیر dolanır چرخانده می شود

- به تجزیه « دولانیر» توجه کنید :

dola ریشه فعل ، n پسوند مجهولی و ır علامت زمان حال می باشد.

۱-۲) فعلی که ریشه آن با حرف بی صدا (m , n , t , ğ , ş) و ... بجز L (

ختم شود ، در حالت مجهولی پسوند « il » بخود می گیرد.

حرف صدادار پسوند مجهولی (i) وابسته به آخرین حرف صدادار فعل می باشد که در

صرف به شکل « ایل » و « اول » (il , il , ul , ü) هماهنگی بزرگ (درمی آید. مثال :

مصدر مجهول	صرف فعل مجهول در زمان حال
قاچیلماق qaçılmaq فراری داده شدن	قاچیلیر qaçılır فراری داده میشود
ایچیلماق içilmək نوشیده شدن	ایچیلیر içilir نوشیده میشود
تیکیلماق tikilmək دوخته شدن	تیکیلیر tikilir دوخته میشود
آتیلماق atılmaq انداخته شدن	آتیلیر atılır انداخته میشود
گۆرولماق görülmək دیده شدن	گۆرولور görülür دیده میشود

– به تجزیه فعل « گۆرولور » توجه کنید :

gör ریشه فعل ، ü پسوند مجهولی و ü علامت زمان حال می باشد.

۳-۱) فعلی که آخرین حرف آن با حرف « L » ختم شود، فعل مجهول آن پسوند « in » بخود می گیرد. از اینکه حرف صدادار آن تابع آخرین حرف صدادار ریشه فعل است در نتیجه به شکل « این » و « اون » (in, in, un, ün) هماهنگی بزرگ (در آمده و صرف می شود. مثال :

مصدر مجهول	صرف فعل مجهول در زمان حال
آلینماق alınmaq گرفته شدن	آلی نیر alınır گرفته میشود
سیلینماق silinmək تمیز شدن	سیلی نیر silinir تمیز میشود
گولونماق gülünmək خندیده شدن	گولونور gülünür خندیده میشود
بیلینماق bilinmək دانسته شدن	بیلینیر bilinir دانسته میشود
بؤلونماق bulunmaq پیدا شدن	بؤلونور bulunur پیدا میشود

– تجزیه فعل « بؤلونور » به شکل زیر می باشد :

bul ریشه فعل ، un پسوند مجهولی و ur علامت زمان حال می باشد.

۲) صرف فعل مجهول در زمان حال به شکل زیر می باشد:
(وُورولماق - زده شدن)

من وُورولورام mən vuruluram ، بیز وُورولوروق vuruluruq
سن وُورولورسان sən vurulursan ، سیز وُورولورسونوز vurulursunuz
اؤ وُورولور o vurulur ، اونلار وُورولورلار vurulurlar
- به تجزیه فعل مذکور به شکل زیر می باشد :

vur ریشه فعل ، ul علامت مجهولی ، ur پسوند زمان حال

۳-۱) استثناء در صرف دو فعل یئمک و دئمک :

طبق دستور زبان ترکی دو فعل « دئمک » و « یئمک » در حالت مجهولی می بایستی با حرف « ن » به شکل « yenmæk » و « denmæk » (دئنمک و یئنمک) به حالت مجهولی در آمده و صرف شوند، چراکه آخرین حرف آنها صدادار می باشد. ولی آنها به شکل استثنائی یک حرف « ۷ » اضافه و تکمیلی بخود گرفته و به شکل « yey » و « dey » در آمده و همانند فعلی که آخرین حرف آن بی صدا باشد ، با حروف « il » بکار گرفته می شوند :

یئیلیر yeyilir (غذا) خورده میشود ، یئیلیمک yeyilmæk خورده شدن
دئیلیر deyilir (سوز) گفته میشود ، دئیلیمک deyilmæk گفته شدن

- دو فعل مذکور به شکل زیر برای ضمائر شخصی صرف می شوند :

در زمان حال : من دئیلیرم ، دئیلیرسن ، دئیلیر ، دئیلیریک ، دئیلیرسینیز ، دئیلیرلر
سن دیللرده دئیلیرسن ، اؤ دیللرده دئیلیر ، بیز دیللرده دئیلیریک
در زمان آینده نزدیک : من دئیلیرم ، سن دیللرده دئیلیرسن ، اؤ دیللرده دئیلیر ، بیز دیللرده دئیلیرمه جه ییک .
در زمان گذشته : دئیلیدی ، دئیلیمیش ، دئیلیمیشدی ...

۲-۱) حالت نفی فعل مجهول در زمان حال :

من وۇرولمورام	،	mən vurulmuram	بیز وۇرولموروق
سن وۇرولمورسان	،	sən vurulmursan	سیز وۇرولمورسونوز
اۇ وۇرولمور	،	o vurulmur	اۇنلار وۇرولمورلار

توجه : اصل فعل به شکل « mən vurulmuyuram » می باشد ، که آن در صرف مخفف

شده و بکار گرفته می شود.

۲-۲) گذشته های استمراری مختلف فعل مجهول به شکل زیر می باشد:

گذشته :	من وۇرولوردوم	mən vurulurdum
گذشته دور :	من وۇرولورموشام	mən vurulurmuşam
گذشته دورتر :	من وۇرولورموشدوم	mən vurulurmuşdum

۲-۳) حالت نفی گذشته های استمراری مختلف فعل مجهول:

نفی گذشته :	من وۇرولموردوم	mən vurulmurdum
نفی گذشته دور :	من وۇرولمورموشام	mən vurulmurmuşam
نفی گذشته دورتر :	من وۇرولمورموشدوم	mən vurulmurmuşdum

– به تجزیه فعل مذکور به شکل زیر می باشد :

vur ریشه فعل، ul پسوند مجهولی و mur علامت مخفف شده کلمه نفی و پسوند زمان حال و

موشدوم صرف فعل « ایمک » (در گذشته) می باشد

۳) امری فعل مجهول

مثال : (سويلمك ، دوست داشته شدن)

من سئويليم	،	mən sevilim	بیز سئويلك	biz sevilək
سن سئويل	،	sən sevil	سيز سئويلين	siz sevilin
اۇ سئويل سين	،	o sevilin	اۇنلار سئويل سينلر	onlar sevilinrlər

۳-۱) حالت نفی امری فعل مجهول :

نفی امری فعل مجهول بوسیله « مه » و « ما » به شکل زیر صرف می شود. مثال :

mən görülməyim گۆرولمه ییم
sən görülmə گۆرولمه
o görülməsin گۆرولمه سین

- در محاوره به شکل « من گورولموم » (görülmüm) گفته می شود.

۳-۲) گذشته فعل مجهول به شکل زیر صرف می شود. مثال : (من دیده شدم)

mən görüldüm من گۆرولدوم ، بیز گۆرولدوک biz görüldük
sən görüldün سن گۆرولدون ، سیز گۆرولدونوز siz görüldünüz
o görüldü او گۆرولدو ، اونلار گۆرولدولر onlar görüldülər

۳-۳) گذشته دور فعل مجهول به شکل زیر صرف می شود. مثال :

mən görülmüşəm من گۆرولموشم (من دیده شده بودم)
sən görülmüşən سن گۆرولموشسان
o görülmüşən او گۆرولموش

۳-۴) گذشته دورتر فعل مجهول به شکل زیر صرف می شود. مثال :

mən görülmüşdüm من گۆرولموشدوم
sən görülmüşdün سن گۆرولموشدون
o görülmüşdü او گۆرولموشدو

۳-۵) نفی گذشته های مختلف فعل مجهول به شکل زیر می باشد :

mən görülmədim نفی گذشته : من گۆرولمه دیم
mən görülməmişəm نفی گذشته دور : من گۆرولمه میشم
mən görülməmişdim نفی گذشته دورتر : من گۆرولمه میشدیم (من دیده نشده بودم)

۴) آينده نزيديك فعل مجهول به شكل زير صرف مي شود:

من وۇرولارام ، vurularam ، بيز وۇرولاريق ، biz vurulariq
 سن وۇرولارسان ، vurularsan ، سيز وۇرولارسينيز ، siz vurularsınız
 اۇ وۇرولار ، vurular ، اۇنلار وۇرولار(لار) ، onlar vurular(lar)
 (اۇ وۇرولار ، او زده مي شود)

۴-۱) حالت نفي آينده نزيديك فعل مجهول به شكل زير صرف مي شود. مثال:

من وۇرولمارام ، mən vurulmaram
 سن وۇرولمازسان ، sən vurulmazsan
 اۇ وۇرولماز ، o vurulmaz

۴-۲) آينده نزيديك فعل مجهول در گذشته هاي مختلف به شكل زير مي باشد :

(مثال : اگر من به آنجا مي رفتم كتك مي خوردم [زده مي شدم])

گذشته : من وۇرولارديم ، mən vurulardım
 گذشته دور : من وۇرولارميشام ، mən vurularmışam
 گذشته دورتر : من وۇرولارميشديم ، mən vurularmışdım

- تجزيه فعل « vurularmışdı » مذکور به شكل زير مي باشد :

vur ريشه فعل ، ul پسوند مجهولي ، ar علامت زمان آينده نزيديك ميشدی

mışdı صرف فعل « ايمك » (در گذشته دور) مي باشد.

۵) آينده فعل مجهول (بوسيله اجك) به شكل زير صرف مي شود. مثال :

من وۇرولاجاغام ، mən vurulacağam (من زده خواهم شد)
 سن وۇرولاجاقسان ، sən vurulacaqsan
 اۇ وۇرولاجاق ، o vurulacaq

(اگر من به اين كار ادامه دهم [ورولاجاغام] زده خواهم شدك تك خواهم خورد.)

۵-۱) حالت نفی آینده فعل مجهول به شکل زیر صرف می شود. مثال:

mən vurulmayacağam من وۇرولماياجام

sən vurulmayacaqsan سن وۇرولماياجاقسان

o vurulmayacaq او وۇرولماياجاق

۵-۲) آینده فعل مجهول در گذشته های مختلف به شکل زیر می باشد:

mən vurulacağ(ı)dım من وۇرولاجاغيديم گذشته :

mən vurulacağ(ı)mışam من وۇرولاجاغيميشام گذشته دور :

mən vurulacağ(ı)mışdım من وۇرولاجاغيميشديم گذشته دورتر :

۶) فعل مجهول مصدری

فعل مجهول مصدری فعلی است که به شکل مصدر همراه پسوند (زمان حال) « ده » و « دا »

ظاهر شده و کاری را بدون فاعل (در حال انجام عملی) بیان کند. مثال:

کتاب او خونماقدادير kitab oxunmaqdadır (کتاب در حال خوانده شدن است).

۶-۱) مصدری که ریشه فعل آن به حرف بی صدا (مثل m, n, t, ğ, ş [بجز L])

ختم شود ، مصدر مجهولی آن پسوند « il » (ایل) بخود می گیرد. حرف صدادار پسوند

مجهولی، وابسته به آخرین حرف صدادار ریشه مصدر می باشد که به شکل « ایل » و « اول »

(il , ul , ü) هماهنگی بزرگ (در آمده و صرف می شود :

(مصدر مجهول : قاچيلماق [فرار داده شدن] ، ايچيلمك [نوشیده شدن] ، تيگيلمك

[دوخته شدن] ، آتيلماق [پریدن ، انداخته شدن] ، گۆرولمك [دیده شدن]) :

صرف فعل مجهول مصدری به سوم شخص مفرد به شکل زیر است :

قاچيلماق دادير qaçılmaqdadır در حال فراری داده شدن است

ايچيلمك ده دیر içilməkdədir در حال نوشیده شدن است

تيگيلمك ده دیر tigilməkdədir در حال دوخته شدن است

در حال انداخته شدن است	atılmaqdadır	آتیلماقدادیر
در حال دیده شدن است	görülməkdədir	گۆرولمکده دیر

۶-۲) مصدری که ریشه فعل آن به حرف صدادار ختم شود با اضافه کردن حرف

« ن n » به مصدر مجهولی تبدیل و صرف می شود. مثال:

(مصدر مجهول : اؤخونماق [خوانده شدن] ، بویانماق [رنگ شدن] ، بزنمک [آرایش شدن] ، دؤلانماق [تاب خوردن ، گردش کردن])
صرف فعل مصدر مجهول به سوم شخص مفرد به شکل زیر است:

در حال خوانده شدن است	oxunmaqdadır	اؤخونماقدادیر
در حال رنگ زده شدن است	boyanmaqdadır	بویانماقدادیر
در حال آرایش شدن است	bəzənməkdədir	بزنمکده دیر
در حال چرخیده (گردش) شدن است	dolanmaqdadır	دؤلانماقدادیر

۶-۳) مصدرهایی که آخرین حرف ریشه فعل آنها به حرف « ل » (L) ختم می شود به

شکل زیر به مصدر مجهولی مبدل شده و بعد به عنوان فعل مصدری صرف می شود. مثال :
(مصدر مجهولی : آیینماق [گرفته شدن] ، سیلینمک [تمیز ، پاک شدن] ، بیلینمک [دانسته شدن])
علامت مجهولی کلمات مذکور « in » می باشد. از اینکه حرف صدادار آن تابع آخرین حرف صدادار ریشه فعل است در نتیجه به شکل « این » و « اون » (in , in, un, ün) درآمده و صرف می شود. (سیلین مکده ، در حال پاک شدن یا تمیز شدن)

اؤ سیلین مکده دیر o silinməkdədir

صرف فعل مجهول مصدری در زمان حال به سوم شخص مفرد به شکل زیر است :

در حال گرفته (خریده) شدن است.	alınmaqdadır	آلینماقدادیر
در حال تمیز شدن است.	silinməkdədir	سیلینمکده دیر
در حال دانسته شدن است.	bilinməkdədir	بیلینمکده دیر

۶-۴) فعل مصدر مجهولی به شکل زیر برای ضمائر شخصی صرف می شود. مثال:

mən bəzənməkdəyəm	من بزنمکده یم
sən bəzənməkdəsən	سن بزنمکده سن
o bəzənməkdədir	اؤ بزنمکده دیر
biz bəzənməkdəyik	بیز بزنمکده ییک
siz bəzənməkdəsiniz	سیز بزنمکده سینیز
onlar bəzənməkdədirlər	اؤنلار بزنمکده دیرلر

۷) فعل مجهول کمکی :

فعل مجهول کمکی همانند سایر افعال به تمام زمانهای مختلف قابل صرف می باشد.

فعل مجهول کمکی در زمان حال (گوروله بيلمك = بتوان دیده شد) به شکل زیر

صرف میشود. مثال : (من دیده می شوم ، من می توانم دیده شوم)

mən görüлә bilirəm	، بیز گؤروله بیلیریک	من گؤروله بیلیرم
sən görüлә bilirsən	، سیز گؤروله بیلیر سینیز	سن گؤروله بیلیر سن
o görüлә bilir	، اؤنلار گؤروله بیلیرلر	اؤ گؤروله بیلیر (لر)

۸) گذشته استمراری :

mən görüлә bilirdim	من گوروله بیلیردیم .
sən görüлә bilirdin	سن گؤروله بیلیردین
o görüлә bilirdi	اؤ گؤروله بیلیردی

۹) گذشته های مختلف فعل مجهول کمکی به شکل زیر صرف

می شود : (من توانستم دیده شوم)

mən görüлә bildim من گؤروله بیلدیم :

- گذشته دور : من گۆرولە بیلیمیشم mən görülə bilmişəm

- گذشته دورتر : من گۆرولە بیلیمیشدیم mən görülə bilmişdim

۱. آینده نزدیک فعل مجهول کمکی به شکل زیر صرف

می شود:

من گۆرولە بیلرم mən görülə bilərəm ، بیز گۆرولە بیلریک

سن گۆرولە بیلرسن sən görülə bilərsən ، سیز گۆرولە بیلرسینیز

اۇ گۆرولە بیلر o görülə bilər ، اۇنلار گۆرولە بیلرلر

(من اگر از اینجا بیرون بروم می توانم دیده شوم [در آینده نزدیک])

۱-۱) آینده نزدیک فعل مجهول کمکی در گذشته های مختلف به شکل زیر می باشد:

- گذشته : من گۆرولە بیلردیم mən görülə bilərdim

- گذشته دور : من گۆرولە بیلرمیشم mən görülə bilərmişəm

- گذشته دورتر : من گۆرولە بیلرمیشدیم mən görülə bilərmişdim

(من می توانستم [این امکان موجود بود که] دیده شوم)

۱۱) صرف فعل مجهول باوجه التزامی (بوسیله ملی)

به شکل زیر می باشد : (این فعل مفهوم زمان حال و آینده نزدیک را می دهد.)

من گۆرولملیم görülməliyəm ، بیز گۆرولملییک biz görülməliyik

سن گۆرولملیسن görülməlisən ، سیز گۆرولملیسینیز siz görülməlisiniz

اۇ گۆرولملیدیر görülməli(dir) ، اۇنلار گۆرولملیدیرلر onlar görülməlidirlər

(مثال : من مجبور به دیده شدن هستم . وظیفه ایجاب می کند که دیده شوم .)

۱-۱) نفی فعل مجهول باوجه التزامی بوسیله «مه» و «دئگیل» صورت می گیرد.

a (نفي آن بوسيله « مه » به شكل زير مي باشد:

mən görülməməliyəm من گۆرولمه ملي يم

sən görülməməlisən سن گۆرولمه ملي سن

o görülməməli (dir) او گۆرولمه ملي (دير)

(من مجبور هستم كه ديده نشوم و يا خود را نشان ندهم)

۱۱) نفي فعل مذکور بوسيله كلمه « دئگیل » به شكل زير صرف مي شود :

mən görülməli deyiləm من گۆرولملي دئگیلم

sən görülməli deyilsən سن گۆرولملي دئگیلسن

o görülməli deyil (dir) او گۆرولملي دئگیل (دير)

(من مجبور به ديده شدن نيستم و يا من مجبور نيستم كه خود را نشان دهم.)

۱۱-۱) گذشته های فعل مجهول باوجه التزامی به شكل زير صرف ميشود :

(من گۆرولملي يديم – من مجبور به ديده شدن بودم ، مجبور به نشان دادن خود بودم)

mən görülməliydim من گۆرولملي يديم : گذشته

sən görülməliydin سن گۆرولملي يدين

o görülməliydi او گۆرولملي يدي

mən görülməliymişəm من گۆرولملي يmişم : گذشته دور

mən görülməliymişdim من گۆرولملي يmişدیم : گذشته دورتر

۱۲) صرف فعل مجهول با وجه التزامی در زمان حال به كملك

« اولماق » در جمله به شكل زير صرف شود :

mən görülməli oluram من گۆرولملي اولورام

sən görülməli olursan سن گۆرولملي اولورسان

o görülməli olur (dur) او گۆرولملي اولور (دور)

(او مجبور می شود که خود را نشان دهد. [مجبور به دیده شدن می شود.])

۱-۱۲) نفي فعل مجهول باوجه التزامی در زمان حال به كَمْك « اُولماق » در جمله به

شكل زیر می باشد. مثال : (من مجبور نیستم [نمی شوم] که خود را نشان دهم .)

من گۆرولملى اۆلمورام mən görülməli olmuram

سن گۆرولملى اۆلمورسان sən görülməli olmursan

اۇ گۆرولملى اۆلمور (دور) o görülməli olmur(dur)

۲-۱۲) نفي گذشته های استمراری مختلف فعل مجهول باوجه التزامی در جمله

به شكل زیر می باشد : (من مجبور به نشان دادن خود نمی شدم .)

گذشته : من گۆرولملى اۆلموردوم mən görülməli olmurdum

گذشته دور : من گۆرولملى اۆلمورموشام mən görülməli olmurmuşam

گذشته دورتر : من گورولملى اۆلمورموشدوم mən görülməli olmurmuşdum

۳-۱) صرف آینده نزدیک فعل مجهول باوجه التزامی به كَمْك

« اُولماق » در جمله به شكل زیر صرف می شود :

(مثال : من مجبور به دیده شدن می شوم ، من مجبور می شوم که خود را نشان دهم)

من گۆرولملى اۆلارام məm görülməli olaram

سن گۆرولملى اۆلارسان sən görülməli olarsan

اۇ گۆرولملى اۆلار o görülməli olar

۱-۱۳) نفي آینده نزدیک فعل مجهول باوجه التزامی به كَمْك « اُولماق » در جمله

به شكل زیر می باشد : (من مجبور به دیده شدن نمی شوم)

من گۆرولملى اۆلمارام mən görülməli olmaram

سن گۆرولملى اۆلمايارسان (اۆلمازسان olmazsan)

اۆ گۆرولملى اۆلماز o görülməli olmaz

۱۳-۲) آينده نزيك فعل مجهول با وجه التزامى بكمك « اۆلماق » در گذشته هاى

مختلف در جمله به شكل زير مى باشد : (من مجبور به ديده شدن مى شدم)

گذشته : من گۆرولملى اۆلارديم mən görülməli olardım

گذشته دور : من گۆرولملى اۆلارميشام mən görülməli olarmışam

گذشته دورتر : من گۆرولملى اۆلارميشديم mən görülməli olarmışdım

۱۴) آينده فعل مجهول با وجه التزامى به كملك « اۆلماق »

در جمله به شكل زير صرف مى شود : (من مجبور به ديده شدن خواهم شد)

من گۆرولملى اۆلجاغام. mən görülməli olacağam.

سن گۆرولملى اۆلجاق سان . sən görülməli olacaqsan.

اۆ گۆرولملى اۆلجاق . o görülməli olacaq .

۱۴-۱) نفي آينده فعل مجهول با وجه التزامى به كملك « اۆلماق » در

جمله به شكل زير صرف مى شود :

من گۆرولملى اۆلماياجاغام . mən görülməli olmayacağam.

سن گۆرولملى اۆلماياجاقسان.. sən görülməli olmayacaqsan.

اۆ گۆرولملى اۆلماياجاق . o görülməli olmayacaq .

۱۵) فعل مجهول كمكى با وجه التزامى در جمله به شكل زير

صرف مى شود: (من مجبور هستم كه ديده شوم [خودم را نشان دهم.])

من گۆروله بيل ملي يم . mən görülə bilməliyəm

سن گۆروله بيل ملي سن . sən görülə bilməlisən

o	görülə bilməli(dir)	اۇ گۆرولە بیل ملی (دیر) .
biz	görülə bilməliyik	بیز گۆرولە بیل ملی ییک .
siz	görülə bilməlisiniz	سیز گۆرولە بیل ملی سینیز .
onlar	görülə bilmədirlər	اونلار گۆرولە بیل ملی دیرلر

۱۶) نفی فعل مجهول کمکی باوجه التزامی بوسیله « مه » و « دئگیل » صورت می گیرد :

a) نفی فعل مذکور بوسیله « مه » به شکل زیر صرف می شود. مثال:

mən görülə bilməməliyəm. من گۆرولە بیللمه ملی یم.

sən görülə bilməməlisən. سن گۆرولە بیللمه ملی سن.

o görülə bilməməli (dir). اۇ گۆرولە بیللمه ملی (دیر).

b) نفی فعل مذکور بوسیله « دئگیل » به شکل زیر صرف می شود :

(من مجبور به دیده شدن نیستم)

mən görülə bilməli deyiləm . من گۆرولە بیل ملی دئگیلم .

sən görülə bilməli deyilsən. سن گۆرولە بیل ملی دئگیلسن .

۱۶-۱) گذشته های مختلف فعل مجهول کمکی باوجه التزامی به شکل زیر

می باشد. مثال: (من مجبور به دیده شدن بودم)

mən görülə bilməliydim گذشته : من گۆرولە بیل ملی یدیم

sən görülə bilməliydin سن گۆرولە بیل ملی یدین

o görülə bilməliydi اۇ گۆرولە بیل ملی یدی

mən görülə bilməliymişəm گذشته دور: من گۆرولە بیل ملی یمیشم

گذشته دورتر: من گۆروله بیل ملی یمیشدیم mən görölə bilməliymişdim

(۱۷) صرف فعل مجهول کمکی با وجه التزامی بوسیله فعل « اؤلماق » در جمله به شکل زیر می باشد :

این فعل به کمک فعل « اؤلماق » (شدن) می تواند مجدداً به زمانهای مختلف صرف شود .

(۱۷-۱) حالت امری فعل مجهول کمکی باوجه التزامی بوسیله « اؤلماق » در جمله به شکل زیر صرف می شود :

من گۆروله بیل ملی اؤلوم. mən görölə bilməli olum.

سن گۆروله بیل ملی اول . sən görölə bilməli ol .

او گۆروله بیل ملی اولسون . o görölə bilməli olsun.

(۱۷-۲) گذشته های مختلف فعل مجهول کمکی باوجه التزامی بوسیله « اؤلماق »

در جمله به شکل زیر می باشد : (من مجبور شدم که خود را نشان دهم)

گذشته : من گۆروله بیل ملی اولدوم . mən görölə bilməli oldum .

سن گۆروله بیل ملی اولدون . sən görölə bilməli oldun .

گذشته دور: من گۆروله بیل ملی اولموشام . mən görölə bilməli olmuşam .

گذشته دورتر: من گۆروله بیل ملی اولموشدوم . mən görölə bilməli olmuşdum .

(۱۸) فعل مجهول کمکی باوجه التزامی بوسیله « اؤلماق » در

زمان حال در جمله به شکل زیر می باشد :

(من در حال حاضر مجبور می شوم که خود را نشان دهم .)

زمان حال: من گۆروله بیل ملی اولورام . mən görölə bilməli oluram .

نفی زمان حال : من گۆروله بیل ملی اولمورام . mən görölə bilməli olmuram .

گذشته استمراری: من گۆروله بیل ملی اولوردوم . mən görölə bilməli olurdum .

۱۹) فعل مجهول کمکی با وجه التزامی بوسیله «اؤلماق»
در آینده نزدیک به شکل زیر می باشد :

(من می توانم به دیده شدن مجبور شوم .)

آینده نزدیک : من گۆروله بیلملی اولارام . mən görölə bilməli olaram.

گذشته : من گۆروله بیلملی اولاردیم . mən görölə bilməli olardım.

۲۰) آینده فعل مجهول کمکی با وجه التزامی بکممک « اؤلماق »

در جمله به شکل زیر می باشد : (من مجبور به دیده شدن خواهم شد.)

من گۆروله بیلملی اولاجام mən görölə bilməli olacağam

سن گۆروله بیلملی اولاجاق سان sən görölə bilməli olacaqsan

او گۆروله بیلملی اولاجاق o görölə bilməli olacaq

۲۱) فعل مجهول و مفهوم جدید آن : (پیش گوئی)

صباحا هوا یاخشی گۆرولور . ([برای] فردا هوا خوب دیده می شود.)

sabaha hava yaxşı görölür .

سنین گله جه بین آیدیم گۆرولور . (آینده تو روشن دیده می شود.)

sənin gələcəyin aydın görölür .

۲۲) فعل مجهول با وجه التزامی و کلمه جدید :

بۇ میوه یئیللمه لی دیر . (این میوه خوردنی است.) bu meyvə yeyilməlidir.

بۇ آغاجین میوه لری دریل ملی دیر (لر). (میوه های این درخت چیدنی است.)

bu ağacın meyvələri dərilməlidir (lər).

بۇ اوتلار بیچیل ملی دیر (لر) . (این علفها درو شدنی هستند.)

bu otlar biçilməlidir (lər).

بۇ قیز ایله ، بۇ اوغلان ، ائولنیل ملی دیر لر . (این دختر و این پسر ازدواج

کردنی هستند.) bu qız ilə bu oğlan evlənilməlidirlər .

۱) فعل باوجه آرزویی و فرمهای مختلف آن : arzu feli

فعل آرزویی در زبان ترکی بوسیله ریشه فعل و حرف اضافی « a » که به ریشه فعل متصل شده ساخته می‌شود. از اینکه حرف صدادار آن تابع آخرین حرف صدادار ریشه فعل هست در نتیجه پسوند آرزویی به شکل « a » و « ə » در می‌آید. این فعل بدون قید زمانی مفهوم زمان حال و آینده نزدیک را می‌رساند.

فعلی که آخرین حرف صدادار آن به آهنگ بالائی « ə , e , i , ö , ü » ختم شود ، به شکل زیر صرف می‌شود. مثال :

biz gələk	بیز گله ك	mən gələm	من گله م
siz gələsiniz	سیز گله سینیز	sən gələsən	سن گله سن
onlar gələlər	اونلار گله لر	o gələ	او گله

او گله بیر ، نه یاخشی اولار. o gələ bir , nə yaxş olar

توجه: فعل آرزویی برای اول شخص مفرد به شکل mən gələyəm و برای اول شخص جمع به شکل biz gələyək می‌باشد که در صرف از آن حرف ə و y را حذف می‌کنند. (مخفف شده فعل

مذکور برای اول شخص جمع همشکل با فعل امری [gelek] آن می‌باشد.)

۱-۱) فعلی که آخرین حرف صدادار آن به آهنگ پایینی a,i,o,u ختم شود ، برای سوم شخص مفرد به شکل زیر صرف می‌شود: آلا ala ، بی‌خا yıxa ، دولا dola ، قاچا qaça – بعبارت دیگر اگر آخرین حرف صدادار فعلی با یکی از حروف « a , i , o , u » باشد ،

پسوند آرزویی تبدیل به « a » گشته و صرف می‌شود. مثال :

biz alağ	بیز آلاق	mən alam	من آلام
siz alasınız	سیز آلا سینیز	sən alasan	سن آلا سان
onlar alalar	اونلار آلالار	o ala	او آلا

– « نه اولا ، او آلا بیر . » nə ola , o ala bir .

توجه: اصل فعل برای اول شخص مفرد به شکل *alayam* و برای اول شخص جمع به شکل «*alayaq*» می‌باشد که در صرف بوده *یک a* و *y* حذف شده است. (مخفف شده فعل مذکور برای اول شخص جمع همشکل با فعل امری [*alaq*] می‌باشد.)

۲-۱) فعلی که آخرین حرف آن صدادار باشد، در صرف به خود *یک y* اضافی می‌گیرد و به شکل زیر صرف می‌شود. مثال:

biz deyə (yə)k	بیز دئیک	mən deyəyəm(deyəm)	من دئیم
siz deyəsiz	سیز دئییه سینیز	sən deyəsən	سن دئییه سن
onlar deyələr	اونلار دئییه لر	o deyə	او دئییه

– این افعال در محاوره به شکل *diyəm*, *diyəsən*, *diyə* نیز صرف می‌شوند.

– فعلی که آخرین حرف آن با حرف صدادار ختم می‌شود:

من اوخویام *oxuyam*، سن اوخویاسان *oxuyasan*، او اوخویا *oxuya*
 بیز اوخویاق *oxuyaq*، سیز اوخویاسانیز *oxuyasınız*، اونلار اوخویالار *oxuyalar*
 اگر آخرین حرف فعل با حرف صدادار باشد، به آن *یک «y»* تکمیلی افزوده می‌شود.
 (*dey*, *üşüyə*, *oxuya*، هماهنگی کوچک)

۲) کلمات مخصوصی که با «فعل آرزویی» بکار گرفته

می‌شود، به شکل زیر می‌باشد:

«نه اولار» *nə olar*، «نه اولا» *nə ola*،
 «بیر» *bir*، «بیر اولا» *bir ola*،
 «نؤلا» *nola*، «آلاه ائلی یه» *allah eləyə*

– در مواردی هم چند کلمه مذکور را در *یک* جمله در کنار هم قرار داده و به شکل زیر بکار می‌گیرند. مثال:

«نه اولا بیر *nə ola bir*» و یا «نه اولا آل - لاه ائیله یه *nə ola allah eyliyə*»

۳) جملات مختلف آرزویی: muxtəlif arzu cümlələri:

نؤلا ، او گئده بيله بير . nola , o gedə bilə bir .

نه اؤلا بير، من بير ميليون پۇل تاپام . nə ola bir, mən bir milyon pul tapam .

نه اؤلا منيم ده بير قيزيم اؤلا . nə ola mənim də bir qızım ola .

آلاه ائيله يه منيم ده بير اوغلوم اؤلا . allah eləyə mənimdə bir oğlum ola .

او ايندى گله بير، نه ياخشى اولار . o indi gələ bir , nə yaxşı olar .

نه اؤلا او ايندى گله بير . nə ola o indi gələ bir .

منيم آرزوم بۇدور كى سن بۇيا - باشا چاتاسان

mənim arzum budur ki , sən boya--başə çatasan .

او ايسته بير كى بۇ شهرده ياشايا . o istəyir ki , bu şəhərdə yaşaya .

او اوغلان هميشه ايسته ير كى ، اوخويا . o oğlan həmişə istəyər ki, oxuya .

۱-۳) نفي فعل باوجه آرزویی بوسيله « مه » و « ما » به شکل زیر می باشد:

من گلمه يه م ، mən gəlməyəm ، بيز گلمه يك

سن گلمه يه سن ، sən gəlməyəsən ، سيز گلمه يه سينيز

او گلمه يه ، o gəlməyə ، اونلار گلمه يه لر

- او گلمه يه بير . بيز گلمه يك بير . اونلار گلمه يه لر بير .

اصل فعل mən gəlməyəyəm می باشد که آن را مخفف کرده و صرف می کنند :

معمولا افعال آرزویی را همراه کلمات آرزویی بکار بردند و یا به شکل فعل کمکی صرف

می کنند. مثال : « او گلمه يه بير gəlməyə bir » ،

او گلن مه يه (گلنمه يه) بير o gələnməyə bir ،

یا « او گله بيلمه يه بير o gələ bilməyə bir » و یا به شکل « آل لاه ائيله يه ،

او گله بيلمه يه بير allah eləyə , o gələ bilməyə bir » و... گفته می شود.

۲-۳) گذشته فعل باوجه آرزویی :

ماضی فعل آرزویی همانند سایر افعال بوسیله پسوند گذشته (ایدی ، ایمیش) ساخته می شود. فعلی که آخرین حرف صدادار آن به آهنگ بالائی (ə, e, i, ö, ü) ختم شود به شکل زیر به زمان گذشته صرف می شود : (توجه شود که فعل آرزویی را با کلمات آرزویی مثل « بیر و... » بکار می برند.)

biz gələydik	بیز گله یدیک	mən gələydim	من گله یدیم
siz gələydiniz(diz)	سیز گله یدینیز	sən gələydin	سن گله یدین
onlar gələydilər	اونلار گله یدیلر	o gələydi	او گله یدی

۳-۳) فعلی که آخرین حرف صدادار آن به آهنگ پائینی (a , ı , o , u) ختم شود ، (همراه کلمه « بیر» و..) به شکل زیر صرف می شود :

biz alaydıq	بیز آلایدیق	،	mən alaydım	من آلایدیم
siz alaydınız	سیز آلایدینیز	،	sən alaydın	سن آلایدین
onlar alaydılar	اونلار آلایدیلار	،	o alaydı	او آلایدی

– با وجودی که فعل مذکور ماضی فعل آرزویی است می توان آن را به کمک کلمات « قید زمانی » برای زمان گذشته ، حال و آینده به شکل زیر بکار گرفت. مثال :

o indi gələydi bir. او ایندی گله یدی بیر.

o sabah gələ bilməyəydi bir. او صاباح گله بیل مه یه یدی بیر.

نه اولایدی ، منیم بالام ایندی غوربت (قوربت) دن گله یدی ، من اونو باغریما بیر باسایدیم.

nə olaydı, mənim balam indi gürbətdən gələydi,

mən onu bağrıma bir basaydım .

۳) فعل با وجه آرزویی کمکی

فعل آرزویی کمکی، ترکیبی از دو فعل است که آخرین فعل آن فعل کمکی «بیل» می باشد که همراه حرف میانوندی بکار گرفته می شود. فعل آرزویی کمکی عمدتاً با کلمه آرزویی (مثل : «بیر» و ..) بکار گرفته شده و به شکل زیر برای ضمائر شخصی صرف می شود :

biz gələ bil(əy)ək	بیز گله بیله یه ک	mən gələ bil(əy)əm	من گله بیله یم
siz gələ biləsiniz	سیز گله بیله سینیز	sən gələ biləsən	سن گله بیله سن
onlar gələ bilələr	اونلار گله بیله لر	o gələ bilə	او گله بیله

توجه : در صرف این فعل برای اول شخص مفرد و جمع ، يك θ و γ حذف می کنند.

۳-۱) گذشته فعل با وجه آرزویی کمکی به شکل زیر صرف می شود:

mən (bir) gələ biləydim	من (بیر) گله بیله یدیم
sən (bir) gələ biləydın	سن (بیر) گله بیله یدین
o (bir) gələ biləydi	او (بیر) گله بیله یدی
mən (bir) gələ biləymişəm	- گذشته دور : من بیر گله بیله یمیشم
mən (bir) gələ biləymişdim	- گذشته دورتر : من بیر گله بیله یمیشدیم

- ماضی فعل آرزویی بوسیله قید زمانی می تواند مفهوم زمان حال و آینده را بخود بگیرد.

۳-۲) فعل آرزویی در جمله به اشکال زیر نیز صرف می شود:

فعل باوجه آرزویی التزامی: سن بیر گلملی اولاسان. sən bir gəlməli olasan.
 فعل باوجه آرزویی کمکی التزامی: سن بیر گلملی اولاییله سن. sən bir gəlməli ola biləsən.
 گذشته با وجه التزامی: او گلملی اولایدی بیر. o gəlməli olaydi bir.
 گذشته با وجه التزامی کمکی: او گلملی اولاییله یدی بیر. o gəlməli ola biləydi bir.
 - فعل آرزویی به سایر زمانهای گذشته نیز به شکل زیر قابل صرف می باشد :

گذشته دور فعل با وجه آرزویی: من گله یمیشم mən gələymişəm
 گذشته دورتر: من گله یمیشدیم mən gələymişdim

۱) جمله « آرزویی غیر واقعی » :

« جمله آرزوی غیر واقعی » بوسیله ماضی « فعل آرزویی » و نیز کلمه « کشکه » (کاشکی) که در اول جمله قرار می گیرد ، ساخته می شود. این جمله مفهوم زمان گذشته ، حال و آینده را دارد که بوسیله قید زمانی برای زمانهای مختلف صرف می شود. این فعل زمانی بکار گرفته می شود که به آرزوی مورد نظر امکان دسترسی موجود نباشد.

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به آهنگ بالائی ü, ö, i, e, ə ختم شود ، به شکل زیر در جملات « آرزوی غیر واقعی » بکار گرفته می شود :

جملات « آرزوی غیر واقعی » بدون قید زمانی مفهوم زمان گذشته ، حال و آینده را می دهد. مثال:

keşkə (kaş ki) mən gələydim	کشکه (کاشکی) من گله یدیم
keşkə (kaş ki) sən gələydin	کشکه (کاشکی) سن گله یدین
keşkə (kaş ki) o gələydi	کشکه (کاشکی) او گله یدی
keşkə (kaş ki) biz gələydik	کشکه (کاشکی) بیز گله یدیک
keşkə (keş ki) siz gələydiniz	کشکه (کاشکی) سیز گله یدینیز
keşkə (kaş ki) onlar gələydilər	کشکه (کاشکی) اونلار گله یدیلر

جملات « آرزوی غیر واقعی » دیگری که بدون قید زمانی مفهوم زمان گذشته، حال و آینده نزدیک را دارد به شکل زیر می باشد:

kaş ki mən uşaq olaydım .	کاشکی من اوشاق اولایدیم .
kaş ki , mən də milyonər olaydım .	کاشکی کی من ده میلیونر اولایدیم .
kaş ki mənim on qardaşım olaydı .	کاشکی منیم اون قارداشیم اولایدی .
	کشکه منیم آتام ، آنام ساغ اولایدی (اولایدیلار) .

keşkə mənim atam , anam sağ olaydı (olaydılar) .

کشکه من بیر قووش اولوب ، قانات آچیب ، داغدا ، داشدا اولچایدیم .

keşkə mən bir quş olub, qanad açıb, dağda-daşda uçaydım.

۱-۱) جملات « آرزویی غیر واقعی» در زمانهای مختلف گذشته نیز بکار گرفته می شوند. مثال :

گذشته دور : کاشکی (کشکه) گله یمیشم kaş ki (kəşkə) gələymişəm
گذشته دورتر : کاشکی (کشکه) گله یمیشدیم kaş ki (kəşkə) gələymişdin

۱-۲) فعل کمکی در «جمله آرزویی غیر واقعی» به شکل زیر صرف می شود :

کشکه من گله بیله یدیم keşkə mən gələ biləydim
کشکه سن گله بیله یدین keşkə sən gələ biləydin
کشکه او گله بیله یدی keşkə o gələ biləydi

فعل مذکور به کمک « اؤلماق» به شکل التزامی و کمکی التزامی نیز صرف می شود:

التزامی : کشکه من گلملی اؤلایدیم keşkə mən gəlməli olaydım

کمکی التزامی : کشکه من گله بیلملی اؤلایدیم.. keşkə mən gələ bilməli olaydım.

جملات آرزویی غیر واقعی بوسیله کلمات قید زمانی در زمانهای مختلف به شکل زیر بکار گرفته می شوند. مثال :

کشکه من ایندی آلایدیم . keşkə mən indi alaydım.

کشکه سن صباح گله یدین . keşkə sən sabah gələydin.

کشکه او دونن بۇرایا گله یدی . keşkə o dünən buraya gələydi.

– به جملات دیگر « آرزوی غیر واقعی » که بوسیله کلمات « قید زمانی» به زمانهای مختلف صرف می شوند توجه کنید :

کاش کی (کشکه) من اؤن ایلدن سونرا آنادان اؤلایدیم .

[keşkə] kaş ki mən on ildən sonra anadan olaydım.

کشکه ایندیکی عقلم (عغلم) ، اؤن ایلدن قابق منده اؤلایدی .

keşkə indiki əğlim ,on ildən qabaq məndə olaydi .

۱) فعل امری آرزویی و فرمهای مختلف :

فعل امری آرزویی ، فعلی است که « امر » و « آرزو » را در يك كلمه بیان می کند و این فعل تنها در بین دوستان و آشنایان نزدیک بکار گرفته می شود .

فعل امری آرزویی در زبان ترکی به دو شکل صرف شده است :

الف) شکلی که کهنه شده و امروزه در آذربایجان بکار گرفته نمی شود.

ب) شکلی که فرم قدیمی آن تغییر داده شده و امروزه در ابعاد وسیعتری معمول گشته و

به شکل زیر مورد استفاده قرار می گیرد :

۱-۱) صرف فعل امری آرزویی :

فعلی که امروزه بعنوان « فعل امری آرزویی » در بین دوستان و اعضای فامیل بکار گرفته

می شود به دو شکل بوده و بوسیله ترکیب « فعل امری » و حروف اضافی « ha » و

« da » که به شکل پسوند به آخر فعل پیوند می خورد ، ساخته می شود.

فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی باشد به شکل زیر صرف می شود. مثال :

biz gələk hə	بیز گله ك ها	mən gəlim hə	من گلیم ها
sin gəlin hə	سین گلین ها	sən gəl hə	سن گل ها
onlar gəlsinlər hə	اونلار گلسین لره	o gəlsin hə	او گلسین ها

– توجه شود که در صرف به هماهنگی حرف صدادار توجه نکرده و افعال مذکور با پسوند

« da » به شکل زیر نیز صرف می کنند :

biz gələk da ، من گلیم ده mən gəlim da ، بیز گله ك ده

sin gəlin da ، سن گل ده sən gəl da ، سین گلین ده

onlar gəlin da ، اونلار گلسین لره o gəlsin da ، او گلسین ده

– پسوند فعل مذکور بجای də به شکل da نیز گفته می شود.

– بکار گیری افعال مذکور در جمله به شکل زیر می باشد:

عمی جان آخشام شاما بیزه «گل ها». "əmi- can, axşam şama bizə" gəlha".

عمی، عمی قیزی یا بیر آز پۇل « وئرها » .. "ver ha" əmi, əmiqızıya bir az pul
 عمی، عمی قیزی یا بیر آز پۇل « وئرده » . "də" əmi, əmiqızıya bir az pul ver də.
 – در صرف فعل مذکور در موارد زیادی حرف صدادر پسوند (ha , da) را با حرف
 صدادر ریشه فعل هماهنگ نمی سازند و عمدتاً آنها را به شکل (ha , da) و در موارد
 کمی هم به شکل (də , hə) با هماهنگی کوچک بکار می برند. از این روست که
 پسوندهای مذکور در این کتاب جدا از فعل نوشته شده است . مثال :

سن بۇ کیتابی اؤخو ها . sən bu kitabı oxu ha .

عمی، عمی قیزییا بیر آز پۇل وئر دا . "da" əmi, əmiqızıya bir az pul"ver də".

سن بۇ کیتابی « یاز ها » . sən bu kitabı " yaz ha " .

سن اؤنون پۇللارینی خرج « ائدمه دا » (ده)

sən onun pullarını xərc "edmə da "(də) .

توجه : فعل مذکور علاوه بر بیان « امر و آرزو » مفاهیم دیگری را نیز در

جمله می تواند به شکل زیر بیان کند :

– پسوند « ها ha » را می توان در زمانی بکار گرفت که همراه « امر و آرزو » تذکر نیز
 داده می شود. مثال: عمی جان، عمی اؤغلونون پۇلا برك احتیاجی وار اؤنا بیر آز پۇل « وئرها » .

əmi - can, əmi-oğlunun pula bərk ehtiyacı var, ona bir az pul"ver hə".

– پسوند « دا » زمانی بکار گرفته می شود که کسی قبلاً در رابطه با کاری به شخصی تذکر

داده و اکنون نه تنها گفته خود را تکرار می کند بلکه به انتقاد دوستانه ای نیز

که منظور از آن اصلاح اشتباه طرف مقابل است دست می زند. مثال :

عمی جان ، سنه بیر دفعه دئدیم ها ، عمی اؤغلونون پۇلا برك احتیاجی وار ، اؤنا بیر آز

پول « وئردا » (ده) . əmi- can, sənə bir dəfə dedim ha ,əmi- oğlunun.

pula bərk ehtiyacı var , ona bir az pul " vər də"(da).

(۱-۱) اگر شخصی بخواهد در رابطه با کار زشت و یا خطرناکی به دوست و

آشنای خود اخطار و تذکر دهد به فعل « امری آرزوئی » کلمه « آمان » (آمان) یا « یامان » و پیسدی (زشت) را می افزاید. مثال :

yalan demə amandır ha . یالان دئمه آمان دیر ها
 oğurluq eləmə amandır ha. اوغورلوق ائله مه آمان دیر ها .
 oğurluq eləmə ha, amandır . اوغورلوق ائله مه ها آماندیر .
 adamlara toxunma da pisdir . آدمالارا « توخونما دا » پیسدیر.

- « یامان » در جاهای دیگر نیز بکار می رود. مثال :

heç kimə yaman demə (به کسی بدنگو و یا فحش نده)
 یامان ایش گۆرمه (کار زشت انجام نده) yaman iş görmə

۱) فعل « امری آرزوئی » به فرم قدیمی :

این فعل امروزه بکار گرفته نمی شود ولی آن در اشعار قدیم صرف شده است و به این دلیل آموختن آن لازم است.

۱-۱) پسوند « آ » در بعضی کتب و اشعار قدیمی به شکل زیر صرف شده است :

وئر منا ver mən a (بده به من) امروزه گفته می شود :

منه وئرها mənə ver ha آل سنا alsən a (خودت بگیر) امروزه گفته می شود :

سن آل ها sən al ha

برای مثال به شعری از فضولی توجه کنید :

« .. منع ایله ، ورمه هر نه گر کمز سنا منا یارب ، هدایت ایله طریق فنا منا »

mən,ı eylə,vermə hər nə gərəkməz sənə - mənə

yarəb , hedayət eylə təriq fəna mən

افعال در شعر مذکور بدین شکل می باشند: منع « ایله » فعل امری ، « ورمه » به شکل نفی

فعل امری ، « گر کمز » نفی و کلمه التزامی که در جمله آرزوئی با شک و تردید نیز بکار

گرفته می‌شود و « سنا منا » تو و من با علامت فعل امری آرزوئی می‌باشد که آنها را می‌توان در شعر مذکور به شکل منع ایغله آ ، ورمه آ ، گر کمز آ نیز به حساب آورد.

۱-۲) فعل امری آرزوئی دیگری در رابطه با اول شخص جمع به شکل « بیزگله لیم » (biz gələ -lim) در اشعار قدیمی کم و بیش مورد استفاده قرار گرفته است. برای مثال به شعری از فضولی توجه کنید :

« گل ای اهل حقیقت چیخالیم دنیادن غیر یغرلر گزلیم ، اؤزگه سفالر گۆره لیم »
 « gəl ey əhl həqiqət çıxalım dünyadən ğeyr yerlər gəzəlim, özgə səfalər görəlim »

در شعر مذکور افعال « چیخالیم çıxalım » ، « گزلیم gəzəlim » و « گۆره لیم görəlim » به شکل « فعل امری آرزوئی » هستند .

- در کتاب شعر « هپ هپ نامه » از صابر طاهر زاده چنین می‌خوانیم :

« بیزه لازیمه حقّه قۇل اۇلالیم والدینه مطیع اۇغول اۇلالیم »

« bizə lazımə həqqə qul olalım valıdeynə möti oğul olalım »

امروزه در محاوره در موارد کمی فعل در رابطه با اول شخص مفرد به شکل « گل لم » (gəl-ləm) و یا به شکل « آل - لام (al -lam) در رابطه با سوم شخص جمع به شکل « اۇلار گله ل لر (olar gəl-əl-lər » و یا به شکل « آلا - للار » (alal-lar) صرف می‌شود (مثال : به شعری از « واحد » توجه شود : « طالع منه یار لماسا من نئیلییه بیللم ») که شاید از همان فعلی باشد که در اشعار قدیمی بعنوان فعل امری آرزوئی برای دوم شخص جمع بکار برده شده است.

توجه : فعل « امری آرزوئی » مذکور در لهجه ترکی استانبول امروزه به این شکل

(geleyim, gelesin, gelsin, gelelim , gelesiniz, gelsinler)

صرف می‌شود که تنها تشابه آن با افعال مذکور همان فرم اول شخصی

جمع (به شکل من گله لیم mən gələlim) می‌باشد.

۱) فعل شرطی و فرمهای مختلف آن :

فعل شرطی بوسیله ریشه فعل و پسوند « ایسه » (isə) و « ایسا » (isa) که مخفف شده آن به شکل « سه » (sə) ، « سا » (sa) می باشد ساخته میشود .

حرف صدادار پسوند شرطی وابسته به آخرین حرف صدادار ریشه فعل است که در نتیجه اگر آخرین حرف صدادار فعل به آهنگ پائینی (a, i, o, u) ختم شود ، علامت پسوند شرطی به شکل sa (isa) [مثل: آلسا، اگر بگیرد] و اگر آخرین حرف صدادار فعل به آهنگ بالائی (ə, e, i, ö, ü) ختم شود علامت پسوند شرطی به شکل sə (isə) در می آید . (مثل : گلسه ، اگر می آمد) :

در زبان ترکی دو نوع « فعل شرطی » وجود دارد که به سه شکل زیر صرف می شود :

الف) « فعل شرطی غیر واقعی » که بوسیله ریشه فعل (مثل : گل) و پسوند « سه » (مثل : گلسم ، اگر می آمدم) ، بیلسم (اگر می دانستم) ساخته می شود.

ب : ۱) فعل شرطی واقعی در زمان حال که بوسیله ریشه فعل و علامت زمان حال (مثل : ir, ur, ür, ir) همراه علامت شرطی (سه و سا) بوجود می آید. مثال :

گلیرسم (اگر می آیم بعبارتی وقتی ، هنگامی که همانکه می آیم) ، بیلیرسم (اگر می دانم و یا هنگامی و وقتی که میدانم) ، گولورسم (اگر می خندم و یا وقتی و هنگامی که می خندم)

ب - ۲) « فعل شرطی واقعی » که بوسیله ریشه فعل و علامت فعل آینده نزدیک (ər, ar) همراه پسوند شرطی « سه » ساخته می شود. مثل :

گلرسم (اگر بیایم در آینده نزدیک بعبارتی هنگامی که بیایم) بیلرسم (اگر بدانم و یا هنگامی که دانستم) ، گولرسم (اگر به خندم و یا هنگامی که خندیدم) متأسفانه به علت عدم آموزش زبان ترکی و تأثیرات نواقص (فعل شرطی و آرزویی ..) موجوده در زبان فارسی بعنوان زبان رسمی و آموزشی کشور ، باعث شده که مردم در محاوره افعال شرطی را به شکل صحیح خود بکار نبرند .

واضح است هر فعلی که در زبان رسمی شده کشور موجود نباشد در زبانهای « محلی » غیر رسمی اضافی تلقی شده [بجای آموختن و تکامل متقابل زبانهای موجوده آن را ابتدائی و مبتذل خوانده] و اجباراً به مرور زمان کنار گذاشته می شود ، چرا که این افعال با زبان رسمی و آموزشی کشور قابل توضیح و هضم نمی باشد. در نتیجه امروزه مردم تفاوت چندانی بین « فعل شرطی واقعی » و « فعل شرطی غیر واقعی » قائل نمی شوند و « فعل شرطی غیر واقعی » (گلسم gəlsəm) را بجای « فعل شرطی واقعی » (گلرسم gələrsəm) و یا گلیرسم (gəlirsəm) بکار می برند و به آن کلمه « اگر » را نیز می افزایند. مثلاً :
اگر من فردا بخانه شما بیایم ، شام را ساعت هفت می خوریم . (من صاباح سیزه گلسم gəlsəm [بجای گلرسم gələrsəm به مفهوم : همانکه ، وقتی که رسیدم] شامی ساعات یئدیده ییبه ریک.)

۱-۱) فعل شرطی غیر واقعی بوسیله ریشه فعل و پسوند شرطی (« sə » و « sa ») به شکل زیر برای ضمائر شخصی صرف می شود :

men gəlsəm	من گلسم	biz gəlsək	بیز گلسک
sən gəlsən	سن گلسن	siz gəlsəniz	سيز گلسه نيز
o gəlsə	او گلسه	onlar gəlsələr	اونلار گلسه لر

۱-۲) فعلی که آخرین حرف صدادار آن به آهنگ پائینی ختم شود به شکل زیر برای ضمائر شخصی صرف می شود. مثال :

men alsam	،	biz alsaq	بیز آلساق
sən alsan	،	siz alsanız	سيز آلسانيز
o alsa	،	onlar alsalar	اونلار آلسالار

۱-۳) نفی فعل شرطی غیر واقعی بوسیله کلمه « مه » و « ما » که به ریشه فعل پیوند

می خورد ، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می شود :

من گلمه سم mən gəlməsəm ، بیز گلمه سه ك biz gəlməsək
 سن گلمه سن sən gəlməsən ، سیز گلمه سه نیز siz gəlməsəniz
 او گلمه سه o gəlməsə ، اونلار گلمه سه لر onlar gəlməsələr

۳-۱) گذشته فعل شرطی غیر واقعی همانند افعال دیگر بوسیله پسوندهای ماضی

(idi ، imiş ..) به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می شود :

من گلسه یدیم mən gəlsəydim ، بیز گلسه یدیک biz gəlsəydik
 سن گلسه یدین sən gəlsəydin ، سیز گلسه یدینیز siz gəlsəydiniz
 او گلسه یدی o gəlsəydi ، اونلار گلسه یدیلر onlar gəlsəydilər

۶-۱) نفی گذشته فعل شرطی غیر واقعی به شکل زیر برای ضمایر شخصی می باشد :

من گلمه سه یدیم mən gəlməsəydim ، بیز گلمه سه یدیک biz gəlməsəydik
 سن گلمه سه یدین sən gəlməsəydin ، سیز گلمه سه یدینیز siz gəlməsəydiniz
 او گلمه سه یدی o gəlməsəydi ، اونلار گلمه سه یدیلر onlar gəlməsəydilər

– « فعل شرطی غیر واقعی » زمانی بکار گرفته می شود که شرط مطروحه واقعیت نداشته باشد و یا امکان دسترسی به آن موجود نباشد. مثال :

پۇلوم اۆلسایدی بورادا بیر ائو آلااردیم . یعنی : اگر من پول داشتم در اینجا يك خانه می خریدم . این جمله شرطی است به این مضمون که من اگر پول داشتم کاری را انجام می دادم . یعنی خانه می خریدم ، غیر واقعی است زیرا که پول نداشتم و در نتیجه خانه هم نمی توانستم بخرم .

۲) « افعال شرطی واقعی » :

فعل « شرطی واقعی » در زبان ترکی به دو شکل زیر ساخته می شود :

a) فعلی که بوسیله ریشه فعل و علامت زمان حال « ir,ur , ır , ür » همراه پسوند شرطی (sa , sə [isə , isa]) بوجود می آید .

b) فعلی که بوسیله ریشه فعل و علامت آینده نزدیک (ar , ər) همراه پسوند شرطی (sa , se [isə , isa]) ساخته می شود.

فعل « شرطی واقعی » زمانی بکار گرفته می شود که گوینده مطلب بخواهد واقعیت عملی را که شرطی بوده و بوقوع پیوستن آن را نیز حتمی می پندارد بیان کند. مثال :

احمد ائوه گلرسه یئمک یئییه ریک . əhməd evə gələrsə,yemək yeyərik .

اگر احمد به خانه بیاید غذا می خوریم (بعبارتی وقتی که احمد به خانه آمد [رسید] غذا

می خوریم). صرف افعال شرطی واقعی (در زمان حال و آینده نزدیک) در رابطه با دوم

شخصی مفرد حتماً باید بوسیله علامت شرطی « ایسه » (isə , isa) به شکل « سن

گلیرایسن sən gəlirisən » و « سن آلارایسان sən alarısən » و .. (بدون حذف [i])

بکار رود. اگر به شکل مخفف شده (« سه ، سا sa,sə) صرف شود همشکل با

فعل زمان حال و آینده نزدیک می شود. فعل شرطی واقعی در قدیم نیز برای دوم

شخص مفرد به شکل « ایسه ، ایسا » (بدون حذف « i ») صرف شده است.

– برای مثال به شعری از فضولی توجه کنید :

« فضولی ایسترایسن ازدیاد رتبه فضل دیار روم گوزت ، ترک خاک بغداد ائت »

(fezüli istərisən ezdiyad rotbeye fəzl diyar rom göz et ,....)

۲-۱) فعل شرطی واقعی با پسوند زمان حال (ir,ır,ür,ur) به شکل زیر صرف می شود :

در صرف این فعل برای دوم شخص مفرد (سن) علامت شرطی نباید مخفف شود بلکه

بايد به شكل « isə , isa » بكار گرفته شود :

فعلى كه آخرين حرف صدا دار آن با آهنگ بالائى باشد به شكل زير صرف شود :

من گليرسم mən gəlirsəm ، بيز گليرسك biz gəlirsək
 سن گليريسن sən gəlirisən ، سيز گليرسه نيز siz gəlirsəniz
 او گليرسه o gəlirsə ، اونلار گليرسه لr onlar gəlirsələr

۲-۲) فعلى كه آخرين حرف صدا دار آن با آهنگ پائينى است ، به شكل زير صرف مى شود. مثال :

من آليرسام mən alırsam ، بيز آليرساق
 سن آليريسان sən alırsan ، سيز آليرسانيز
 او آليرسا o alırsa ، اونلار آليرسالار

۳-۳) فعل شرطى واقعى بوسيله فعل آينده نزديك (er, ar) به شكل زير صرف مى شود :
 (اين فعل در رابطه با دوم شخص مفرد نبايد مخفف شود بلکه بايد بوسيله علامت شرطى « ايسه ، ايسا » [مثل : sən gəlirisən] بكار رود ، در غير اينصورت همشكل فعل آينده نزديك در مى آيد).

من گليرسم mən gəlirsəm ، بيز گليرسك biz gəlirsək
 سن گليريسان sən gəlirisən ، سيز گليرسه نيز siz gəlirsəniz
 او گليرسه o gəlirsə ، اونلار گليرسه لr onlar gəlirsələr

۳-۴) نفى « فعل شرطى واقعى » بوسيله كلمه نفى « مز » به شكل زير صرف مى شود. مثال :

من گليرسم mən gəlirsəm ، بيز گليرسك biz gəlirsək
 سن گليريسان sən gəlirisən ، سيز گليرسه نيز siz gəlirsəniz
 او گليرسه o gəlirsə ، اونلار گليرسه لr onlar gəlirsələr

۱) جمله شك و تردید

فعل زمانی فرم « شك و تردید» بخود می‌گیرد که در جمله با کلمه « به یه bayə » و « شاید şayəd » بلکه bəlkə ، اگر (əyər , əgər) و.. بکار گرفته شود. تمام فرمها و اشکال افعال در زبان ترکی می‌توانند با کلمات مذکور به شکل « شك و تردید » مبدل شده و صرف شوند. (مبحث کلمه اگر و.. در صفحه ۲۰۴ می‌باشد)

« جمله شك و تردید» زمانی بکار گرفته می‌شود که بیان کننده مطلب برای بوقوع پیوستن عمل مطروحه اطمینان کامل نداشته و برای فهماندن نظر خود جمله را با کلمات « شك و تردید » بیان می‌کند. مثال :

زمان حال : دئییه سن گلیر deyəsən gəlir (گو اینکه می‌آید.)
 آینده نزدیک : دئییه سن گلر deyəsən gələr (گویا اینکه می‌آید)
 آینده : دئییه سن گله جک deyəsən gələcək (گویا خواهد آمد)
 گذشته استمراری : حتماً گلیردی hətmən gəlirdi (حتماً می‌آمد) .

احتمال وارکی، گلیر ehtimal var ki , gəlir (احتمال دارد که می‌آید)

- زمان حال : بئییه (شاید) گلیر bəyə (şayəd) gəlir
 - گذشته استمراری : بئییه گلیردی bəyə (şayəd) gəlirdi
 - آینده نزدیک : اگر گلر əgər gələr
 - آینده نزدیک در گذشته : اگر گلردی əgər gələrdi
 - آینده : اگر من گله جه یم əgər mən gələcəyəm
 - آینده در گذشته : اگر من گله جه یدیم əgər mən gələcəydim
 - زمان حال مصدری: بلکه او گلمکده دیر bəlkə o gəlməkdədir
 - ماضی استمراری مصدری: بئییه او گلمکده ید bəyə o gəlməgdəydi

۱-۱) در مواردی جمله « شك و تردید » را به وسیله « فعل آرزوئی» که مفهوم

آینده نزدیک را می دهد به شکل زیر صرف می کنند :

mən bəyə (şayəd) gələyəm (gələm)	من به یه (شاید) گلم
sən bəyə (şayəd) gələsən	سن به یه (شاید) گله سن
o bəyə (şayəd) gələ	اؤ به یه (شاید) گله
biz bəyə (şayəd) gələk	بیز به یه (شاید) گله ك
siz bəyə (şayəd) gələsiniz	سیز به یه (شاید) گله سینیز
onlar bəyə (şayəd) gələlər	اؤنلار بیه (شاید) گله لر

– و یا بلکه گلم bəlkə gələm ، بلکه گله سن bəlkə gələsən
کلمات مذکور زمانی بکار گرفته می شوند که کسی از خوشحالی یا از ترس هیجان خود
را بزبان بیاورد : بیه اؤ گله آلاه نه اؤلار. (بلکه او بیاید ، خدا چه می شود) و یا ،
بیه ایندی زلزله اؤلا آلاه نه اؤلار. (شاید الان زلزله رخ دهد خدا چه می شود.)

کلمه التزامی « گرك » (باید) و « جمله آرزویی غیر واقعی » :
کلمه گَرَك (باید) را می توان بوسیله فعل « ایمك » (بودن) به زمان گذشته صرف کرد:
گَرَك gərək ، گَریدی gərəydi
گَریمیش gərəymiş ، گَریمیشدی gərəymişdi

در مواردی ماضی گَرَك (گریدی و..) را همراه ماضی فعل آرزویی برای بیان « پشیمانی »
از کاری که به عللی در زمان گذشته به سرانجام نرسیده است بکار می برند. (ای کاش
می آمدم ، پشیمانم که نیامدم ، حیف شد که نیامدم) مثال :

mən gərəydi gələydim	من گَریدی گله یدیم (گَریدی من گله یدیم)
sən gərəydi gələydin	سن گَریدی گله یدین (گَریدی سن گله یدین)

- o gəräydi gäläydi (گَریدی اؤ گله یدی)
 توجه : کلمه « گَریدی » و « گله یدیم » هر دو در جمله به شکل ماضی بکار رفته
 است که می توان با يك ماضی نیز صرف کرد. مثال :
- mən gərək gäläydim (گَرک من گله یدیم)
 sən gərək gäläydin (گَرک سن گله یدین)
 o gərək gäläydi (گَرک اؤ گله یدی)

آرزوی از دست رفته و پشیمانی از عمل انجام نیافته را می توان بوسیله

ماضی التزامی کلمه « گَرک » (گَریدی) همراه فعل آرزویی به شکل زیر بیان کرد :

(ای کاش که [می بایستی] می آمدم [حیف شد که نیامدم])

- gəräydi mən gäləm (gäläyäm) (من گریدی گلم)
 gəräydi sən gäläsən (سن گریدی گله سن)
 gəräydi o gälə (اؤ گریدی گله)

کلمه « گَرک » را همراه فعل آرزویی برای زمان آینده که مفهوم التزامی و یا آرزویی دارد به شکل زیر نیز می توان صرف کرد :

من گَرک گلم ، سن گَرک گله سن ، اؤ گَرک گله ، بیز گَرک گله ک ،
 سیز گَرک گله سینیز ، اؤنلار گَرک گله لر و ...

جدول مقایسه افعال مختلف

برای شناخت بهتر فرمهای افعال به جدول زیر که در آن ریشه مصدر گلمک (آمدن) با پسوندهای مختلف برای دوم شخص مفرد صرف شده توجه کنید :

sən	gəl,ir,sən	سن گلیرسن	حال حاضر :
sən	gəl,ər, sən	سن گلرسن	آینده نزدیک :
sən	gəl	سن گل	فعل امری :
sən	gəl,mək,də,sən	سن گلمکده سن	مصدری (در زمان حال) :
sən	gəl,ən,sən	سن گلن سن	فاعلیت صفتی :
sən	gəl,ə,bil,ir,sən	سن گله بیلیر سن	فعل کمکی (زمان حال) :
sən	gəl,məli,sən	سن گلملی سن	فعل باوجه التزامی :
sən	gəl,əcək,sən	سن گله جک سن	آینده :
sən	gəl,ə,sən	سن گله سن	آرزوی واقعی :
kaş ki	gəl,ə,y,din	سن کشکه سن گله دین	جمله آرزویی غیر واقعی :
sən	gəl,din	سن گلدین	فعل ماضی :
sən	gəl,ir,din	سن گلیردین	ماضی استمراری :
sən	gəl,ər,din	سن گلردین	ماضی آینده نزدیک :
sən	gəl,ib, sən	سن گلیب سن	ماضی نقلی :
sən	gəl,isən		شرطی غیر واقعی :
sən	gə,lir,sən		شرطی واقعی :

عملکرد کلمه « اگر » و .. در جملات شك و تردید :

کلمه « اگر » در زبان ترکی یکی از علائم شك و تردید می باشد. در مواردی کلمه « اگر » را (همچون در زبان فارسی) علامت فعل شرطی می پنداشته اند. (بنظر می رسد که آن تاثیر زبان فارسی باشد) کلمه « اگر » می تواند با تمام فرمهای افعال [بجز امری] ترکی بکار گرفته شود. مثال :

اگر گلرم (صرف فعل به شکل آینده نزدیک) ، اگر گلیرم (زمان حال) ، اگر او گله (آرزویی) ، اگر او گلسه (شرطی) . اگر او گللمی دیر (التزامی) ، اگر او گللمی اولاً بیله و ... برای روشن شدن عمل کرد کلمات شك و تردید به مبحث زیر (منجمله در رابطه با کلمه « اگر » که همراه فعل شرطی است) توجه کنید. مثال :

« اگر کار نکنم ، بی پول می مانم » .

در مقابل بند اول جمله مذکور، این سوال پیش می آید که اگر کار نکنم چه می شود ؟ در جواب آن در بند دوم جمله گفته می شود بی پول می مانم . این نوع جمله را می توان در زبان ترکی یکی از انواع مختلف جمله بندیهای شرطی مثل « فعل آینده در گذشته » و « آینده نزدیک در گذشته » بحساب آورد.

« اگر کار نکنم ، بی پول می مانم » در زبان فارسی به شکل وجه شرطی می باشد.

زیرا کلمه « اگر » در زبان فارسی علامتی است که با آن جمله شرطی (بجای فعل شرطی) ساخته می شود. اگر دقت نشود جمله مذکور می تواند در زبان ترکی به مفاهیم مختلف بکار گرفته شود زیرا جمله مذکور نا مفهوم و چند پهلو می باشد . بعبارتی جمله شرطی مذکور (« اگر کار نکنم ، بی پول می مانم ») روشن نمی کند که من اکنون مشغول کار هستم یا نیستم و یا من اکنون پول دارم و یا ندارم. در زبان ترکی برای بیان عمل مطروحه ، فعل شرطی به دو نوع بکار گرفته می شود که یکی واقعیت عملی و دیگری کار غیر عملی را در جمله بوسیله فعل شرطی بیان می کند . ولی جمله شرطی « اگر کار نکنم ، بی پول می مانم » واقعیت عملی و غیر عملی فعل را روشن نمی کند. برای روشن شدن هرچه بهتر مطلب به مثالهای دیگری به زبان ترکی توجه کنید :

۱) « ایشله مزسم پؤلسوز قالارام » . به این معنی که اگر من کار نکنم بی پول می مانم.

ایشله مزسم : (اگر کار نکنم) نفی فعل آینده نزدیک همراه علامت فعل شرطی (سه) می‌باشد. ایشله مزسم (اگر کار نکنم) فعلی است که واقعیت را بیان کرده است . به این معنی که من بعنوان کارگر ، اگر کار نکنم واضح است که بی پول می‌مانم .

(۲) « ایشله مه سم پؤلسوز قالارام » . (اگر کار نکنم و ..) در فعل « ایشله مه سم » ریشه فعل همراه کلمه نفی با علامت شرطی (سه) بکار رفته است . بعبارتی جمله مذکور با « فعل شرطی غیر واقعی » ساخته شده و از جمله چنین فهمیده می‌شود که من مشغول کار هستم و پول هم دارم و عمل مطروحه غیر واقعی می‌باشد .

(۳) « [اگر] ایشله مه یم پؤلسوز قالارام » (اگر کار نکنم و ..) . این جمله بندی با فعل شرطی نبوده بلکه با « فعل آرزویی » ساخته شده و جمله به شکل « آرزویی با شك و تردید » فهمیده می‌شود .

برای روشن شدن عملکرد کلمه « اگر » در زبان ترکی به مثالهای زیر ترکی نیز توجه کنید : « شاید صاباح قار یاغاجاق » . (شاید فردا برف خواهد بارید [ببارد] .) یعنی با گفتن « شاید » بیان کننده مطلب در باریدن برف شك دارد و امکان باریدن برف را کمتر از پنجاه در صد می‌پندارد . « احتمالاً صاباح قار یاغاجاف » . (احتمالاً فردا برف خواهد بارید .) یعنی امکان باریدن برف بیشتر از پنجاه درصد می‌باشد .

« اگر صاباح قار یاغاجاق » . (اگر فردا برف خواهد بارید [ببارد] .) به این معنی فهمیده می‌شود که گوینده جمله مذکور با « شك و تردید » آمدن برف را بیان کرده ولی اشاره ای به چند در صد باریدن برف نکرده است . علاوه بر مفاهیم فوق ، اگر بر روی کلمه « اگر » تکیه شود و آخر فعل جمله نیز کشیده بیان شود (مثل : « اگر صاباح قار یاغاجاق ») . جمله به شکل طنز آمیز نیز به حساب می‌آید .

با توضیحات مذکور روشن می‌شود که عملکرد کلمه « اگر » در جملات ترکی همچون کلمه « شاید » (به یه) ، « احتمالاً » (اله بیل) می‌باشد . بعبارتی کلمه « اگر » یکی از علائم « شك و تردید » در زبان ترکی است که بر عکس سایر کلمات « شك و تردید » به مقدار و کمیت امکان عملی شدن فعل در جمله اشاره ای نمی‌کند .

نظر تشويقي و انتقادی دكتور زهتابی در رابطه با چاپ اول این کتاب :

حۆرماتلی هم یئرلیم - گونئیلم دیلچی عالیم علی محمدی جنابلاری !

عزیر دوست! تانیمادیغیم غربتده یاشایان بیر گونئیلمین دۇغما آنا دیلیمیزی بۇ اندازه ده اورکدن سئومه سی، قایدا - قانونلارینی یازماغا جان آتماسی و آنا دیلینی بۇتون دونیا خلقلری و اۆز میله تینه تانیتدیرماغا چالیشاماسینی ائشیتدیب بیلدیکده او قدر سئوینیب گونندیم کی، شادلیقدان گۆزلریم سۇلاندى. آخی گونئی قديم زامانلاردان دۇنيا شۆهرتلی شخصیتلرین : شیخ محمود ، میرزا فتعلی آخودزاده ، خیابانی ، معجز ، وایقانلی آدم ، کوزه کونانلی حاجی مهدی ، شبسترلی سید محمد ابوالضیاء ، خومنالی میرزا جعفر ، بینیسلی شیخ محمد حسین ، چنه وانلی وائیقی ، عاشیق قشم ، دریانلی حاجی مهدی ، شرفخانالی ناظیر ، و... ین وطنی ، دۇغولوب ، بۇیا باشا چاتدیغی دیار اولموشدور. ائشیدیب بیلدیکده کی ، گونئیین « کفلمولک » کندیندن دانیشگاه اوستادی « آقای انزابی » ایله عئینی زاماندا بیر دیلچی عالیم ده واردیر ، هم سئویندیم ، همده فخر ائتدیم .

عزیر دوست ! لطف ائدیپ گۆندر دییینیز « دستور زبان ترکی آذربایجان با توضیحات فارسی جلد ۱ » کیتابینیز ۷ ، ۱۲ ، ۱۹۹۸ تاریخده الیمه چاتدی ، اؤنو سرعتله گۆزدن ککچیرتدیم . سیزین طبیعی اولاراق بۇ اندازه ده دۇغما آنا دیلینیزه وۇرغون و علاقه مند اولدوغونوز ، دیلیمیزین یوزلرجه دیلچیلیک اثرلریله تانیش اولمادان ، اؤنو بو قدر سئویب اوزه رینده دوشونوب ، چالیشماغینیز منی هم تعج لندیردی ، همده برك سئویندیردی. چون گۆردوم کی ، سیز دۇنیانین ان قديم و زنگین دیلریندن اولان آذری تورکجه سینین ده رین ، گئنیش و زنگین خصوصیتلری و اینجه لیکلرینی دۇیموش و اونلاری علمی باخیمدان یازیب تانیتدیرماغا چالیش میش سینیز . بۇ مقدس ایش و دۇیغونوز تقدیر و تشویقه لایبقدیر و یقین بیلین کی ، سیزین قدریلن خلقلینیز هئچ وقت سیزین زحمتلرینیزی اؤنوتماز .

حۆرماتلی عالیم دوست ! وطنیمیزین متعصب ککچمیش حاکیم دایره لری و پهلوی ظلمو

خلقىمىزىن اۋز آنا دىلىنى اۋىرنىمە سىنە مانع اۆلموشدور. بونا گۆره ده ، بوتون ضىيالبارىمىز كىمى ، سىزه ده آنادىلىمىزى علمى باخىمدان اۋرنىمك اىمكانى اۆلمامىشىدىر. بۇسىدىن ده ، سىزه ھىچ بىر تقصير اولمادان ، يازدىقلارنىز آنجاق اۋز شىخسى آراشدىرمالارنىز و اۋز اسلوبونوزدا اۆلموشدور ، خالبوكى ، بۇگون باكى بوتون تورك دۇنياسىنىن تورك دىلچىلىكى مركزىدىر و نىچە يوز ايلدىن بىرى اذرى عالملىرى دىلىمىزىن مختلف جەھتلىرىدە يوزلرجه ده رىن دىلچىلىك اثرلىرى قلمە المىش و دىلىمىزىن سس قۇرولوشو ، صرف و نحوينى اۋىرنىمك اوچون آيرى - آيرى ائله اثرلىر ياراتمىشلاركى ، بوتون دۇنيا دىلچىلىكىگىنە اۋرنىك اۆلموشدور. اذربايجانىن بوتون معاصىر عالملىرى ھىمىن دىلچىلىك مکتىبى اصولوندا يازىب يارادىر و ايره لى گىدىرلر . جنوبى اذربايجان و عموم ايران توركلرىنىن دىلچىلىرى ده بۇ مکتىبىن آردىنجا گىتمىكده دىرلر. من ده بىر شىبىستىرلى كىمى ، چوخلو زحمتلر و اوزون محرومىتلىردىن سۇنرا نھايت باكى دانشگاھىنىن « اذرى دىل و ادبىياتى دانشكده سىندە » ھىمىن مکتىبىن اۆلىم اۋستادلارى ، پروفىسورلارى و آكادىمىك - لرىنىن كىلاسلىرىندا آنا دىلىمىزى اۋيره نىب ، اۋنلارنىن اثرلىرى ايله بىلگىمى تكمىل لىشىدىمىش و عۆمرومون سۇنوننا قدر ده بۇ ساحده چالىشاجام .

عالمى دوست ! بۇگونه قدر بۇ ساحده چالىشمالارىم و اۋستادلارىمدان اۋىرنىدىكلرىمى ، وطنە دۇندوكدن سۇنرا ، باجاردىغىم قدر قلمە المىش ، چاپ ائتدىرمىكده ىم .

بۇگونه قدر چاپ ائتدىردىگىم آنا دىلىمىزىن سس و صرف بۆلوملىرىنى احاطە ائدىن ايكى كىتابى بۇ مکتوبلا سىزه گۆندىرىم و اومودوم واركى ، آلاھ عۆمور وئرسە ، ياخىن آيلاردا دىلىمىزىن چاپ اۆلماقدا اۋلان نحو كىتابىنى دا سىزه گۆندە رم .

عزىز دوست ! بۇگون بوتون دىرى دۇنيا دىللىرىنى اۋىرنىن دىلچى عالملىر بۇ دىللىرى اولجە سس قۇرولوشونو ، فۇنكسىيە ، سۇنرا كلمە لرىن دە بىشىلمە ، اىشتىقاق ، حاللانما و تصرىف

قايدا قانونلارنى احاطه ائدن صرف ، مورفولوژى قورولوشونو اۆيره نىب خلقلىرىنە و مکتبلردە اۇشاقلارنى اۆيره دىرلر و نهايت دىللىرىنىن نحوينى ، سىنتاكس، اۆيره نىرلر. نحوه بۆلوموندە كلمە لر و سۆزلەرنىن جملە دە اۆينادىقلارنى رۇللارنىدىن ، اۇنلارنىن دوزولمە قانونلارنىدىن ، جملە لىرىن قۇرولوشو و نۇغلارنىدىن و اۇنلارنىن قانونلارنىدىن بحث اۆلونور.

سس قۇرولوشو يا قونئىك بۆلوموندە سسلى و سس سىز حرفلر ، اۇنلارنىن يازىلماسى ، علامتلىرى ، اھنگ قانونو ، آرديجىل لىق قۇرال لارى ، حرفلرىن دە يىشمە سى و سايره سسلە علاقه دار مسئلە لردن بحث اۆلور . سىز اۆز اثرىنىزدە بۇ مسئلە لردن مختلىف يىرلردە دانىشمىش سىنىز ، لاكىن اۇنلارنى بىرىنچى فصىلدە معىن سىرادا تۇپلامالى و مىثال لارلا اۇنلاردان دانىشماغىنىز ياخشى و دىلچىلىك علمىمىز اساسىدا چۇخ دوزگون ، آنلاشىلان ، يادداقالان و اۇخوجولارنى دىقتىنى جلب ائدن اۇلار و دىلىمىزى اۇشاقلارنىمىز اۆيرتمە گى آسان و موفقىتلى ائدر .

صرف و يا مورفولوژى بۆلوموندە سۆزلەرنىن قۇرولوشو و تركىبى و حىصە لرىدىن دانىشىلىرى و سۆزلر معنالارى و جملە دە اۆينادىقلارنى رۇللارنى اساساً اۇن يىرە بۆلونور و هر بىرىدىن آيرى - آيرى فصىللردە بحث اۆلونور و قايدالارى گۆستىرىلىرى. هر بىرىدىلە موجود سۆزلر ايكى اساس دستە يە بۆلونور :

(۱) اساس نطق حىصە لرى. (۲) كۆمكىچى نطق حىصە لرى .

— اساس نطق حىصە لرى يىددى دىر و گراممىرىمىزدە بۇ ترتىبلە اۆيرنىلىرى :

(۱) اىسم . (۲) صىفت . (۳) ساي . (۴) عوضلىك ، ضمىر .

(۵) قىمىد . (۶) فعل . (۷) نىدا .

— گۆمكىچى نطق حىصە لرى ايسە بۇنلاردىر :

(۱) قۇشمالار . (۲) باغلايىچىلار . (۳) اداتلار .

معناجا بىرى - بىرىدىن فرقلىنن بۇ اۇن نوع سۆزون هر بىرىدىن علىحىدە فصىلدە بحث اۆلونور و اونلارنىن دە يىشىلمە سى ، حاللانماسى ، تصرىفى و سايره قانونلارنى

گۆستریلیر و میثال لارلا شرح و ایضاح اولونور .

سیزه گۆندر دیگیم ایکی کیتابدا دیلیمیزین بۇ ایکی موضوعوندان دانیشیلیر و سیز کیتابینیزین اکثر یئرلرینده بۇ مسئله لردن ، آیری - آیری یئرلرده ، قاریشیق و بیرى - بیرله علاقه سیز شکیلده بحث ائتمیش سیز . اگر یازدیقلارینیزین ، عالیملریمیزین گۆستردیگی شکیلده اولماسینی ایسته سه نیز ، یالنیز اولناری دال - قاباق ائتمه لی و گۆسترین سیرا ایله دوزمه لی و آرتیقلا رینی حذف ائتمه لیسینیز .

سیزه گۆنده ره جگیم کیتاب دیلیمیزین نحوینه عایدیدیر. نحو علمینده کلمه لرین جمله ده کی روللاری، وظیفه لری، یئرلری، اولنارین اولاری و جمله لرین ایسمی، فعلی، ساده و مرکب اولمالارینا اساسا تقسیماتی گئیش شکیلده ، ادبیاتیمیزدان چوخلو میثال لارلا وئریلیر. اختصار شکیلده یازدیغیم نحو کیتابی تقریباً ۷۰۰ صحیفه دیر و ایندی « فجر آذربایجان » غزئینده تبریزده چاپ اولونور و سونرا کیتاب کیمی چاپ اولاجاقدیر. سیز کیتابینیزین بعضی یئرلرینده ، نحوه ایشاره ائتمه ده ، بعضی نحو مسئله لرینی یازمیش - سینیز ، اولناری ساخلا ییب و کیتابینیزین ایکنجی جیلدینده ، نحو حیصه سینده وئرمه یینیز علمی اولار .

کیتابینیزین تازا چاپینین ایضاحلاری دۇغما آنا دیلیمیزده اولماسی لازیم و یاخشیدیر ، چونکی ، هم خلقیمیز آنا دیلیمیزده اولخویار ، همده دیلیمیزین بیر سیرا قایدا - قانونلارینی فارسجا ایضاح ائتمک و فارسجا وئرمک غئیر مومکوندور ، هر بیر دیلین اؤز خصوصیتی واردیر. عزیز هم یئرلیم ! بو شرفلی میلی و ایسلامی ایشینیزده سیزه بؤیوک موفقیتلر و باجاریلار دیله ییب ، آرزو ائدیرم کی ، بئرلینده کی دوستلارلا علاقه و رابطه نیز محکم اولسون ، تا اولنارین واسیطه سیله علمی علاقه میز داوام ائتسین و نحو کیتابینی اولنارین واسیطه سیله سیزه گۆندر مه ییم مومکو اولسون . ساغ اولون . سیزه باجاریلار آرزولاریا :

دوقتور محمد تقی زهتابی ، کیریشچی ،

بئرلین ۱۰ ، ۱۲ ، ۱۹۹۸